

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





# مکتب انتقال اسلام

محتوای کمک آموزشی تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی  
نمایندگی ولی فقیه در سپاه

سال دوم، شماره هشتم، تابستان ۱۴۰۴

مکتب انتقال





## مکتب انقلاب اسلامی

محتوای کمک آموزشی تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی  
نمایندگی ولی فقیه در سپاه  
سال دوم، شماره هشتم

**تهیه‌کننده:** معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سپاه

**تدوین و تولید محتوا:** پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)  
**نویسندگان:** علیرضا صداقت، سیدرضی سیدنژاد، علی کارشناس،

محسن مروتی، بهنام رشیدی‌زاده، مجتبی آخوندی

**ناظر علمی:** ابوالقاسم بخشیان

**ناظر نهایی:** مهدی عزیزان

**ناظر سازمانی:** روح‌الله غلامی

**واپایش نهایی:** عبدالرحمن حیاتی اصل

**ناشر:** چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

**نشر الکترونیکی:** اپلیکیشن

**صفحه‌آرا:** روح‌الله جلالی

**طراح جلد:** محمد عرب احمدی

**ناظر چاپ:** میلاد شمس‌آبادی و محسن مصباح‌فر

**شمارگان:** ۳۰۰۰ نسخه

**نشانی:** تهران، بزرگراه شهید یاسینی، ستاد فرماندهی کل سپاه،

معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

**تلفن:** ۳۵۲۳۳۵۱۸ - ۳۵۲۳۳۵۱۶ - ۰۲۱

## فهرست مطالب

سخنی با خوانندگان گرامی/ ۷

حدیث ولایت/ ۹

ترس از خدا و امید به فضل او/ ۱۱

نسیم خرد/ ۱۵

عزاداری و شبهات مربوط به آن/ ۱۷

با وجود تحریم‌ها، دستیابی به انرژی هسته‌ای چه ضرورتی دارد؟/ ۲۳

قلب سلیم/ ۲۹

خط قرمزهای اخلاق اداری؛ آسیب‌شناسی اخلاق اداری و راهکارهای مقابله با آن/ ۳۱

بر بال امید؛ کارکردها و راهکارهای عملی تقویت امیدواری/ ۴۷

ترنم وحی/ ۶۳

نقش زنان در رسالت انبیا با تأکید

بر داستان قرآنی مادر و خواهر حضرت موسی/ ۶۵

ترجمان نور/ ۷۳

دورویی؛ آموزش ترجمهٔ سورة منافقون/ ۷۵

سبک زندگی اسلامی/ ۸۵

کارکردهای معنویت در خانواده و راهکارهای ارتقای آن/ ۸۷

از هم‌خانه‌های غریبه تا همدم‌های دوباره؛ واکاوی علل طلاق عاطفی و راهکارهای

پیشگیری و درمان آن/ ۹۹

زالال احکام/ ۱۱۳

قواعد فقهی؛ قاعدهٔ عدالت/ ۱۱۵

احکام اداری نظامی/ ۱۲۳

بصیرت سیاسی/ ۱۳۵

چرا مذاکره با امریکا عاقلانه و شرافتمندانه نیست؟/ ۱۳۷

زندگی مجاهدانه/ ۱۴۹

چریک تنها؛ زندگی مجاهدانهٔ شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی اندرزگو/ ۱۵۱

پرسش‌های مسابقه غیرحضوری/ ۱۶۳

کتابنامه/ ۱۶۹



## سخنی با خوانندگان گرامی

از نظر اسلام، فهم عمیق اسلام و معارف حقّه آن در همه شئون و ابعادش - اصول اعتقادات و جهان بینی اسلامی، اخلاقیات و تربیت اسلامی، اجتماعیات اسلامی، عبادات اسلامی، مقررات مدنی اسلامی و آداب خاص اسلامی در زندگی فردی یا اجتماعی و... — اهمیت بالایی دارد؛ به طوری که پیشوایان دینی همواره می کوشیدند با روش ها و بیانات گوناگون، مردم را به کسب و ارتقای بصیرت دینی ترغیب کنند. افزون بر این، یکی از مهم ترین و جدی ترین مطالبات مقام معظم فرماندهی کلّ قوا (علیه السلام) ارتقای بصیرت دینی آحاد جامعه است. بی شک، چنین تأکیدی از ناحیه دین و رهبران دینی، نشانگر نقش اساسی این عنصر در سعادت و کمال انسان و به تبع آن، تحقق آرمان ها و اهداف نظام اسلامی است.

بی شک، آموزش های غیر حضوری و مجازی می تواند یکی از بهترین روش ها برای تحقق این هدف (ارتقای معرفت و بصیرت دینی) مخاطبان باشد؛ چرا که بستر آموزش غیر حضوری، موقعیتی را فراهم کرده است تا افراد در نقاط گوناگون به معارف و آموزه های دینی در حوزه های گوناگون دسترسی آسان داشته باشند؛ خصوصاً که شرایط برخی کارکنان (مانند

نیروهای عملیاتی، مرزبانی، مداومت کاری و...) به گونه ای است که کمتر توفیق حضور در جلسات حضوری حین خدمت و یگانگی را دارند. بر این اساس، معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه بر آن شد برای تقویت توانمندی های معرفتی و بصیرتی کارکنان، تحقق هدف ارزشمند تعلیم و تربیت دینی و انقلابی، تقویت و ارتقای معرفت و ایمان، توانمندسازی و توسعه دانش و بینش کارکنان، ارتقای سطح مطالعه و تشویق به این امر مهم، با استفاده از ظرفیت علمی و محتوایی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (علیه السلام)، بسته کمک آموزشی مکتوب و الکترونیکی با عنوان «مکتب انقلاب اسلامی» را تهیه کند. این عنوان — که یادآور خاطرات ماندگار «مکتب انقلاب» سال های دفاع مقدس و رزمندگان و مجاهدان عرصه دفاع حق علیه باطل بوده است - با رویکردی جدید، در صدد است معارف ارزشمند در حوزه های اعتقادی، اخلاقی، قرآنی، سیاسی، فقهی، دفاعی، گفتمان ولایت و... را در اختیار فراگیران برای مطالعه و بهره مندی قرار دهد.

تاکنون هفت شماره از این بسته کمک آموزشی چاپ شده است. در این

شماره، با التزام به رسالت‌های تعریف‌شده و براساس نیازسنجی‌های دقیق، موضوعات و محورهای متنوعی بررسی و تبیین شده است؛ از جمله: بررسی مسئله «عزاداری» و پاسخ به مهم‌ترین شبهات مرتبط با آن، تبیین «ضرورت دستیابی به انرژی هسته‌ای و ریشه‌یابی مخالفت‌های دشمنان» به منظور ارتقای معرفت و توان تحلیل مخاطبان، تشریح «آسیب‌های اخلاق اداری و راهکارهای مقابله با آن» برای بهبود فضای کاری و روابط سازمانی، بررسی «کارکردها و راهکارهای عملی تقویت امیدواری» در زندگی فردی و اجتماعی، تبیین «نقش زنان در رسالت انبیای الهی» با محوریت داستان قرآنی مادر و خواهر حضرت موسی (ع) به منظور الگوسازی رفتاری، واکاوی «سبک زندگی اسلامی» با تمرکز بر علل طلاق عاطفی و تأثیرات آن بر سلامت خانواده، همراه با ارائه راهکارهای پیشگیرانه و درمانی، تشریح «کارکردهای معنویت در خانواده و راهکارهای ارتقای آن» برای استحکام‌بخشی به بنیان خانواده، آموزش کاربردی «ترجمه سوره منافقون» به منظور بهره‌مندی از معارف قرآنی، تبیین «قاعده

فقهی عدالت» با بیان مصادیق و کاربردهای آن در مسائل مستحدثه، ارائه «احکام کاربردی حوزه اداری-نظامی»، تحلیل «دلایل عقلانی و شرافتمندانه عدم مذاکره با آمریکا و غرب» به منظور افزایش بصیرت سیاسی و توانمندسازی مخاطبان در جهاد تبیین، بررسی «سبک زندگی مجاهدانه شهید سیدعلی اندرزگو» به عنوان الگویی عملی برای نسل جوان. امید است این تلاش‌ها مقبول درگاه الهی قرار گیرد و گامی مؤثر در مسیر ارتقای دانش و بینش مخاطبان باشد. بی‌شک، نظرها و پیشنهادهای ارزشمند خوانندگان محترم می‌تواند ما را در غنای محتوایی این نشریه و رفع کاستی‌های آن یاری رساند. از این‌رو، از همه خوانندگان گرامی تقاضا داریم دیدگاه‌های خود را از طریق ایمیل نشریه (سراج اندیشه) با ما در میان بگذارند تا ان شاء الله در شماره‌های آتی از آن‌ها بهره‌مند شویم.

معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی

نماینده ولی فقیه در سپاه

زمستان ۱۴۰۳



# حیث ولایت

مکتبۂ انصاف



## ترس از خدا و امید به فضل او



می فرماید: خوف تو از خدای متعال به مرتبه ای باشد که اگر نیکی و حسنات جن و انس را هم با خود داشته باشی، باز هم خائف باشی از اینکه خدای متعال تو را معذّب کند؛ در این حد بایستی انسان خوف داشته باشد.

خب، شما حسنات جن و انس را با خودتان دارید؛ اما آیا از قصورهای خودتان، تقصیرهای خودتان - تقصیرها در مراتب مختلف؛ در هر مرتبه ای از ایمان، نوعی از کارها برای انسان تقصیر محسوب می شود - خاطر جمع هستید؟ نه، بنابراین ولو شما نمازهایتان را می خوانید، نوافلتان را می خوانید، نافله شب را می خوانید، دعای کمیل هم می خوانید، تبلیغ دین هم می کنید، کارهای خوب هم انجام

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام  
على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة  
الله على أعدائهم أجمعين.

عن حماد بن عيسى عن الصادق جعفر بن  
محمد عليه السلام قال: كَانَ فِيمَا أَوْصَى بِهِ لُقْمَانُ  
ابْنَهُ نَاصِيَةً... يَا بُنَيَّ خَفِ اللَّهَ خَوْفًا لَوْ  
وَأَقْبَيْتُهُ بِيَرِّ الثَّقَلَيْنِ خِفْتُ أَنْ يُعَذِّبَكَ اللَّهُ وَ  
ارْجُ اللَّهَ رَجَاءً لَوْ وَأَقْبَيْتُهُ بِذُنُوبِ الثَّقَلَيْنِ  
رَجَوْتُ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكَ.<sup>۱</sup>

«كَانَ فِيمَا أَوْصَى بِهِ لُقْمَانُ ابْنَهُ نَاصِيَةً»

معلوم می شود اسم پسر لقمان ناتان  
بوده است. حالا در پاورقی نسخه های  
دیگر هم نقل کرده اند: ناسان، نابان و  
ازاین قبیل. یکی از سفارش های لقمان  
به پسرش این است:

«يَا بُنَيَّ خَفِ اللَّهَ خَوْفًا لَوْ وَأَقْبَيْتُهُ بِيَرِّ  
الثَّقَلَيْنِ خِفْتُ أَنْ يُعَذِّبَكَ اللَّهُ»

در باب خوف و رجاست.

۱. محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)،

الأمالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶، ص ۷۶۶.



می‌دهید، خدمت به مردم هم می‌کنید، بعد بگویید دیگر من خیالم راحت است و همه کارهای خوب را انجام داده‌ام؛ نخیر، این جور نیست. گاهی وظایفی از انسان فوت می‌شود که العیاذُ بالله انسان تا آخر عمر نمی‌فهمد، (بعد که رفت) آن طرف، می‌فهمد؛ بعد که چشمش را بست و وارد آن نشئه شد، آن وقت نگاه می‌کند و می‌بیند چقدر کارها که باید انجام می‌داده، انجام نداده است؛ یا چقدر کارهایی که بایستی انجام می‌داده، درست انجام نداده یا با یت درست انجام نداده است؛ این جوری است. لذا شما در دعای شریف مکارم الاخلاق می‌خوانید: «وَأَسْتَغْفِرُكَ بِمَا تَسْأَلُنِي غَدًا عَنْهُ»<sup>۱</sup> من را

به آن کارهایی که فردا از من سؤال خواهی کرد و من را (به سبب آن‌ها) مؤاخذه خواهی کرد، وادار کن و به سمت آن کارها بکشان!» خیلی از کارها را ما غافلیم. حالا گاهی انسان تا دم مرگ یا بعد از مرگ نمی‌فهمد — که آن خیلی بد است — گاهی هم انسان در اثنای زندگی ملتفت می‌شود که فلان کار را باید می‌کردیم (ولی) انجام ندادیم، فلان وظیفه را باید انجام می‌دادیم (ولی) انجام ندادیم، یا فلان کار را نباید می‌کردیم (ولی) مرتکب شدیم؛ خب، این فرصتی است، اگر خدای متعال توفیق بدهد و انسان قبل از مرگ، ملتفت این کمبودها و نقص‌ها و خلل و فرج زندگی خودش بشود.



خدای متعال بترس؛ خوف در این حد.

نقطه مقابلش هم رجاست؛ آن هم باید باشد؛ خوف به تنهایی، مکمل ایمان نیست؛ فرمود: «وَأُزِجَ اللَّهُ رَجَاءَ لَوْ وَاقِفَتَهُ بِذُنُوبِ الثَّقَلَيْنِ رَجَوْتُ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكَ.»

این نعمت بزرگی است که خدای متعال فرصت بدهد که انسان بتواند یک جوری جبران کند؛ اگر چه گاهی جبرانش هم خیلی سخت است.

در سنن جوانی، جبران آسان است؛ در سنن ماها، جبران سخت است؛ فرصت نیست، حوصله



رجا هم باید همین جور باشد که اگر چنانچه با گناهان جن و انس، با خدای متعال ملاقات کردید، باز هم این امید را داشته باشید که خدای متعال با شما با حُسن فضل خود و حُسن رفتار خود رفتار کند و شما را بیامرزد. این رجا را هم باید داشته باشید. چرا؟ مگر می شود؟ بله، گاهی انسان در مقابل پروردگار عالم اظهار ضعف و انکسار می کند (و

نیست، توان نیست، نیروی لازم نیست؛ تا وقتی که این فرصت هست، تا توان هست، تا حوصله هست، تا وقت هست، شما که جوان هستید فرصت را مغتنم بشمرید.

پس درس اول این فقره از (سفارش) لقمان به پسرش، این است که اگر همه حسنات جن و انس را هم با خودت داشتی و نگاه کردی دیدی خیلی کارها انجام داده ای، باز هم از



حُسْنُ تَوَكُّلٍ عَلَيْكَ فَقُلْتُ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ تَعَمَّدَتْنِي بِعَفْوِكَ.<sup>۲</sup> این هم همیشه هست که گویا انسان خودش را در زیر سایه رحمت الهی مشاهده می‌کند.

بنابراین، هردو لازم است: هم آن خوف لازم است، هم این رجا لازم است. هم آن خوف منطقی است و هم این رجا منطقی است. (پس) این رجا هم منطقی است؛ این جور نیست که انسان بگوید چطور چنین چیزی ممکن است؛ نه، کاملاً منطبق با منطق است.<sup>۳</sup>

می‌گوید) «إِنِّي كُنْتُ مِنَ الضَّالِّينَ» (انبیاء: ۸۷)؛ نفسِ این اظهار انکسار و اظهار ضعف و تضرع، موجب جلب رحمت الهی می‌شود. در دعای شریف ابو حمزه می‌خوانید: «إِزْجِنِي لِضَعْفِي»<sup>۱</sup>؛ چون ضعیفم، به من ترحم کن! پس یکی از موجبات رحمت الهی، ضعف ماست؛ به شرطی که احساس کنیم آن ضعف را، اقرار کنیم به آن ضعف. اگر این باشد، آن وقت این رجا هم هست؛ بله، این رجا را هم داریم از خدای متعال در مناجات شریفه شعبانیه: «كَأَنِّي بِنَفْسِي وَاقِفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ قَدْ أَظْلَمْتُهَا

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، «شرح حدیث»، ۱۳۹۵/۱۲/۱، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/video-content?id=35926>

۱. علی بن موسی ابن طاووس، إقبال الأعمال، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۷۳.  
۲. همان، ج ۲، ص ۱۵۴.

سید محمد

مکتبہ اشراق





## عزاداری و شبهات مربوط به آن



رواج یافته و این عمل حرام است.<sup>۱</sup> پاسخ: اولاً گریه و عزاداری رفتاری جدید در زندگی بشر نیست، همیشه بوده و درواقع واکنشی طبیعی در برابر محبوب ازدست رفته است. این امر در صدر اسلام نیز وجود داشت. به گفته سعید بن مسیب، هنگام رحلت

گریه و عزاداری رفتاری جدید در زندگی بشر نیست، همیشه بوده و درواقع واکنشی طبیعی در برابر محبوب ازدست رفته است.

یکی از جولا نگاه های شبهه افکنان در شبهات دینی، مراسم عزاداری و بزرگداشت اموات در فرهنگ شیعه است. در اینجا دو مورد از مهم ترین شبهات این حوزه را مطرح می کنیم.

### ۱. گریه و عزاداری بدعت و حرام است!

سلفی ها می گویند عزاداری برای گذشتگان، ازجمله برای امام حسین (ع)، از زمان حکومت صفویه

عاشورا... بِدْعَةُ السُّرُورِ وَالْفَرَحِ؛ شیطان به واسطه کشته شدن حسین برای مردم دو بدعت ایجاد کرده است: ۱. بدعت گریه و ناله و حزن در روز عاشورا...، ۲. بدعت شادی و سرور» (احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه، منهاج السنّة النبویة، ریاض، جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۵۲ و ج ۴، ص ۵۵۴).

۱. ابن تیمیه، نظریه پرداز وهابیت، چنین می گوید: «... وَ مِنْ حَمَاقَتِهِمْ إِقَامَةُ الْمَأْتَمِ، وَ الثَّيَاحَةُ عَلَى مَنْ قَدْ قُتِلَ مِنْ سِنِينَ عَدِيدَةٍ؛ از حماقت های شیعیان برپایی مجلس ماتم و نوحه بر کسی است که سال ها پیش کشته شده است.» و نیز می گوید: «وَ صَارَ الشَّيْطَانُ بِسَبَبِ قَتْلِ الْحُسَيْنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يُحْدِثُ لِلنَّاسِ بِدْعَتَيْنِ: بِدْعَةُ الْحُزْنِ وَالنُّوحِ يَوْمَ

رسول اکرم ﷺ، شهر مکه از شدت ناله و گریه مردم، به لرزه درآمد: «لَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَزْجَعَتْ مَكَّةُ بِصَوْتِ عَلٍ<sup>۱</sup>». در صحیح بخاری نقل شده که حضرت فاطمه ﷺ در مصیبت پدر بزرگوارش، نبی مکرم ﷺ، نوحه سرایی کرد. احمد بن حنبل از قول عایشه نقل می‌کند: «... رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قُبِضَ وَ هُوَ فِي حَجْرِي، ثُمَّ وَضَعْتُ رَأْسَهُ عَلَيَّ

وَسَادَةٌ وَ قُمْتُ أَلْتَدِمُ مَعَ النِّسَاءِ وَ أَضْرَبُ وَجْهِي؛ وقتی پیامبر ﷺ در اتاقم از دنیا رفت، سر مبارک ایشان را بر بالشی نهادم و با زنان عزاداری کرده و به سینه و صورتمان می‌زدیم.<sup>۲</sup>

ثانیاً خود رسول مکرم اسلام ﷺ نیز برای مادرش آمنه،<sup>۳</sup> فرزندش ابراهیم،<sup>۴</sup> عمویش حمزه سیدالشهدا<sup>۵</sup>

۱. مبارک بن محمد ابن اثیر، التهایه فی غریب الحدیث، ریاض، دار ابن الجوزی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۹۷.

۲. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، مکه مکرمه، مکتبه النهضة الحدیثه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۱۵؛ احمد بن حنبل، مسند، تحقیق شعیب الأرنؤوط و عادل مرشد، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۲۱ق، ص ۲۷۴.

۳. ابی هریره نقل می‌کند: «أَتَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَبْرَ أُمِّهِ فَبَكَى وَ أَبْكَى مَنْ حَوْلَهُ؛ پیامبر اکرم ﷺ نزد قبر مادرش رفت و گریست و اطرافیان را گریانند» (سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابی داود، تحقیق سید ابراهیم، مصر، دارالحدیث، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۴۰۷).

۴. انس بن مالک می‌گوید: «نزد پیامبر اکرم ﷺ وارد شدیم و دیدیم که فرزندش ابراهیم جان می‌دهد و پیامبر اکرم ﷺ اشک می‌ریزد. عبدالرحمن بن عوف گفت: یا رسول الله! شما هم گریه می‌کنید؟ حضرت فرمود: ای پسر عوف! گریستن نشانه عاطفه و ترحم است. بار دیگر گریست. عبدالرحمن بن عوف نیز سخن خود را تکرار کرد. حضرت فرمود: «تَدْمَعُ الْعَيْنُ وَ الْقَلْبُ يَحْزَنُ وَ لَا تَقُولُ إِلَّا مَا يَرْضَى رَبُّنَا وَ إِنَّا بِكَ يَا إِبْرَاهِيمَ لَمَحْزُونُونَ؛

چشم اشکیار است و دل اندوهناک، و جز آنچه موجب خشنودی خداست نمی‌گویم. ای ابراهیم! ما در فراق تو غمگین هستیم» (همان، ص ۱۳۶۶).

۵. حلبی از ابن مسعود نقل می‌کند: «ما رسول خدا ﷺ را گریان بر کسی همانند حمزه ندیدیم. جنازه او را به طرف قبله قرار داد. آن‌گاه بر بالین جنازه او ایستاد. سپس صیحه‌ای زد که نزدیک بود غش کند. در این هنگام فرمود: ای عموی رسول خدا! و ای شیر خدا و شیر رسول خدا، ای حمزه، ای انجام‌دهنده خیرات، ای حمزه، ای برطرف‌کننده غصه‌ها، ای مدافع، ای محافظ رسول خدا! (برهان الدین حلبی شافعی، السیره الحلبيه، بیروت، المکتبه الاسلامیه، ج ۱، ص ۴۶۱)؛ «عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: لَمَّا رَأَى النَّبِيُّ ﷺ حَمَزَةَ قَتِيلًا بَكَى فَلَمَّا رَأَى مَا مُثِّلَ بِهِ شَهِقَ؛ جابر بن عبدالله گفت: وقتی نبی مکرم اسلام ﷺ حمزه را کشته دید گریه کرد و وقتی دید که او را مثله کردند، ناله و فریاد زد» و به انصار فرمود: «أَمَّا عَنِّي حَمَزَةٌ لَا بَوَاكِيَهُ لَهْ؛ عمومیم حمزه گریه‌کننده ندارد.» انصار با شنیدن این جمله به زنان خود گفتند: هرکس خواست بر شهید خود گریه کند، ابتدا بر حمزه عموی پیامبر ﷺ گریه کند (احمد بن علی مقریزی، امتاع الاسماء،

و حسین علیه السلام<sup>۱</sup> گریه کرد.

ثالثاً در تاریخ دیده شده که اهل سنت نیز برای بزرگان خود عزاداری کرده‌اند؛ مانند: عزاداری برای عبدالمؤمن (م ۳۴۶ق)<sup>۲</sup>، عزاداری برای جوینی (م ۴۷۸ق)<sup>۳</sup> و عزاداری برای ابن جوزی (م ۵۹۷ق)<sup>۴</sup>.

در تاریخ دیده شده که اهل سنت نیز برای بزرگان خود عزاداری کرده‌اند.

رابعاً حکایت ماتم و عزای حضرت یعقوب علیه السلام در کتاب الهی تاجایی که از کثرت گریه بر حضرت یوسف علیه السلام کور شد: «وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَ

أَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ» (یوسف: ۸۴) نشانه این است که این سنت حسنه و از اعمال انبیا و اولیای الهی است. عزاداری نمونه بارز تعظیم شعائر الهی است که قرآن کریم به آن اشاره دارد.<sup>۵</sup>

علامه طباطبایی رحمته الله می‌فرماید: «شعائر عبارت است از نشانه‌هایی که انسان را به سوی خدا راهنمایی می‌کند و منحصر به صفا و مروه و مانند آن نمی‌شود. بنابراین، هر نشانه‌ای که انسان را به یاد خدا بیندازد، تعظیم آن موجب تقوای الهی می‌گردد و تمام نشانه‌ها را دربر می‌گیرد.»<sup>۶</sup>

بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق، ص ۱۵۴.  
۱. حاکم نیشابوری به سند صحیح از ام الفضل نقل می‌کند: «... بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد و حسین علیه السلام را در دانش گذاشتم. به حضرت توجه کردم، ناگهان دیدم که اشک از چشمانش سرازیر شد. عرض کردم: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پدر و مادرم به فدایت! چه شده که شما را گریان می‌بینم؟ حضرت فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و خبر داد که اتمم به‌زودی او را به شهادت می‌رسانند. عرض کردم: این فرزند را؟ حضرت فرمود: آری! آن‌گاه قسمتی از تربت خونین آن حضرت را به من داد» (محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق،

ج ۳، ص ۱۷۶).  
۲. شمس الدین محمد بن أحمد ذهبی، سیر أعلام النبلاء، تحقیق شعیب الأرناؤوط و محمد نعیم العرقسوسی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۴۸۰.  
۳. همان، ج ۱۸، ص ۴۶۸.  
۴. همان، ج ۲۱، ص ۳۶۵ و ۳۷۹.  
۵. «وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ (حج: ۳۲)؛ و هرکس شعائر الهی را بزرگ دارد این کار نشانه تقوای دل‌هاست.»  
۶. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۱۴؛ دهلوی نیز می‌گوید: «محبت شعائر الله عبارت است از محبت قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله و کعبه، بلکه هر چیزی که به خدا منتسب باشد، حتی اولیای خدا» (محمد حسن جان صاحب سر هندی



پاره کردن گریبان مکروه است، اما گریه بدون فریاد اشکالی ندارد؛ ولی صبر و شکیبایی بهتر است.<sup>۱</sup>

عبدالرحمن الجزیری می گوید:

«از دیدگاه مالکیه و حنفیه، گریه با صدا و فریاد حرام است، اما از نظر شافعی ها و حنبلی ها مباح و رواست، چنان که اشک ریختن بدون صدا به اتفاق علما مباح است.»<sup>۲</sup>

## ۲. مراسم بزرگداشت برای اموات بدعت است!

شیخ عثیمین، از مفتیان و علمای

بنابراین، عزاداری ها برای انمه علیه السلام به ویژه امام حسین علیه السلام — که از نظر اهل سنت نیز از اولیای الهی هستند — بهترین مصداق تعظیم شعائر الهی است؛ علاوه بر اینکه در مجلس عزاداری قرآن تلاوت شده و مسائل دینی مطرح می شود و مردم به یاد خدا و قیامت می افتند.

خامساً علمای اهل سنت نیز در فتاوی خود گریه بر میت را جایز دانسته اند. در فتاوی الهندیه چنین آمده است: «در تشییع جنازه و در منزل میت نوحه، گریه، شیون و

حنفی، الاصول الأربعة فی تردید الوهابیه، نشر روزبازار، الیکترک پریس، ۱۴۱۸ق، ص ۳۰.

۱. نظام برهانپوری، فتاوی الهندیه فی مذهب الإمام ابی حنیفه، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۶۲.

۲. عبدالرحمن بن محمد جزیری، الفقه علی المذاهب الأربعة، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۸۴؛ سُبکی، از پژوهشگران اهل سنت، می گوید: «از

روایات چنین به دست می آید که گریه پیش از مرگ جایز است؛ چنان که پس از مرگ نیز جایز می باشد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله نزد قبر یکی از دخترانشان گریه کردند و همچنین در زیارت قبر مادر بزرگوارشان آمنه همراه اصحاب گریستند» (احمد بن محمد قسطلانی، إرشاد الساری لشرح صحیح البخاری، مصر، المطبعة الکبری الأمیریة، ۱۳۲۳، ج ۲، ص ۴۱۴).



و در زمان رسول اکرم ﷺ نیز وجود داشته است.

ثانیاً برگزاری

مراسم ها به نیت خیرات برای گذشتگان در سنت نبوی امری پسندیده است. رسول گرامی اسلام ﷺ فرموده است:

«برای مردگان خود هدیه بفرستید.» گفتم: هدیهٔ مردگان چیست؟ فرمود: «صدقه و دعا» و اضافه فرمود: «ارواح مؤمنان هر جمعه به آسمان دنیا و مقابل خانه های خود می آیند و فریاد می کنند: ای خانواده من! پدر، فرزندان و خویشان من! بر من

رفتن نزد مصیبت دیدگان و عرض تسلیت برای تسلی خاطر آن ها چیز جدیدی نبوده و در زمان رسول اکرم نیز وجود داشته است.

بزرگ سعودی، می نویسد: «اجتماع نزد مصیبت دیده و خواندن قرآن برای

میّت، و توزیع خرما و گوشت، از بدعت هایی است که باید از آن اجتناب کرد، چون این کار باعث نوحه سرایی، گریه و حزن داغ دیدگان می شود و تلخی مصیبت برای همیشه در قلب آنان می ماند و من این افراد را نصیحت می کنم که از کار خود، دست برداشته و توبه کنند.»<sup>۱</sup>

پاسخ: اولاً چنانچه در شبهه گذشته اشاره کردیم، رفتن نزد مصیبت دیدگان و عرض تسلیت برای تسلی خاطر آن ها چیز جدیدی نبوده



۱. فریده اصغری، «بدعت و سنت از دیدگاه فرق اسلامی و جریان های تکفیری»، کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، قم، دار الإعلام لمدرسة أهل البيت ﷺ، ۱۳۹۳، ج ۵،

ص ۲۸۳.

۲. مثل اجتماع مردم نزد پیامبر گرامی اسلام هنگام جان دادن فرزندش ابراهیم یا بر جنازه عموی گرامی اش حضرت حمزه ﷺ.

شاهد می گیرم که درخت خرمایم را که به ثمر نشست، برای او صدقه قرار دادم.<sup>۲</sup>

علاوه بر این، برگزاری مراسم ها براساس سنتی است که در جامعه متعارف و معمول بوده و سیره عقلای عالم بر آن استوار است؛ از این رو، اگر با اسراف و خلاف شرع<sup>۳</sup> همراه نباشد، از آنجا که شارع مقدس از اصل این کار نهی نکرده است، انجام آن اشکال نداشته و براساس روایات نیز پسندیده است.

مهربانی کنید. آنچه در دست ما بود، عذاب و حساب آن ها بر ماست و نفعش برای غیر ما. ای خویشان ما! به درهمی یا قرص نانی یا جامه ای ما را کمک کنید تا خداوند شما را از جامه های بهشت بیوشاند.<sup>۱</sup> سعد بن عباد می گوید:

«یکی از افراد بنی ساعده در سفر بود که مادرش از دنیا رفت. به رسول خدا ﷺ گفت: در غیاب من، مادرم از دنیا رفته، اگر برایش چیزی صدقه بدهم، نفعش عاید وی می شود؟ حضرت فرمود: بلی. گفت: شما را



۱. عباس قمی، مفاتیح الجنان، تهران، پیام آزادی، ۱۳۸۸، بخش زیارت قبور مؤمنین، ص ۷۸۰.  
۲. وژام، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۱۰.  
۳. مثل کفرگویی و شکوه از خداوند متعال، و دریدن جامه و بدن.

۱. عباس قمی، مفاتیح الجنان، تهران، پیام آزادی، ۱۳۸۸، بخش زیارت قبور مؤمنین، ص ۷۸۰.  
۲. مسعود بن عیسی وژام بن ابی فراس، مجموعه

## با وجود تحریم‌ها، دستیابی به انرژی هسته‌ای چه ضرورتی دارد؟



سختی‌های تحریم را تحمل کنیم؟

### پاسخ

۱. منابع سوخت‌های فسیلی محدود است و علاوه بر آن مخرب محیط زیست و سلامتی انسان نیز هست. از این رو، استفاده از انرژی هسته‌ای در آینده نه چندان دور جایگزین سوخت‌های فسیلی خواهد شد؛ چنان‌که امروزه ۲۵ درصد انرژی آمریکا و ۷۵ درصد انرژی فرانسه و ۱۷ درصد کل انرژی جهان از صنعت هسته‌ای تأمین می‌شود.<sup>۱</sup> از انرژی هسته‌ای در زمینه‌های گسترده‌ای می‌توان بهره برد. یکی از مهم‌ترین و

توضیح شبهه: باتوجه به مخالفت‌هایی که در این دو دهه از سوی برخی کشورهای دنیا برای دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای صورت گرفته و ایران به خواسته‌های آنان مبنی بر محدودسازی فعالیت هسته‌ای خود عمل نکرده است، با تحریم‌هایی از سوی این کشورها و بعضاً شورای امنیت سازمان ملل مواجه شده که اثرات آن بر اقتصاد کشور و وضعیت معیشتی مردم کاملاً مشهود است. این پرسش در ذهن برخی ایجاد شده است که: آیا ارزش دارد برای دستیابی به انرژی هسته‌ای

در: <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=49695>، ۱۳ اسفند ۱۴۰۰.

۱. سیدمحمودرضا آقامیری، «انرژی هسته‌ای: نیاز قطعی امروز و فردای ایران»، دسترسی

شناخته شده ترین کاربردهای انرژی هسته ای، حوزه تولید برق است. علاوه بر آن، از این انرژی در پیش رانش زیر دریایی ها، ناوهای دریایی، کشتی های یخ شکن و سفینه های فضایی استفاده می شود.

انرژی هسته ای همچنین در بخش پزشکی و بهداشتی برای بررسی

مراکز عفونی در بدن، تهیه و تولید کیت های هورمونی، تشخیص بیماری های تیروئید و درمان آن ها، تهیه و تولید رادیوداروها، تشخیص و درمان سرطان، تشخیص کم خونی، و

استریل کردن لوازم پزشکی کاربرد دارد. در بخش صنایع غذایی و کشاورزی از آن برای طرح های باردهی و جهش ژنتیکی گیاهانی چون گندم، برنج و پنبه، کنترل و از بین بردن حشرات و آفات گیاهی، به تأخیر انداختن زمان رسیدن محصولات غذایی و افزایش زمان نگهداری آن ها، کاهش میزان آلودگی میکروبی و از بین بردن ویروس ها استفاده می شود.

کاربردهای انرژی هسته ای محدود به این موارد نیست. علاوه بر این ها، در بخش دام پزشکی و دام پروری برای پیشگیری، کنترل و تشخیص بیماری های دامی، بهبود فرایند تولید مثل و اصلاح نژاد دام و بهداشت محصولات دامی و در بخش مدیریت منابع آب در اموری همچون شناسایی

حوزه های آبخیز زیرزمینی، هدایت آب های سطحی و زیرزمینی، کشف و کنترل آلودگی ها، شیرین کردن آب شور و کنترل نشت و ایمنی سدها می توان از انرژی هسته ای

از انرژی هسته ای در بخش صنعت برای شناسایی منابع نفت و گاز، کشف عناصر نایاب در معادن، چگالی سنجی آسفالت، بتن، خاک و دیگر مواد معدنی، سنجش شدت تشعشعات و نور، سنجش پرتویی میزان ساییدگی و خوردگی قطعات، نشست یابی لوله های انتقال نفت و حسگرهای دود استفاده می شود.

استفاده کرد.

از انرژی هسته ای در بخش صنعت برای شناسایی منابع نفت و گاز، کشف عناصر نایاب در معادن، چگالی سنجی آسفالت، بتن، خاک و دیگر مواد معدنی، سنجش شدت تشعشعات و نور، سنجش پرتویی میزان ساییدگی و خوردگی قطعات، نشست یابی لوله های انتقال نفت و



امروزه نیز متأسفانه عده ای از روی جهل یا عناد، نیاز امروز و آینده کشور به انرژی هسته ای و کاربردهای گسترده آن را نادیده گرفته و دوگانه کاذب «یا هسته ای یا اقتصاد» را مطرح می کنند و خواستار کنار گذاشتن

حسگرهای دود استفاده می شود.<sup>۱</sup> این ها فقط بخشی از کاربردهای انرژی هسته ای است که امروزه موضوع پژوهش دانشمندان است و شواهد، نشان از آن دارد که به دلیل نوپدید بودن این انرژی، هنوز فواید



صنعت هسته ای در کشور هستند. اگر این اتفاق رخ دهد، قطعاً آیندگان ما را توبیخ خواهند کرد، همان گونه که ما گذشتگان را در زمینه نفت سرزنش می کنیم.

آن زمان کشورهایی که این صنعت را نداشته باشند زیردست و خوار می شوند و فرهنگ و دین خود را در مقابل کشورهای سلطه گر خواهند فروخت فقط برای آنکه زنده بمانند. آیا اکنون که ما می توانیم این صنعت را به دست آوریم عاقلانه است از

بسیار دیگری از آن ناشناخته مانده است. همان گونه که انرژی الکتریسیته و نفت نیز در ابتدای کشف، مشخص نبود که در آینده چقدر در بخش های گوناگون زندگی بشر تأثیرگذار خواهند بود. همین ناآگاهی موجب آن شد که «زمان قاجارها وقتی نفت کشف شده بود و انگلیسی ها آمده بودند می خواستند نفت را ببرند، دولتمرد قاجاری می گفت ما این ماده بدبوی عفن را می خواهیم چه کار کنیم، بگذارید بردارند ببرند!»<sup>۲</sup>

۲. بیانات امام خامنه ای (عج) در دیدار با مداحان اهل بیت (ع)، ۱۳۹۴/۱/۲۰، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29415>

۱. خبرگزاری صداوسیما، «اصلاً انرژی هسته ای به چه درد می خورد؟»، دسترسی در: <https://www.iribnews.ir/fa/news/3070887/3070887>، ۲۱ فروردین ۱۴۰۰.

ترس تحریم خود را عقب مانده کنیم؟ اگر امروز که قدرتمندیم این صنعت را به دست نیلوریم نسل آینده ما برای تهیه دارو و غذا نیز باید از غرب و دشمنان اسلام گدایی کند. آیا رواست فرزندانمان را خوار کرده و مایه بی دینی آنان را فراهم کنیم؟!

۲. تحریم به دلیل صنعت هسته‌ای فقط یک بهانه است؛ زیرا دشمن به خوبی می داند رویکرد نظام اسلامی در استفاده از انرژی هسته‌ای، صلح آمیز می باشد؛ زیرا با توجه به آموزه های دینی مبنی بر حفظ محیط زیست و حفظ جان

مشکل غرب با جمهوری اسلامی ایران انرژی هسته‌ای نیست، بلکه اصل موجودیت این نظام است.

غیر نظامیان، استفاده از بمب هسته‌ای ممنوع می باشد و از همین رو مقام معظم رهبری علیه السلام حکم به حرمت استفاده از سلاح هسته‌ای داده اند. بنابراین، مشکل غرب با جمهوری اسلامی ایران انرژی هسته ای نیست، بلکه اصل موجودیت این نظام است. رهبر فرزانه انقلاب علیه السلام به خوبی این موضوع را تبیین کرده اند:

«علت مخالفت با نظام جمهوری

اسلامی این است که جمهوری اسلامی آمد دست سلطه آمریکایی را از کشور کوتاه کرد؛ همه مسئله این است. آمریکایی ها بر یک کشوری با ثروت، با امکانات و در موقعیت راهبردی حساس جغرافیایی مثل ایران، به طور کامل مسلط بودند. انقلاب و جمهوری اسلامی آمدند دست این ها را کوتاه کردند. این ها می خواهند انقلاب و جمهوری اسلامی را نابود کنند به خاطر این؛ می خواهند تسلط داشته باشند؛ همچنان که بر بسیاری از کشورهای منطقه متأسفانه تسلط دارند. آن ها می خواهند دستور بدهند «باید این کار را بکنید» و حاکم فلان کشور این منطقه حساس، «باید» آن ها را روی چشم بگذارد و قبول بکند! آن ها این را می خواهند. توجه بفرمایید! این ها نکته مهمی است؛ مسئله، مسئله احساسات نیست؛ مسئله، مسئله این نیست که انسان ناگهان به خاطر یک حادثه دفعی مثلاً فرض کنید موضع گیری بکند؛ مسئله، مسئله اساسی و ریشه ای است؛ این ها نوکر لازم دارند؛ جمهوری اسلامی عزت خود را به رخ این ها کشیده و این ها نمی توانند تحمل کنند. آن ها

هسته‌ای تحریم‌ها لغو نخواهد شد، چنان‌که در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی، صنعت هسته‌ای را متوقف کردند و به قول و قرار امریکایی‌ها اعتماد کردند، اما هیچ دستاوردی برای ایران نداشت، جز تحریم بالای تحریم! رهبر انقلاب در این باره فرمودند:

«جمهوری اسلامی از انرژی

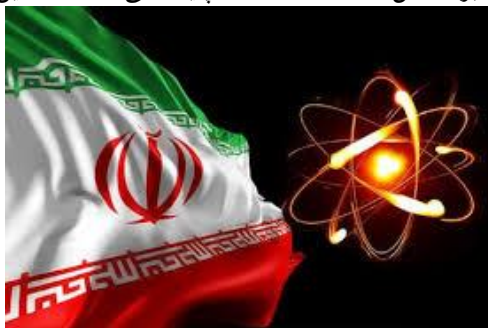
بادست برداشتن از صنعت هسته‌ای تحریم‌ها لغو نخواهد شد.

هسته‌ای هم کوتاه آمد و برجام را پذیرفت ولی آن‌ها تحریم را لغو نکردند. بنده به آن‌ها می‌گفتم مسئله ایرادگیری امریکا و تحریم‌هایی که علیه ما اعمال می‌کنند و دشمنی‌ای که با ما می‌کنند، مربوط به انرژی هسته‌ای نیست، این بهانه است؛ این را اگر گذاشتیم کنار، یک بهانه دیگر پیدا می‌کنند و همین دشمنی را

می‌خواهند حکامی وجود داشته باشند که پولشان را بگیرند، از امکاناتشان استفاده کنند، دستور آن‌ها را اطاعت بکنند، هروقت هم که آن‌ها میل داشتند این‌ها عوض بشوند؛ مثل اینکه یک روزی انگلیس‌ها همین نقش را در منطقه داشتند. یک روز

رضاخان را آوردند، یک روز هم رضاخان را به دلایلی مایل

بودند ببرند و بردند و پسرش را سر جایش گذاشتند. آن‌ها این را می‌خواهند. متأسفانه در کشورهای خلیج فارس، در کشورهای منطقه غرب آسیا، این حالت در بسیاری از [این] کشورها وجود دارد؛ این‌ها در مقابل امریکا خاضع‌اند، خاشع‌اند؛ انسان چه بگوید؟! مثل عبد ذلیل!'<sup>۱</sup>  
۳. با دست برداشتن از صنعت



۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۷/۲/۱۹، دسترسی در:

می‌کنند. می‌گفتند «نه آقا، این جور نیست»؛ حالا ملاحظه کردید که این جور است. مسئله انرژی هسته‌ای را ما در برجام به شکلی که مخالفان ما می‌خواستند، زیر بار

رفتیم و قبول کردیم اما دشمنی‌ها تمام نشد. مسئله حضور ما در مناطق خاورمیانه را مطرح می‌کنند، مسئله

دستیابی به انرژی هسته‌ای از بُعد دانشی، ضروری بوده و توسعه علم در طول تاریخ بشریت همواره با سختی همراه بوده است و به دلیل تحریم‌های امروز، نمی‌توان آیندگان را از پیشرفت محروم کرد.

مطلوب است و می‌تواند ضامنی برای تأمین انرژی کشور در آینده باشد و درواقع از تحریم‌های آینده جلوگیری کند. انرژی

موشک را مطرح می‌کنند. شما اگر فردا اعلام کنید که ما دیگر موشک درست نمی‌کنیم یا بیشتر از فلان مقدار بُرد، موشک تولید نمی‌کنیم، این قضیه [هم] تمام خواهد شد، اما یک قضیه دیگر درست خواهد شد، یک موضوع دیگر را مطرح می‌کنند. دعوا، دعوای بنیادی است؛ با نظام جمهوری اسلامی مخالف‌اند.<sup>۱</sup>

### جمع‌بندی

تحمل تحریم‌ها برای حفظ دانش هسته‌ای و گسترش آن از چند جهت بررسی‌پذیر است. دستیابی به انرژی هسته‌ای از بُعد دانشی، ضروری بوده و توسعه علم در طول تاریخ بشریت

هسته‌ای به عنوان منبعی در کنار دیگر منابع پاک انرژی، برای کشور ضروری بوده و حذف آن به معنای آسیب‌های شدید به محیط زیست و صدمات جبران‌ناپذیر در آینده است که از تحریم‌های امروز به مراتب مخرب‌تر هستند و با توقف انرژی هسته‌ای تحریم‌ها لغو نخواهد شد، چنان‌که دولت سابق برجام را پذیرفت اما تحریم‌ها لغو نشدند.

انرژی هسته‌ای به عنوان منبعی در کنار دیگر منابع پاک انرژی، برای کشور ضروری بوده و حذف آن به معنای آسیب‌های شدید به محیط زیست و صدمات جبران‌ناپذیر در آینده است.

قلب سليم

مکتبۂ انقیاب  
اصحاب





## خط قرمزهای اخلاق اداری؛

آسیب‌شناسی اخلاق اداری و راهکارهای مقابله با آن



### ۱. اهمیت و ضرورت اخلاق‌مداری در حوزه اداری

آراسته‌شدن به فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی برای عموم مردم پسندیده و ضروری است و هیچ‌کس از داشتن هیچ فضیلتی معاف و مستثنا نیست — اگرچه همه مردم، مجال فعلیت بخشیدن به هر فضیلتی را نیابند — ولی احراز پاره‌ای فضایل در ارتباط و موقعیتی خاص، لازم‌تر و پرهیز از پاره‌ای زشتی‌ها و رذایل، در آن موقعیت‌ها ضروری‌ترند. پیامبر اکرم (ص) در سخنی فرمود:

عدالت نیک است، ولی برای زمامداران نیکوتر است؛ سخاوت نیک است، ولی برای اغنیا نیکوتر

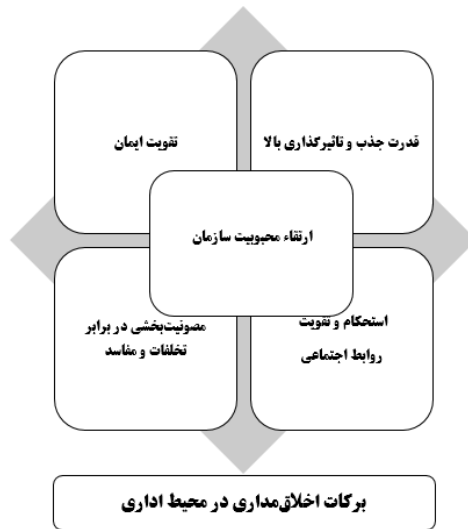
است؛ صبر نیک است، ولی برای فقرا نیکوتر است؛ توبه نیک است، ولی برای جوانان نیکوتر است؛ شرم نیک است، ولی برای زنان نیکوتر است.<sup>۱</sup> یکی از مشاغل مهم و اثرگذار، خدمت کارکنان در حوزه اداری است. این افراد، که طیف وسیعی را شامل می‌شوند و به شیوه‌های گوناگون استخداسی، از جمله رسمی، قراردادی، پیمانی، خرید خدمت و... در سازمان‌ها و نهادهای دولتی جذب شده‌اند، متکفل انجام امور اداری می‌باشند. بی‌شک، قرارگرفتن در چنین مشاغلی، به سبب مسئولیت سنگینی که برعهده آن‌ها است، حساسیت ویژه‌ای دارد، به خصوص که برخی از این نیروها، افزون بر

۱. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، تهران، دنیای

دانش، ۱۳۶۳، ص ۴۲۴.

رتق و فتق امور اداری داخلی سازمان و همکاران، با عامه مردم در ارتباط هستند و به عنوان رابط و کارگزار نظام اسلامی، وظیفه انجام برخی از امور مردم و خدمت به آن‌ها بر دوش آن‌هاست؛ از این رو، در نظام اسلامی جایگاه ویژه و اثرگذاری دارند؛ به حدی که در روایتی از امام علی (ع) وارد شده است: «الْأَعْمَالُ تَسْتَقِيمُ

حال این افراد شده است و باید همواره حافظ این امانت الهی بوده، در ادای حق آن — که خدمتگزاری به دیگران و حل مشکلات آن‌ها است — بکوشند؛ چنان که رسول اکرم (ص) می فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا صَيَّرَ خَوَاتِمَ النَّاسِ إِلَيْهِ»<sup>۲</sup> وقتی خداوند برای بنده‌ای خیر بخواهد، حاجت مردم را در دست او قرار می دهد.»



بِالْأَعْمَالِ؛<sup>۱</sup> کارها به دست کارمندان راست و درست می شود.»  
براین اساس، این منزلت و جایگاه، توفیق و موهبت الهی است که شامل

بدیهی است چنین جایگاه ارزشمندی می طلبد که کارکنان اداری همواره از زشتی های اخلاقی به دور باشند و همه کارها و

۱. جمال الدین محمد خوانساری، شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران، دانشگاه

تهران، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۷۳.  
۲. ابوالقاسم پاینده، همان، ص ۱۸۰.

برای موارد متعددی از این آسیب‌ها، تهدیدها و چالش‌ها — که افراد یا سازمان‌ها از آن رنج می‌برند — ارائه نماید.

### الف) سستی و تنبلی

یکی از الزامات و ارزش‌های انسانی و الهی، تعهد و برخورداری از وجدان کاری در انجام وظیفه است. از نگاه اسلام، هرکس وظیفه دارد به میزان توانایی و امکاناتی که در اختیار دارد، در انجام وظیفه و مسئولیت خود

تحقق وجدان کاری مبتنی بر اصولی چون عشق و علاقه، تلاش و جدیت، انجام کامل کار، و استحکام عمل است.

بکوشد تا آن را به نیکوترین وجه ممکن به انجام رساند. تحقق وجدان کاری مبتنی بر اصولی چون عشق و علاقه، تلاش و جدیت، انجام کامل کار، و استحکام عمل است که لازم است مدیران و کارکنان اداری همواره به آن توجه کنند. امام خامنه‌ای ع در این باره می‌فرماید: «معنای این کلمه این است که کسی که مشغول کاری است یک احساس وجدانی نسبت به کار پیدا کند و خود را در

حالاتشان، مزین به صفات نیکو باشد؛ زیرا خدمت به اسلام و دفاع از ارزش‌های دینی زمانی تحقق عملی پیدا می‌کند که کارگزاران نظام اسلامی و کارمندانش، آن دستورهای اسلام را سرلوحه فعالیت‌هایشان قرار دهند و خود تجلی‌گاه عینی و عملی آموزه‌های آن باشند. فقط در این صورت است که بیشترین نقش و تأثیر را در خدمت و انجام رسالت محوله ایفا کنند.

افزون برآن، برخورداری از ویژگی‌های اخلاقی برای کارکنان در عرصه اداری تأثیر بسیاری دارد؛ چنان‌که بیشترین فسادها و ناهنجاری‌هایی که در محیط‌های اداری رخ می‌دهد، ریشه در ویژگی‌های ناپسند متصفیان و مسئولان داشته است.

### ۲. نایسته‌های اخلاق اداری

در کنار فضایل اخلاقی که زمینه کارگزاران و کارکنان نظام اسلامی است، برخی صفات منفی و ناروا موجب تهدید و آسیب به نیروهای اداری است. شناخت و بحث از این صفات منفی از آن‌رو اهمیت پیدا می‌کند که می‌تواند راه حل‌هایی را

قبال این کار مسئول بدانند... مسئول بدانند که کار را درست، کامل، قوی و بهتر انجام دهد؛ چه بالای سر او کسی باشد و چه نباشد. این معنای وجدان کاری است.<sup>۱</sup>

مقابل وجدان کاری، سستی و تبلی است. تبلی حالتی است که به دلیل های گوناگون در انسان به وجود می آید و سبب می شود انسان در انجام کارها سستی کند. انسان تبیل توانایی انجام دادن کارها را دارد، ولی به سبب ضعف روحی و انگیزه یا غلبه راحت طلبی اقدام نمی کند. در آموزه های دینی به شدت این روحیه مذمت و طرد شده است. رسول خدا ﷺ در یکی از دعاهایش از غم و اندوه، ناتوانی و تبلی، به خدا پناه می برد و می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْخُزْنِ وَالْعُجْزِ وَالْكَسَلِ».<sup>۲</sup>

حاکم شدن روحیه تبلی و سستی بر کارکنان سازمان، پیامدهای متعددی در پی دارد که بارزترین آن ها، تضییع حقوق دیگران و سازمان متبوع است. امیر مؤمنان (ع) می فرماید: «مَنْ

حاکم شدن روحیه تبلی و سستی بر کارکنان سازمان، پیامدهای متعددی در پی دارد که بارزترین آن ها، تضییع حقوق دیگران و سازمان متبوع است.

أَطَاعَ التَّوَانِي صَيَّحَ الْخُفُوقَ وَمَنْ أَطَاعَ النَّوَاشِي صَيَّحَ الصَّدِيقَ»<sup>۳</sup> کسی که تن به سستی دهد حقوق را ضایع می سازد و کسی که از سخن چین پیروی کند دوستان خود را از دست خواهد داد. «افزون براین، سستی و تبلی در درازمدت عوارض و آسیب های فکری و روحی خود را به جای می گذارد و از جمله، انسان را دچار اباحی گری و ولنگاری کرده و از مسئولیت پذیری و دغدغه دینی دور می گرداند و به تدریج، مفاهیم اعتقادی و دینی او را نیز دگرگون می سازد. انسان های راحت طلب و تن آسا مفاهیم دینی را به گونه ای توجیه و تفسیر می کنند که با هواهای نفسانی آن ها در تراحم نباشد و تکلف و مشقتی برایشان ایجاد نکند و با راحت طلبی آنان مزاحمتی نداشته باشد. دستورهای صریحی مانند

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۳، ص ۱۸۷.  
۳. همان، ج ۷۰، ص ۱۶۰.

۱. بیانات امام خامنه ای (ع) در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۷۶/۲/۱۰، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2835>



امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و ظلم ستیزی را — که با تن آسایی و راحت طلبی آنان در تضام است — به سادگی توجیه می کنند و کنار می گذارند.

### ب) تبانی و بده‌بستان‌های کاری

تبانی توافق بین دو یا چند نفر است که گاهی به صورت سرّی و غیرقانونی و گاهی با

بسیاری از اختلاس‌ها و پرونده‌های کلان اقتصادی در نظام اسلامی ریشه در ردیله تبانی و این بده‌بستان‌های نامشروع دارد.

شکل و قالبی که تحقق یابد، جایز نیست؛ چراکه این کار یا مصداق «أکل مال به باطل» است یا «تضییع حقوق دیگران» یا «زیر پا گذاشتن ضوابط و مقررات» یا «زیر پا گذاشتن عدالت» یا... و در همه این حالات مصداق فعل گناه و ارتکاب منکر

است؛ هرچند گاهی افراد به این کار خود صورت قانونی داده یا با دلایلی آن را در

ظاهر موجه می سازند، اما هرگز این توجیهات، قبح و حرمت این کار را برطرف نمی کند و ماهیت آن را تغییر نمی دهد.

بی شک، انسان متعهد و معتقد هرگز حاضر نمی شود برای منافع زودگذر دنیوی، آخرت خود را تباه کند؛ چراکه در درگاه الهی هرگز عذر موجهی برای این خطای خود نخواهد داشت و توجیهات ساخته شده برای آن به هیچ عنوان پذیرفته نخواهد شد. انسانی که به قیامت اعتقاد دارد، می داند حسابرسی دقیقی پیش روی اوست و باید پاسخ گوی اعمالش باشد؛ بنابراین، هرگز حق کسی را ضایع نساخته و به بهای کسب رضایت دیگران یا رسیدن به منفعت

فریب کاری، اغفال، کلاهبرداری از حقوق قانونی افراد و گاهی توسط قانون خاص، اغفال یا به دست آوردن مزایای غیرمنصفانه صورت می گیرد.

این کار به شیوه‌های گوناگونی در محیط‌های کاری می تواند اتفاق بیفتد. یکی از مصادیق آن درخواست انجام کاری از سوی نیروی اداری از مراجعه کننده در ازای ارائه خدمات خاص و گاه خارج از ضوابط قانون است. برای مثال، فرد پیشنهاد می دهد اگر فلان کار را برای من انجام دهی یا موانع انجام این درخواست من را رفع کنی، در قبال آن قول می دهم فلان خدمت را برای شما انجام دهم. بی شک، اقدام به این کارها، در هر

اندک دنیوی، غضب الهی را برای خود نمی خرد. بنابراین، تبانی برای یک نیروی اداری شاغل در نظام اسلامی، برخلاف شرافت حرفه و رسالت اوست؛ ازاین رو، کارمندان و کارکنان نظام اسلامی می بایست به شدت از آن پرهیز کنند. بسیاری از اختلاس ها و پرونده های کلان اقتصادی در نظام اسلامی ریشه در رذیله تبانی و این بده بستان های نامشروع دارد.

### پ) خیانت در امانت

خیانت به هرگونه گفتار، رفتار یا نیتی گفته می شود که برخلاف تعهدات و مسئولیت های فرد باشد.<sup>۱</sup> این عمل ناپسند می تواند در قبال خداوند، پیامبر ﷺ، خود شخص یا دیگران صورت گیرد. به عبارت دیگر، هرگاه فرد از مسیر وظایفی که بر عهده اش است تخلف کند — چه در عرصه فردی، چه اجتهامی و چه دینی — مرتکب خیانت شده است.

براساس تعریف، این رذیله اخلاقی می تواند در قالب ها و صورت های گوناگون انجام بگیرد که یکی از

مصادیق برجسته آن خیانت در مسئولیت است. از نگاه دین، دایره و مصادیق امانت، فقط منحصر در امانت های معمولی، همچون امانت در اشیا نیست، بلکه هر آنچه را که در اختیار انسان قرار گرفته است دربر می گیرد؛ بنابراین، انسان می بایست نسبت به آن ها رسم امانت و امانت داری را به جا آورده، به شایستگی و در جای خود آن ها را به کار گیرد. یکی از مصادیق برجسته امانت، قبول مسئولیت است. «نگاه اسلام به زمامداران و مسئولان جامعه بسیار سخت گیرانه است. چنان نیست که قبول مسئولیت امتیازی ویژه قلمداد شود و مردم از هرسو

دایره و مصادیق امانت، فقط منحصر در امانت های معمولی، همچون امانت در اشیا نیست، بلکه هر آنچه را که در اختیار انسان قرار گرفته است دربر می گیرد.

برای رسیدن به آن بشتابند. مسئولیت در اسلام امانتی الهی است. امیر مؤمنان ﷺ خطاب به یکی از کارگزارانش می فرماید: «وَإِنَّ عَمَلَكَ

۱. سوء استفاده از موقعیت شغلی:  
یکی از مصادیق خیانت در امانت، سوء استفاده از موقعیت شغلی است. نیروی اداری امانت دار همواره می‌کوشد از هرگونه سوء استفاده از موقعیت شغلی خود پرهیز کند؛ به قدری که حتی به خود و نزدیکانش اجازه کمترین خیانت از موقعیت اداری خود را نمی‌دهد؛

۲. سوء استفاده از اموال عمومی:  
تمام امکاناتی که در اختیار مسئولان و کارگزاران دولتی قرار دارد، متعلق به بیت المال و عموم مردم است؛ بنابراین، باید به صورت صحیح و قانونی، در مسیر خدمت به مردم و رفع گرفتاری‌های آن‌ها استفاده شود. هرگونه استفاده نابجا و خارج از حیطه و اختیارات قانونی از امکانات دولتی، همچون استفاده شخصی از امکانات دولتی، فروش اموال و املاک به اقوام و نزدیکان خارج از ضوابط قانونی، نداشتن نظارت کافی بر هزینه‌های مأموریتی، تقلب در خریدهای دولتی، تبانی در قراردادهای ... مصداق سوء استفاده محسوب شده و خیانت در امانت است. گاهی

لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ<sup>۱</sup> یعنی حکمرانی برای تو طعمه نیست، بلکه امانتی برعهده‌ات است.»

هرگونه استفاده نابجا و خارج از حیطه و اختیارات قانونی از امکانات دولتی، همچون استفاده شخصی از امکانات دولتی، فروش اموال و املاک به اقوام و نزدیکان خارج از ضوابط قانونی، نداشتن نظارت کافی بر هزینه‌های مأموریتی، تقلب در خریدهای دولتی، تبانی در قراردادهای ... مصداق سوء استفاده محسوب شده و خیانت در امانت است.

تلقی امانت دارانه از کار و مسئولیت و انجام دادن امور با رویکرد امانت داری، اقتضا می‌کند هر فردی در هر پست و مسئولیتی که قرار دارد، حرمت آن را پاس داشته، بکوشد به خوبی از انجام وظایف و مأموریت‌های محوله برآید. اقتضای امانت داری در این حوزه ایجاب می‌کند فرد از مصادیق خیانت در امانت احتراز ورزد که از جمله مصادیق آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم،

مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۸۴، نامه ۵.

دیده می‌شود برخی از افراد با برخی توجیهات باطل و غلط، که ریشه در هوای نفس و نفس اماره دارند، با توجیهی خاص برای خود مجوزی برای استفاده از اموال عمومی و امکانات سازمانی می‌تراشند تا عمل زشت و منکر خود را موجه نشان دهند؛ مثلاً حقوق واقعی خود را بالاتر از مقداری که دریافت می‌کنند می‌دانند و خود را طلبکار سازمان دانسته، برای جبران آن، به خود اجازه می‌دهند در بیت‌المال تصرف و سوءاستفاده کنند. گاهی برای توجیه خیانت خود، به کمی اعداد و ارقام مورد تصرف تکیه می‌کنند و آن را با اختلاس‌ها و دستبردهای دیگران مقایسه می‌کنند و چنین وانمود می‌کنند که این مقدار در مقابل خیانت‌های بزرگ دیگران عددی نیست! آنان خود را افرادی باتقوا می‌دانند که کمتر از دیگران از بیت‌المال استفاده شخصی می‌کنند؛ درحالی‌که خود می‌دانند خداوند متعال از این عمل آن‌ها راضی نیست و خیانت به بیت‌المال — چه کم باشد و چه زیاد — مستوجب بازخواست و عذاب الهی خواهد بود.

۳. کم‌کاری در انجام وظیفه: کوتاهی در انجام وظیفه از مصادیق خیانت در امانت و از آفت‌های مهم مشاغل و مسئولیت‌های اداری است. اسلام کم‌کاری و کوتاهی در انجام وظیفه را به‌شدت نکوهیده، از آن با عنوان آفت و آسیب کار تعبیر کرده است. امیر مؤمنان علیه السلام در بیانی می‌فرماید: «التَّفْرِيطُ مُصِيبَةُ الْقَادِرِ»<sup>۱</sup> کوتاهی در کار بلای انسان تواناست.»

کار امروز را به فردا موکول کردن، پرداختن به کارهای شخصی در ساعات اداری، همنشینی‌های طولانی و گپ‌زدن با همکاران یا ارباب‌رجوع، اهتمام جدی نداشتن به امور و مشکلات دیگران و اذیت کردن ارباب‌رجوع، گره‌انداختن به‌جای گره‌گشایی، وقت خود را به بطالت گذراندن، رعایت نکردن تناسب زمان و کار محوله... همه از مصادیق کم‌کاری و کوتاهی در انجام وظیفه است که باید به تحقق آن‌ها حساس بوده و از آن‌ها دوری کنیم.

### ت) انتقام‌گیری

یکی از نبایدهای اخلاقی که در

۱. جمال‌الدین محمد خوانساری، همان، ج ۱،

شد. حتی در مواردی که تلافی کارهای زشت دیگران و انتقام از تبهکار و ظالم امری فطری، طبیعی و قانونی شمرده شده است، اخلاق اسلامی باز در حقوق فردی نسخه عفو و گذشت را تجویز کرده، آن را ارزنده ترین کار می داند. قرآن کریم به

مقابل گذشت قرار دارد، حس انتقام جویی است که در موقعیت های متفاوت ممکن است به صورت های گوناگون همچون برخورد فیزیکی، پرونده سازی برای افراد، به تأخیر انداختن کار، تهمت و افترا بستن، تخریب و زیرآب زنی، هتک ناموس



و... صورت گیرد.

پیامبر اکرم ﷺ — که در راه تبلیغ و رسالت با دشمنی ها و سختی های زیادی مواجه بود — می فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (اعراف: ۱۹۹)؛ عفو پیشه کن و به نیکی فرمان بده و از نادانان روی بگردان!» امام علی علیه السلام انتقام جویی را بزرگ ترین گناهان یاد می کند و می فرماید: «قِلَّةُ الْعَفْوِ أَقْبَحُ الْغُيُوبِ

در روایات و کتاب های اخلاقی، انتقامی که برخاسته از تعصب های جاهلانه، دشمنی های ناروا و همراه با تجاوز و تعدی باشد به شدت ناپسند و ناروا شمرده شده و از آن نهی شده است؛ چراکه در این انتقام ها نه تنها حقی احقاق نشده و ظلمی برطرف نمی شود، بلکه موجب تضییع حقوق دیگران و منشأ ظلم و فساد خواهد



وَالْتَسَرُّعُ إِلَى الْإِثْتِقَامِ أَغْظَمَ الذُّنُوبِ؛<sup>۱</sup>  
کمی عفو و گذشت، زشت ترین  
عیب ها و شتاب در انتقام، از  
بزرگ ترین گناهان است.»

### ث) تبعیض و بی عدالتی

یکی از الزامات اخلاقی خدمتگزاران  
در نظام اسلامی، رعایت عدالت و  
پرهیز از هرگونه تبعیض و ظلم است.  
براساس آموزه های اسلامی، همه  
مسلمانان وظیفه دارند عدالت را  
نه تنها در ارتباط با جامعه ایمانی، در  
قبال تمام انسان ها مراعات کنند.<sup>۲</sup> در  
اندیشه اسلامی، عدالت فقط یک  
توصیه اخلاقی نیست، بلکه سنگ  
بنای نظام اداری و شرط ضروری  
خدمت گذاری محسوب می شود.

قرآن کریم با صراحت  
هدف از ارسال  
پیامبران را استقرار  
عدالت معرفی  
می کند: «لِيَقُومَ النَّاسُ

بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). این اصل  
جهان شمول، تمامی روابط انسانی را  
دربر می گیرد و محدود به مرزهای  
ایمانی نمی شود.

بدیهی است همان گونه که عدالت و  
انصاف ارزش اخلاقی است، هرگونه  
تبعیض و بی عدالتی ضدارزش  
به حساب می آید. امام خامنه ای «اَلْظُلْمُ»  
با اشاره به سه آفت ویرانگر جامعه،  
تبعیض را در کنار فقر و فساد از عوامل  
اصلی تخریب نظام اجتماعی برشمرده  
و می فرماید: «مشکلات ما از سه پایه  
شوم و از سه عنصر مخرب است: فقر،  
فساد و تبعیض... تبعیض یعنی به جای  
ملاحظه قابلیت ها، به جای ملاحظه  
استحقاق، به جای ملاحظه خدا و  
قانون، ملاحظه رابطه ها بشود!»<sup>۳</sup>

وجود این آفت در سازمان، به ویژه  
در دوران حاکمیت نظام اسلامی،  
پیامدهای تلخی را دارد. از مهم ترین  
پیامدهایش، این  
است که تبعیض  
قائل شدن بین افراد  
و اعتباربخشی به  
افزون خواهی و

همان گونه که عدالت و انصاف ارزش  
اخلاقی است، هرگونه تبعیض و  
بی عدالتی ضدارزش به حساب  
می آید.

بهره مندی عده ای خاص، مردم را در  
مقابل ارزش ها و باورهای دینی  
سست می کند و آن ها را به افکار و

استان اردبیل، ۱۳۷۹/۵/۳، دسترسی در:  
farsi.khamenei.ir/speech-  
content?id=3017

۱. همان، ج ۴، ص ۵۰۵.

۲. مانند (۵)، آیه ۸.

۳. بیانات امام خامنه ای «اَلْظُلْمُ» در جمع مردم

رفتارهای الحادی سوق می‌دهد.<sup>۱</sup>

رسول خدا ﷺ در بیان یکی از پیامدهای این رذیله اخلاقی می‌فرماید: «هرکس بر ده نفر سرپرستی کند و در میان آن‌ها به عدالت رفتار نکند روز قیامت، درحالی که دست و پا و سرش در شکاف تیری قرار دارد، حاضر می‌شود.»<sup>۲</sup>

تبعیض و بی‌عدالتی در محیط‌های اداری دارای زمینه‌ها و مصادیق بسیاری است. در یک نگاه کلی،

می‌توان مصادیق بی‌عدالتی را در دو بُعد بیان کرد:

الف) تبعیض در برخورد با

مدیران و کارکنان باید همواره به یاد داشته باشند که پاسخ‌گویی آن‌ها در قبال اعمالشان هم در دنیا و هم در آخرت، امری قطعی و انکارناپذیر است.

مختلف، پاسخ‌گویی سریع به درخواست‌های افراد خاص و تأخیر عمدی برای دیگران، تفسیر متفاوت قوانین و مقررات برای افراد مختلف، چشم‌پوشی از تخلفات برخی و سخت‌گیری نسبت به دیگران و...

ب) تبعیض و بی‌عدالتی در برخورد با زیردستان و دیگر همکاران، مانند: واگذاری مسئولیت‌های سنگین و طاقت‌فرسا به برخی و معاف‌کردن دیگران، اختصاص امکانات رفاهی بهتر به برخی کارکنان (مانند اتاق،

تجهیزات و خودرو)، اعطای مرخصی‌های استحقاقی و فوق‌العاده به‌صورت سلیقه‌ای، توجه نابرابر به

ارباب‌رجوع، مانند: تقدم‌دادن افراد خاص در نوبت‌دهی و رسیدگی به امور، اختصاص زمان بیشتر و کیفیت بهتر خدمات به برخی مراجعان، ارائه اطلاعات ناقص یا نادرست به برخی ارباب‌رجوع، ایجاد شرایط سخت‌گیرانه برای برخی و تسهیل امور برای دیگران، به‌کارگیری الفاظ و ادبیات متفاوت در برخورد با مراجعان

پیشنهادها و ابتکارات کارکنان، ارجاع پروژه‌های مهم و اثرگذار فقط به گروهی خاص، ایجاد فرصت‌های آموزشی و ارتقای شغلی برای برخی و محروم‌کردن دیگران، برخورد متفاوت با خطاها و اشتباهات نیروهای تحت امر و همکاران، دخالت‌دادن روابط شخصی در تصمیم‌گیری‌های اداری، اختلاف فاحش در پرداخت‌های

۱. ر.ک. محمدرضای حکیمی، الحیة، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

۱۳۸۰، ج ۵، ص ۲۴۹.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۲، ص ۳۴۱.

این راهکارهاست. افزون بر این، مدیران و کارکنان باید همواره به یاد داشته باشند که پاسخ‌گویی آن‌ها در قبال اعمالشان هم در دنیا و هم در

فوق العاده و پاداش‌ها، توزیع ناعادلانه مزایای غیرنقدی، اعطای تسهیلات و وام‌های اداری به‌صورت سلیقه‌ای، اختصاص امتیازات ویژه به برخی



آخرت، امری قطعی و انکارناپذیر است.

### ج) خودمحوری و استبداد

خودمحوری یکی از رذایل اخلاق اداری بوده و ریشه در سه عامل بنیادین تکبر، هوای نفس و جهالت دارد. این صفت ناپسند که با عجب و غرور تقویت می‌شود، نقطه مقابل خدامحوری، عقل‌گرایی و مشورت‌پذیری است. قرآن کریم با اشاره به ضعف ذاتی انسان می‌فرماید: «وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا» (نساء: ۲۸).

و در جای دیگر محدودیت دانش بشری را یادآوری کرده، می‌فرماید:

بدون ضابطه مشخص، انتخاب نیروها براساس روابط شخصی به‌جای شایستگی‌ها، چشم‌پوشی از شرایط احراز برای برخی افراد، ایجاد مسیرهای سریع ارتقا برای افراد خاص، نادیده گرفتن سوابق و تجربیات برخی کارکنان شایسته و...

برای تحقق عدالت سازمانی و مقابله با تبعیض و بی‌عدالتی، راهکارهای عملی متعددی وجود دارد. استقرار نظام شایسته‌سالاری، ایجاد سازوکارهای شفاف، نظارت مستمر بر عملکردها، برقراری سیستم گزارش‌دهی و رسیدگی به شکایات، آموزش مستمر کارکنان و اجرای دقیق قوانین بدون ملاحظه افراد، ازجمله

«وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء: ۸۵).

این آیات به وضوح نشان می‌دهند که هیچ انسانی در حوزه اداری به تنهایی قادر به اداره امور نیست و باید از منابع گوناگونی مانند هدایت الهی، خرد جمعی و تجربیات دیگران بهره بگیرد. امیر مؤمنان علیه السلام به شدت به عواقب خودرایی هشدار داده و می‌فرمایند: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ»<sup>۱</sup> هرکس استبداد رأی داشته باشد، نابود می‌شود.

همچنین، در روایتی دیگر می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالثَّقَّةَ بِنَفْسِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَكْثَرِ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ»<sup>۲</sup> از اطمینان (تلقی بی‌نیازی و کامل بودن) به خویشتن پرهیز؛ زیرا چنین کاری از بزرگ‌ترین دام‌های شیطان است.

راه نجات از این رذیلت اخلاقی، تلفیق اندیشه خود و دیگران و عمل با احتیاط است. مدیران و کارکنان حوزه اداری باید به این باور برسند که عقل فردی محدود است، اما می‌توان با مشورت و همفکری، تضارب آرا و

مددگرفتن از افکار دیگران، به‌ویژه صاحبان تجربه و تخصص، آن را تکمیل کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه فرموده‌اند: «مَنْ رَجُلٍ يُشَاوِرُ أَحَدًا إِلَّا هَدَىٰ إِلَى الرُّشْدِ؛ هِيَ كَسْ بِأُخْرَى مَشُورَتُ نَكَرَد، جَزْ أَنْكَه بَه هِدَايَتُ وَرَشْدُ نَايِلُ كُشْت.»

امیر مؤمنان علیه السلام نیز با بیان «مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَاوَرَكُمُ فِي عُقُولِهِمْ»<sup>۳</sup> هرکس با مردان (صاحب فکر و عقل) رایزنی کند، در خرد آنان سهیم گشته است، بر اهمیت مشارکت فکری تأکید کرده‌اند.

سیره عملی ائمه علیهم السلام نیز بهترین الگو در این زمینه است. امام رضا علیه السلام در روایتی نقل می‌کنند که پدرشان امام کاظم علیه السلام (با وجود برخورداری از عقلی بی‌نظیر) گاهی با غلامان خود مشورت می‌کرد و در پاسخ به اعتراض دیگران می‌فرمود:

«چه بسا خداوند راه نجات را بر زبان همان فرد جاری کند.»<sup>۴</sup> بی‌شک، اتخاذ این رویکرد نه تنها خطاهای کارکنان در حوزه اداری و

۱. جمال‌الدین محمد خوانساری، همان، ج ۶، ص ۲۹۶.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۹۹.

۳. همان، ج ۵، ص ۳۴۰.

۴. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۲۸.



مدیریتی را کاهش می دهد، کارایی سازمان را به میزان چشمگیری افزایش خواهد داد.

### چ) رشوه

در اصطلاح فقهی، رشوه عبارت است از اینکه هرکس به هر عنوان، پول، هدیه، انعام، بخشش یا خدمتی را از کسی دریافت کند که در مقابل آن حقی را باطل یا باطلی را حق یا بین دو نفر تبعیض قائل شود و نوبتی را به هم بزند یا برای کاری که جزو وظایف و مسئولیت های اوست، چیزی دریافت کند.<sup>۱</sup> در بیانی ساده تر، می توان گفت: رشوه آن مال یا شبهه مالی است که در مقابل انجام یا ترک کاری داده می شود؛ مثلاً گاه برای صدور حکمی یا کسب مقامی رشوه می دهند و گاه برای سکوت کردن و برملانکردن حقی؛ بنابراین، در

معنای رشوه، معاوضه با انجام کار یا ترک کاری مندرج است.

رشوه گیری و رشوه دهی یکی از معضلات و بیماری هایی است که افراد، سازمان ها و جامعه را مبتلا می کند. رواج این پدیده از بزرگ ترین موانع اجرای عدالت اجتماعی است و سبب می شود قوانین، که قاعداً باید حافظ منافع طبقات ضعیف باشد، به سود طبقات نیرومند به کار بیفتد؛ زیرا زورمندان و اقویا همواره قادرند با نیروی خود، از منافع خویش دفاع کنند و این ضعفا هستند که باید منافع و حقوق آن ها در پناه قانون حفظ شود. بدیهی است اگر باب رشوه گشوده شود، قوانین درست نتیجه معکوس خواهد داد؛ زیرا اقویا هستند که قدرت بر پرداختن رشوه دارند و در نتیجه، قوانین باز یچه تازه ای



عنوان‌ها ماهیت رشوه را عوض نمی‌کند. به تعبیر دیگر، صورت امر هدیه، ولی باطن آن رشوه است. البته، تذکر این نکته هم لازم است که گاهی اوقات برخی افراد با علم به حرمت آن، می‌کوشند با برخی توجیهات، مجوز شرعی برای آن بتراشند؛ توجیهاتی چون:

گاهی اوقات عده‌ای می‌کوشند با تغییر نام رشوه و استفاده از عنوان‌هایی چون هدیه، شیرینی، پاداش، تعارف، فوق‌العاده، حق‌التسریع، پیش‌درآمد، حق‌وحساب، حق‌الزحمه، انعام، شیرینی بچه‌ها و... به رشوه شریعت و اعتبار ببخشند؛ غافل از اینکه این عنوان‌ها ماهیت رشوه را عوض نمی‌کند.

حقوق کارمندی آن قدری نیست که بتوان با آن گذران زندگی کرد. ما برای مخارج ضروری زندگی اقدام به این کار می‌کنیم؛ این یک معامله طرفینی است و طرفین به آن راضی‌اند؛ ما که به اجبار از فرد نمی‌گیریم، چون داوطلبانه انجام می‌گیرد و خود فرد راضی است؛ پس اشکالی ندارد؛

در دست آن‌ها برای ادامه ظلم، ستم و تجاوز به حقوق ضعفا خواهد شد. به همین دلیل، در هر اجتماعی رشوه نفوذ کند، شیرازه زندگی آن‌ها از هم می‌پاشد و ظلم، فساد، بی‌عدالتی و تبعیض در همه سازمان‌های آن‌ها نفوذ می‌کند و از قانون و عدالت جز نامی باقی نخواهد ماند.

در اسلام مسئله رشوه‌خواری با شدت هرچه تمام‌تر، تقبیح شده و یکی از گناهان کبیره محسوب می‌شود؛ به حدی که رسول خدا ﷺ زشتی آن را در حد زشتی کفر معرفی کرده، می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَالرِّشْوَةَ فَإِنَّهَا مُحَضُّ الْكُفْرِ وَلَا يَشْمُ صَاحِبُ الرِّشْوَةِ رِيحَ الْجَنَّةِ»<sup>۱</sup> از رشوه پرهیز کنید؛ چراکه رشوه کفر ناب است و اهل رشوه (رشوه‌گیرنده و رشوه‌دهنده) بوی بهشت را استشمام نمی‌کند.

البته، باید توجه کرد گاهی اوقات عده‌ای می‌کوشند با تغییر نام رشوه و استفاده از عنوان‌هایی چون هدیه، شیرینی، پاداش، تعارف، فوق‌العاده، حق‌التسریع، پیش‌درآمد، حق‌وحساب، حق‌الزحمه، انعام، شیرینی بچه‌ها و... به رشوه شریعت و اعتبار ببخشند؛ غافل از اینکه این



مبادا در اثر وسوسه‌های شیطان و از باب توجیهات مرتکب این پدیده شوم و خانمان سوز گردد و بداند که این پرهیز و تقوا در دفتر الهی ثبت و ضبط شده و مشمول پاداش الهی می‌شود.

### تفکر بیشتر

به نظر شما، غیر از موارد مذکور، چه آسیب‌های اخلاقی، کارکنان اداری را تهدید می‌کند؟ و راهکار درمان آن چیست؟

آیا تاکنون به این فکر کرده‌اید که یک تصمیم ظاهراً کوچک اداری (مثل اولویت‌دادن به آشنا) چگونه می‌تواند به فرهنگ سازمانی آسیب بزند؟

اگر شاهد تبعیض در محیط کار خود باشید، چه واکنش‌های سازنده‌ای می‌توانید داشته باشید؟ آیا می‌توانید سازمانی را تصور کنید که در آن همه روابط کاملاً براساس ضابطه باشد؟ به نظر شما، موانع تحقق این ایده‌آل چیست؟

در ازای مبلغ دریافتی، کار و زحمت مضاعف می‌کشیم و مستحق این هدیه یا مبلغ هستیم؛ اگر من این کار را نکنم دیگری انجام خواهد داد، تازه شاید بیشتر از این هم بگیرد؛

همه این کار را انجام می‌دهند. تازه من مبلغ کمی گرفته‌ام؛

طرف مایه‌دار است و با این مبالغ چیزی از دارایی او کم نمی‌شود؛

ما این مبلغ را می‌گیریم، ولی خرج امور سازمانی و اداری می‌کنیم و با آن مشکلی از مشکلات اداره را حل می‌کنیم؛

فرد خوشحال نیز هست که کارش زودتر انجام گرفته است؛ و... .

اما این‌گونه توجیهات هرگز نمی‌تواند قبح و حرمت رشوه را عوض کرده، مانع از اثرات وضعی آن بر فرد و اجتماع شود؛ بنابراین، نیروی اداری باید از رشوه، تحت هر عنوانی که باشد، پرهیز کند و مراقب باشد

## بر بال امید؛

کارکردها و راهکارهای عملی تقویت امیدواری



خبر آوردند که سلطان از آن شهر می‌گذرد. وقتی پادشاه جلوی میدان مجازات رسید و ازدحام جمعیت را دید، پرسید: چه خبر است؟ گفتند: می‌خواهند مردی را مجازات کنند که خود را بی‌گناه می‌داند. پادشاه پیش رفت و از محکوم چند پرسش کرد. وقتی بر ماجرا آگاهی کامل یافت، دانست که آن مرد بی‌گناه است و دستور داد که آزادش کنند.

امید اکسیر ارزشمندی است که حتی در تاریک‌ترین لحظات زندگی می‌تواند معجزه کند و درهای بسته را به روی انسان بگشاید و سرنوشتش را تغییر دهد. پس بیاموزیم که حتی وقتی همه‌چیز علیه ماست، امید را همچون چراغی روشن در دل نگه داریم که دنیا

حاکمی دستور داد بی‌گناهی را به ستونی ببندند و چوب بزنند. مرد بدبخت هرچه گفت من بی‌تقصیرم، حاکم نپذیرفت. وقتی مأمور آمد حکم را اجرا کند، آن مرد با عجز و لابه از وی درخواست کرد که او را از ستونی که بسته‌اند، باز کند و به ستون دیگری ببندد. مأمور گفت: ای بدبخت! اجرای این تقاضا برای تو چه فایده‌ای دارد؟! محکوم گفت: شاید در فاصله زمانی که تو مرا از این ستون باز کنی و به ستون دیگری ببندی، خداوند فرجی عنایت فرماید. مرد بدبخت از بس التماس کرد، حاکم دلش به حال او سوخت و دستور داد که وی را به ستون دیگری ببندند. دست بر قضا، در همان لحظه

از ثمرات ارزشمند امید در انسان،  
امید دادن، امید بخشیدن و امیدوار  
کردن دیگران است.

می‌پاشد و در انتظار محصول  
می‌ماند. به تعبیر دیگر، وقتی انسان  
گمان دارد که در آینده نعمتی نصیب  
او می‌شود و از آن لذت برده و بهره‌مند  
می‌شود، احساس خوب و حالت  
مطلوب و شیرینی به او دست می‌دهد  
که آن حالت «رجا و امید» نامیده  
می‌شود. این امیدواری، که ریشه در  
توکل بر خدا و اعتماد به رحمت  
بی‌پایان الهی دارد، تردیدها، یأس‌ها  
و دغدغه‌های آزاردهنده را از انسان  
دور می‌کند و او را به ساحل امن و  
سکون روحی رهنمون می‌سازد.

در فرهنگ دینی، امید با واژه  
«رجاء» شناخته می‌شود و نقطه  
مقابل آن «یأس» و «قنوط» (ناامیدی  
و اضطراب درونی) است. از ثمرات  
ارزشمند امید در انسان، امید دادن،  
امید بخشیدن و امیدوار کردن دیگران  
است، چنان که در مقابل امیدبخشی،  
ناامید کردن یا نومید ساختن دیگران  
است که ضدارزش و امری نامطلوب

همواره در حال دگرگونی است و هر  
دم، امکان تحولی شگفت‌انگیز وجود  
دارد. پس همان‌گونه که خورشید هر  
صبح بدون وقفه طلوع می‌کند، ما نیز  
با امیدی پایدار به استقبال فرداهای  
روشن برویم.

### مفهوم‌شناسی امید

«امید» دل‌آرامی انسان و اطمینان  
خاطر او برای رسیدن به مقاصد و  
موفقیت‌ها است. امید یعنی در انتظار  
چیزی بودن، درحالی که بیشتر وسایل  
و اسباب آن فراهم شده است و  
«امیدواری» حالتی درونی و نفسانی  
است که در آن، انسان به اموری که  
انتظارش را دارد، دلبستگی پیدا کرده  
است.<sup>۱</sup> چنان‌که از تعریف نیز  
برمی‌آید، امید زمانی تحقق می‌یابد  
که فرد امیدوار در تهیه تمام اسباب و

«امید» دل‌آرامی انسان و اطمینان  
خاطر او برای رسیدن به مقاصد و  
موفقیت‌ها است.

مقدمات رسیدن به امر مورد انتظار،  
تلاش جلدی کند، مانند کشاورزی که  
زمین را شخم زده، بذر را در آن

است. امام صادق علیه السلام در حدیث جنود عقل و جهل، امیدواری را از لشکریان عقل و نومیدی را از سپاهیان جهل می‌دانند و می‌فرمایند: «الْوَجَاءُ وَضِدُّهُ الْقُنُوطُ»<sup>۱</sup> امیدواری و ضد آن نومیدی است.»

## کارکردهای امید

امید مهم‌ترین عامل تحول در زندگی و کلید کامیابی و خوشبختی همگان، به‌خصوص نسل پویای جوان است. دنیای جوان با امید برپاست و موفقیت و پیشرفت او مرهون پرورش

این عطیة الهی است. با مرکب امید می‌توان از موانع و تنگناهای روزگار

گذشت، به‌شرط آنکه انسان به اندازه‌ای برای خود امیدسازی کند که به مرز خیال‌پردازی نرسد.

امید همواره با مفاهیمی چون آرامش، نشاط، عشق، جرأت و تلاش همراه است. این نیروی درونی، افق آینده را برای انسان روشن و شوق‌آفرین می‌کند، درحالی‌که یأس، پیامدهایی چون اضطراب، سردی

روحی، افسردگی و ترس از آینده را به دنبال دارد. جامعه‌ای که امیدوار باشد، با انرژی و اعتمادبه‌نفس بیشتری به میدان‌های پیشرفت وارد می‌شود، اما ناامیدی، سبب رکود و بی‌حرکتی می‌گردد.

امید و آرزو، منشأ نشاط و کار و تلاش و ناامیدی ریشه بی‌نشاطی و رهاکردن میدان کار و تلاش است. در حقیقت، عاملی که سبب می‌شود آدمی با شوق بیش‌ازپیش به تلاش و کوشش در کارهایش بپردازد و در

تمامی امور زندگی پیشرفت کند، امید به زندگی و موفق‌شدن در حل مشکلات

امید و آرزو، منشأ نشاط و کار و تلاش و ناامیدی ریشه بی‌نشاطی و رهاکردن میدان کار و تلاش است.

فردی و اجتماعی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِلْأُمَّتِی وَ لَوْلَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ الْإِذَّةُ وَلَدَهَا وَ لَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجَرًا»<sup>۲</sup> امید و آرزو برای امت من رحمت است. و اگر امید و آرزو نبود، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی برنمی‌نشاندد.»

زندگی انسان با امیدواری سرشار از بالندگی و رشد می‌شود و او را

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران،

دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱.  
۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۴، ص ۱۷۳.



به‌سوی رستگاری رهنمون می‌کند؛ چنان‌که در قرآن کریم وارد شده است: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا» (کهف: ۱۱۰)؛ کسی‌که به دیدار و خشنودی خدا امید دارد، باید اعمال نیک و صالح انجام دهد.»

### اهمیت و ضرورت امیدآفرینی

امید، موتور محرک موفقیت و سعادت انسان‌ها است و با بال‌های امید می‌توان بر فراز مشکلات و چالش‌های زندگی پرواز کرد. وقتی امید از دل آدمی رخت بربندد، تاریک‌ترین روزهای زندگی

آغاز می‌شود و هیولای یأس، او را در سیاه‌چاله اضطراب‌ها، چالش‌های آموزشی، حرفه‌ای، اقتصادی و دشواری‌های ناشی

از روابط عاطفی و جمعی به بند می‌کشد و جهان را تیره‌وتر و بی‌معنا می‌نماید. بنابراین، همواره باید کوشید تا سایه سنگین ناامیدی بر وجود انسان سنگینی نکند؛ چراکه اگر بر جان آدمی چنگ اندازد، توان حرکت و زیستن را از

او خواهد گرفت. روایت است که عیسی بن مریم علیه السلام پیرمردی را مشغول بیل‌زدن و کندن زمین دید. عیسی علیه السلام گفت: بارخدا، آرزو را از دل او بیرون کن! پیرمرد بیل را انداخت و خوابید. ساعتی بعد، عیسی علیه السلام عرض کرد: بارالها آرزو را به او باز گردان! پیرمرد بلند شد و شروع به کار کرد. وقتی حضرت عیسی علیه السلام عثش را پرسید، پیرمرد جواب داد: هنگامی‌که مشغول کار بودم، نفسم به من گفت: تا کی می‌خواهی کار کنی؟! تو پیر و افتاده‌ای!

این بود که بیل را انداختم و خوابیدم. بعد دوباره نفسم گفت: به خدا سوگند، تا وقتی زنده‌ای احتیاج به زندگی داری. این بود که بیل را برداشتم! <sup>۱</sup>



امروز ملت ایران و امت اسلامی بیش از هر زمان دیگر به روحیه امیدواری نیاز دارند. رهبر حکیم انقلاب علیه السلام با درک این ضرورت، بارها بر امیدآفرینی و یأس‌زدایی تأکید کرده‌اند، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت



امید، روح بیانیۀ گام دوم انقلاب است. ایشان در این بیانیه، پیش از بیان هفت راهبرد کلان (علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت، استقلال، عزت ملی و سبک زندگی)، امید را کلید اساسی همهٔ قفل‌ها معرفی می‌کنند و می‌فرمایند:

نخستین توصیهٔ من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همهٔ قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. این جانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومی‌دی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم. در طول این چهل سال — و اکنون مانند همیشه — سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و

حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان‌دادن واقعیت‌ها، پنهان‌کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ‌کردن عیوب کوچک و کوچک نشان‌دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامهٔ همیشگی هزاران رسانهٔ صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصرهٔ تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شماست... قدر خود را بدانید و با قوّت خداداد، به‌سوی آینده خیز بردارید و حماسه

بیافرینید.<sup>۱</sup>

معظم‌له با اشاره به تلاش دشمنان نظام اسلامی، از امیدواری و تلاش برای ایجاد امید در جامعه با عنوان «جهاد فرهنگی» یاد می‌کنند که جوانان باید پیشقراول آن باشند: «امروز بزرگ‌ترین جهاد در میدان تبلیغات، این است که کسی بتواند ملت ایران را به عاقبت و فرجام این راه امیدوار کند. هرکس مردم را ناامید کند، به این ملت خیانت کرده است.»<sup>۲</sup>

### راهکارهای عملی ایجاد امیدواری

در دنیایی که گاه سایه‌های تردید و ناامیدی بر زندگی انسان سنگینی می‌کند، امید همچون چراغی فروزان، راهنمای فرد و جامعه به‌سوی فردایی روشن‌تر است. امید فقط یک احساس زودگذر نیست، بلکه نیرویی درونی است که می‌تواند انسان را در سخت‌ترین شرایط به پیش براند، از چالش‌ها عبور دهد و افق‌های تازه‌ای را پیش روی او بگشاید. اما پرسش اینجاست که چگونه می‌توان این

موهبت ارزشمند را در دل‌ها زنده نگه داشت؟ چگونه می‌توان در وضعیتی که عوامل گوناگون، از فشارهای اقتصادی و اجتماعی گرفته تا دشواری‌های فردی، روحیه انسان را می‌آزمایند، امید را پرورش داد و تقویت کرد؟

در پاسخ به این پرسش باید دانست امیدواری مانند صفات پسندیده دیگر، اکتسابی است؛ یعنی باید با تلاش و تمرین آن را به‌دست آورد. ازجمله راه‌هایی که جوانه امید را در دل آدمی می‌کارد، عبارت‌اند از:

### الف) محکم کردن پایه‌های اعتقادی و اخلاقی

یأس و ناامیدی تا حد بسیاری مربوط به جهان‌بینی و نگرش انسان به نظام آفرینش است. کسی که به ماورای طبیعت اعتقاد دارد و نظام خلقت را محدود به دنیا نمی‌داند، در تاریک‌ترین لحظات زندگی نیز احساس تنهایی نمی‌کند؛ زیرا همیشه خدا را در کنار خود می‌یابد. مؤمن با داشتن این تکیه‌گاه مطمئن، با خود

۱. بیانات امام خامنه‌ای (عج) در بیانیه گام دوم خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

۲. بیانات امام خامنه‌ای (عج) در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۲/۱۰/۶، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7226>

کسی که به ماورای طبیعت اعتقاد دارد و نظام خلقت را محدود به دنیا نمی‌داند، در تاریک‌ترین لحظات زندگی نیز احساس تنهایی نمی‌کند.

می‌گوید: هرگز به حال خود رها نشده‌ام و زحماتم بی‌نتیجه نخواهد ماند؛ اما با تفکر و جهان‌بینی مادی و نگاه بدبینانه به طبیعت، اصل و ریشه امید به شدت آسیب می‌بیند. شهید مطهری رحمته‌الله می‌نویسد:

ایمان است که منبع امید و رجاست. ایمان است که توکل و اعتماد و امیدواری می‌آورد. آدم باایمان هیچ وقت خودش را تک و بی‌مددکار و بی‌غمخوار نمی‌بیند؛ همیشه در نماز می‌گوید: خدایا! تو را می‌پرستیم و از تو مدد می‌خواهیم. آدم باایمان اگر در اثر پیشامدهای روزگار صدمات و لطماتی هم ببیند، چندان نگرانی ندارد.<sup>۱</sup>

آن‌که خداوند را به کرم و لطف و مهر بیکران، شناخته است و می‌داند که خود او در کتابش، بندگان را گرچه در انجام معاصی زیاده‌روی کرده باشند از ناامیدی برحذر داشته است، هرگز از رحمت او مأیوس

نخواهد شد و همواره در گوش جانش این نغمهٔ ملکوتی طنین انداز است که: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا (زمر: ۵۳)؛ بگو! ای کسانی که بر خود اسراف و ستم نمودید، از رحمت خدا مأیوس نباشید، که خداوند تمامی گناهان را می‌آمرزد.»

### ب) توکل و دعا

توکل، سپردن امور به خدایی حکیم و تواناست؛ نه به معنای دست روی دست گذاشتن، بلکه به این معنا که پس از تلاش تمام و کمال، دل را به آن وجود بی‌نهایت پیوند زدن و باور به اینکه هیچ تلاشی بی‌پاسخ نمی‌ماند. دعا نیز زمزمهٔ دل با معبودی است که از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است؛ نجوایی که گاه در قالب کلمات می‌گنجد و گاه در سکوت اشک‌ها جاری می‌شود. این دو، در کنار یکدیگر، چراغ‌هایی هستند که نه تنها تاریکی‌های مسیر را روشن می‌کنند و انسان را از ژرفای ناامیدی به ساحل اطمینان می‌رسانند، بلکه به انسان یادآوری می‌کنند که تنها نیست و

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، تهران، صدرا.

همیشه دستی هست که او را در مسیر دشوار زندگی بگیرد.

بشر با توکل به پروردگار و دعا به درگاه او، در برابر هر مشکلی می‌ایستد تا آن را حل یا بر خود هموار کند؛ چراکه همه چیز در اختیار خداوند است و مشکلات انسان‌ها در برابر قدرت او هیچ است. کسی که او را وکیل خود سازد و به او تکیه کند، در وجود خود آرامش و قدرتی شگفت برای برخورد با مشکلات می‌یابد. امام صادق علیه السلام فرمود: «قال لُثْمَانُ يَا بَنِيَّ! اَوْ لَا تَضْجُرَنَّ بِطَلَبِ حَاجَةٍ فَإِنَّ قَضَاءَهَا بِيَدِ اللَّهِ وَ لَهَا اَوْقَاتٌ وَ لَكِنْ اِزْعَبْ اِلَى اللَّهِ وَ سَلْهُ وَ حَزْكَ اِلَيْهِ اَصَابِعُكَ؛

لقمان به فرزندش گفت: فرزندم! برای برآورده شدن نیازهای

خود از دعا خسته نشو؛ زیرا برآورده شدن نیازها فقط به دست خداست و وقت و زمانی خاص دارد. با میل و رغبت، به درگاه خدا رو کن و نیازهایت را از او بخواه و در حین دعا انگشتان خود را به سوی او حرکت ده!»<sup>۱</sup>

### پ) اصلاح بینش و نگرش

همه احساسات انسان — چه مثبت و چه منفی — ریشه در افکار او دارند. همان طور که اندیشه‌های تاریک، غم، خشم، حسادت یا افسردگی می‌آفرینند، افکار روشن‌گر و امیدبخش نیز می‌توانند شادی، آرامش، رضایت و امیدواری را در وجود انسان پرورش دهند. بنابراین، اگر بخواهیم از چرخه ویرانگر احساسات منفی رهایی یابیم و فضای درونی خود را به سمت امید و نشاط سوق دهیم، باید پیش از هر چیز، بینش و نگرش خود را اصلاح کنیم. امید، محصول نگرشی است که به

زندگی معنا می‌بخشد. کسی که مشکلات را پایان راه

امید، محصول نگرشی است که به زندگی معنا می‌بخشد.

می‌پندارد، به سادگی در برابر سختی‌ها تسلیم می‌شود؛ اما کسی که با نگرش توحیدی به جهان می‌نگرد، می‌داند که زندگی آمیخته با فرازونشیب‌های طبیعی است و هر دشواری، گذرا و همراه با حکمتی الهی است. در این دیدگاه، رنج‌ها نه تنها بی معنا نیستند، زمینه‌ساز رشد، پالایش روح و تقویت توانمندی‌های انسان هستند.



بنابراین، امید یک انتخاب است؛ انتخابی که از بینش صحیح و نگرش الهی سرچشمه می‌گیرد. اگر افکار خود را از تاریکی یأس و ناامیدی پاک کنیم و به جای آن، نگاهی روشن‌گر و توحیدی به رویدادهای زندگی داشته باشیم، آن‌گاه حتی در سخت‌ترین وضعیت نیز نور امید در دلمان زنده خواهد

امید یک انتخاب است؛ انتخابی که از بینش صحیح و نگرش الهی سرچشمه می‌گیرد.

حق تعالی خود می‌فرماید: «ما أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (تغابن: ۱۱)؛ هیچ مصیبتی جز به اذن خدا نرسد، و کسی که به [همه‌کاره بودن خدا] ایمان آورد، [خدا هم] دلش را به راه صحیح هدایت کند، و خدا [ست که] به هر چیزی داناست.»

ماند. اصلاح بینش، نخستین گام برای ساختن جهانی پر از امید است: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق: ۲-۳)؛ و هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برایش قرار می‌دهد و او را از جایی که گمان ندارد، روزی می‌رساند.»

در اصلاح بینش و اندیشه، بیش از هر چیز ایمان به اینکه کارگردان حقیقی عالم خداست و او هرچه را برای ما مقدر و کتابت کند، جز خیر نیست،<sup>۱</sup> مؤثر و آرامش‌بخش است.

ت) تمرکز بر نکات مثبت در زندگی اگر زندگی را یک‌سره تلخی و سختی ببینیم، آزاددهنده، تحمل‌ناپذیر و یأس‌آور خواهد شد. هنگام ورود مصیبت، ناخوشایندی آن به گذشته، آینده و همه زایویه‌های حال «تعمیم» داده می‌شود. در برخی موارد نیز ممکن است بر ناخوشایندی حال «تمرکز» شود و به هیچ چیز دیگری توجه نشود. با این تعمیم یا تمرکز، هیچ نقطه مثبت و امیدواری برای انسان باقی نمی‌ماند که به آن، دل خوش کند، امیدوار بماند و مشکلات

۱. آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید: «یکی از اساتید ما در حکمت الهی، مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محی‌الدین الهی قمشه‌ای<sup>۱</sup> آن روزی که در ایران آشوب بود و این کشور اسلامی از هر طرف مورد تهاجم نظامی شرق و غرب بود، درحالی‌که برای نوشتن

مطالب عقلی، قلم در دست داشت، وقتی خبر به ایشان رسید که کشور در آتش جنگ است، در کمال آرامش این آیه را تلاوت فرمود: «لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا» (عبدالله جوادی آملی، قرآن در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۹۴، ص ۲۳۶).

خود را پشت سر بگذارد. درحالی که اگر همراه ناملايمات، خوشایندی هایی نیز وجود داشته باشند، موقعیت تنش زا «تعدیل» می شود. بنابراین، برای رسیدن به آرامش و حفظ روحیه امید، باید به شناسایی و کشف نقاط مثبت زندگی پرداخت. برای این کار لازم است که انسان تصمیم بگیرد به جای کمبودها و مشکلات و سختی ها، به داشته ها و نکته های مثبت آن توجه کند. همین تصمیم احساس خوشایندی در انسان به وجود می آورد و از بار سنگین فشار روانی می کاهد و به او امید می بخشد. برای نمونه، انسان به جای دیدن

کمبودها و مشکلات مادی، به داشته های خود چون نعمت سلامتی، خانواده، همسر و اولاد توجه کند. این مهارت دایره ناخوشایندی را کاهش می دهد و بر سطح رضایت از زندگی می افزاید. بر همین اساس، امام علی (ع) می فرماید: «إِذَا طَلَبْتَ شَيْئاً مِنْ الدُّنْيَا فَرُؤِيْ غَنَكَ، فَأَذْكَرُ مَا خَصَّكَ اللَّهُ بِه مِنْ دِينِكَ وَصَرْفُهُ عَنْ غَيْرِكَ، فَإِنَّ ذَلِكَ أَحْزَى أَنْ تَسْتَحِقَّ بِمَا فَاتَكَ؛ اهرگاه چیزی از دنیا خواستی و از تو بازداشته شد، به یاد آور دینت را که خداوند به تو داده و از دیگران بازداشته است که این، به جای آنچه از دست داده ای، سزاوارتر است.»



برخی از کسانی که دچار مشکلات روحی و فشارهای روانی بودند، هنگامی که به معصومان علیهم السلام مراجعه می کردند، با همین روش درمان

«خداوند عزوجل ایمان را روزی تو ساخت و در نتیجه، بدنت را بر آتش حرام کرد و سلامتی را روزی تو ساخت؛ پس تو را بر اطاعت خدا



می شدند. ابوهاشم جعفری یکی از کسانی است که به شدت، گرفتار می شود و در تنگنای سختی قرار می گیرد. خدمت امام هادی علیه السلام می رسد تا از وضع خود شکایت کند. او خود می گوید: چون نزد حضرت نشستم، به من فرمود: «یا اباهاشیم! ائی نَعَمَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَیکَ تُرِیدُ اَنْ تُؤَدَّی شُکْرَهَا؟! ای ابوهاشم! کدام یک از نعمت های خدای عزوجل را می خواهی سپاس بگزاری؟» می گوید: سکوت کردم و ندانستم چه پاسخی بدهم. حضرت خود آغاز به سخن کرد و فرمود:

یاری کرد و قناعت را روزی تو کرد و تو را از خواری نیازخواهی از دیگران مصون داشت.<sup>۱</sup>

در این بیان، حضرت وی را به سه نعمت بزرگ توجه می دهد. قرار گرفتن مشکلات در کنار نکته های مثبت دو پیامد دارد: یکی اینکه اندازه مشکلات را در نظر شخص کوچک می کند و دیگری اینکه توجه به نقاط مثبت موجب تلطیف فضای روانی می شود.<sup>۲</sup>

(ث) مثبت اندیشی

قدرت اندیشه و تفکر بر هیچ کس

۱. همان، ج ۵۰، ص ۱۲۹.

۲. ر.ک. عباس پسندیده، رضایت از زندگی،

پوشیده نیست و اندیشه نه تنها بر جسم انسان، بر آینده او نیز تأثیر می گذارد.

از کنار خارهای زندگی بزرگوارانه بگذریم و نگاه امیدوار خود را متوجه گل ها کنیم.

مهم است. زندگی مانند گلی زیباست که خارهایی نیز دارد. آیا هیچ گاه به فردی

فرد مثبت اندیش عمیقاً معتقد است که باوجود مشکلات و سختی های موجود بر سر راه زندگی، اوضاع سروسامان می گیرد و همه چیز به خوبی و خوشی می انجامد. او هر شکست را پدیده ای تغییرپذیر می بیند و معتقد است بار دیگر می تواند موفق شود. بنابراین، تفکر مثبت منبع تولید انرژی است و به انسان توانایی و دلگرمی می بخشد و خستگی را از روح می زداید و انسان را برای ادامه زندگی امیدوار می کند؛ اما تفکر منفی اضطراب آفرین و خستگی آور است. باید همواره نیمه پر لیوان را ببینیم، نه نیمه خالی را و به آنچه می توانیم کسب کنیم بیندیشیم.<sup>۱</sup> برای رسیدن به تفکر مثبت، راهکارهایی وجود دارد، ازجمله:

### ۱. همراهی با زیبایی های زندگی

برای مثبت اندیش بودن، باید زاویه نگاه خود را به زندگی تغییر دهیم؛ اینکه زندگی را از چه زاویه ای ببینیم،

که شاخه گلی به شما هدیه می دهد، می گوید که چرا گلی را با خار به شما داده است؟! از کنار خارها می گذرید و از اهداکننده گل تشکر می کنید. آنچه در زندگی به هریک از ما داده شده، کمتر از گل سرخی که دوستی به ما هدیه می کند و ما به خار آن توجهی نداریم، نیست. از کنار خارهای زندگی بزرگوارانه بگذریم و نگاه امیدوار خود را متوجه گل ها کنیم.

### ۲. اندیشه در داشته ها

بزرگ نمایی سختی ها و نظرافکندن در کاستی ها و کمبودها که یک روی سکه زندگی است، باعث شده از روی دیگر سکه که خوشی ها و زیبایی ها و داشته هاست، غفلت شود و این نگرش منفی، افرادی را در کام یأس و افسردگی فرو برده است. جوان با قدرت ایجاد تحول در زندگی، نباید سختی ها را بزرگ نمایی کند و از آن ها بهراسد.

۱. محمد سبحانی نیا، بررسی مسائل جوانان،

قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۱، ص ۳۰۰.

### ج) شناخت صحیح دنیا

یکی از راه‌های دستیابی به امید در زندگی، شناخت صحیح واقعیات دنیاست. اگر تصورها و انتظارات ما از دنیا مطابق با واقع باشد، ناامیدی به خود راه نخواهیم داد. از ویژگی‌های دنیا، تحول و دگرگونی، پستی و بلندی و فرازونشیب‌های آن است. پیشوایان دین با بیان این حقیقت، در پی اصلاح نگرش مردم از دنیا بودند تا در پیشامدهای ناگوار زندگی، خود را نبازند و همواره مهیای مقابله با مشکلات احتمالی باشند. امام علی علیه السلام فرمودند: «الدَّهْرُ يَوْمَانِ فَيَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ، فَإِذَا كَانَ لَكَ فَلَا تَبْطِرْ، وَإِذَا كَانَ عَلَيْكَ فَلَا تَحْزَنْ، فَبِكُلَيْهِمَا سَتُخْتَبَرُ»<sup>۱</sup> روزگار دو روز است: روزی به کام تو و روزی به زیان تو. چون به کام تو بود، سرمست شو و چون به زیان تو بود، غمناک مباش؛ زیرا هر دو مایه آزمایش توست.»

### چ) درک بهتر سختی‌ها

تکامل و پیشرفت در بستر سختی‌ها و گرفتاری‌ها پدید می‌آید. وقتی

مشکلات و سختی‌ها را مانع تکامل بدانیم، طبیعی است که از آن استقبال نکنیم و از رویارویی با آن وحشت و اضطراب داشته باشیم. حتی ممکن است تحلیل نادرست از سختی‌ها، افراد را به یأس و ناامیدی بکشاند؛ اما واقعیت آن است که سختی‌ها آن قدر هم که فکر می‌کنیم ناخوشایند نیستند. قرآن کریم می‌فرماید: «چه بسا چیزی را نمی‌پسندید، حال آنکه نفع شما در آن است و چه بسا چیزی را دوست می‌دارید، حال آنکه زیان شما در آن است.»<sup>۲</sup>

از روایات معصومان علیهم السلام استفاده می‌شود که وجود سختی‌ها برای مؤمن اجتناب‌ناپذیر است، زیرا گرفتاری برای مؤمن مایه تکامل و پیشرفت است.<sup>۳</sup> رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ لَيُعَذِّبُ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ كَمَا تُعَذِّبُ الْوَالِدَةُ وَلَدَهَا بِاللَّبَنِ»<sup>۴</sup> خداوند بنده مؤمن خود را با سختی و بلا تغذیه می‌کند؛ همان گونه که مادر، فرزندش را با شیر تغذیه می‌کند.»

۱. حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف

العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق،

ص ۲۰۷.

۲. بقره (۲)، آیه ۲۱۶.

۳. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶، ص ۲۲۲

و ج ۷۸، ص ۱۹۵-۱۹۶.

۴. همان، ج ۷۸، ص ۱۹۵.



### ح) صبر و بردباری

در زندگی انسان، همواره مشکلات و گرفتارهایی پیش می‌آید که برای رفع آن‌ها چاره‌ای جز صبر و استقامت نیست. اگر انسان در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی، خویشتن‌داری و صبوری نرزد، گاهی نه تنها مشکل او برطرف نمی‌شود، پیچیده‌تر نیز می‌شود. ولی اگر انسان هنگام بروز

مشکل، مسئله را صبورانه پیگیری کند، ضمن حفظ سلامت و تعادل روحی- روانی خود، رسیدن به اهداف برایش آسان‌تر می‌شود. در آموزه‌های دینی، صبر و استقامت، عنصر موفقیت و نیز عامل مهم در حفظ روحیه امیدواری و کاهش غم و اندوه دانسته شده است.

به اهداف برایش آسان‌تر می‌شود. در آموزه‌های دینی، صبر و استقامت، عنصر موفقیت و نیز عامل مهم در حفظ روحیه امیدواری و کاهش غم و اندوه دانسته شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَمْ يُسْتَقْصَ مِنْ مَكْرُوهِ بِمِثْلِ الصَّبْرِ»<sup>۱</sup> هیچ چیز به اندازه صبوری، رنج گرفتاری را کاهش نمی‌دهد. ایشان داستان غم‌انگیز حضرت یوسف علیه السلام را یادآور می‌شود که با بردباری و صبر توانست در وضعیت سخت زندان

روحیه امیدواری خود را حفظ کند. سپس می‌فرماید: «قَاصِرُوا تَغْفَرُوا»<sup>۲</sup> پس شما نیز شکیبا باشید تا موفق شوید.

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند بر اثر صبر، نوبت ظفر آید<sup>۳</sup>

### خ) تلاش و فعالیت

تلاش عامل نشاط و پویایی است و سکون و بی‌حرکی مولد رکود و

خمودی. «دست روی دست گذاشتن» و «زانوی غم بغل کردن» نه تنها مشکلی را رفع

در آموزه‌های دینی، صبر و استقامت، عنصر موفقیت و نیز عامل مهم در حفظ روحیه امیدواری و کاهش غم و اندوه دانسته شده است.

نمی‌کند، ناامیدی را نیز به ارمغان می‌آورد. باید دست به کار شد و در پرتو کار و فعالیت، روحیه مضاعف به‌دست آورد. براین‌اساس، درخت امید آن‌گاه به بار نشسته و میوه شیرین و گوارا می‌دهد که با تلاش و فعالیت آبیاری شود. در آموزه‌های دینی نیز با تأکید بر تلاش و فعالیت، از مسلمانان خواسته شده که از تنبلی و کسالت پرهیزند تا به سرانجام شوم آن گرفتار نشوند. در قرآن کریم، سعی

۳. شمس الدین محمد حافظ شیرازی، دیوان غزلیات، قم، ریاچین، ۱۳۹۰، ص ۲۳۲.

۱. همان، ج ۷۵، ص ۲۴۶.

۲. همان، ج ۶۸، ص ۹۶.

کَرَامَتُهُ؛<sup>۲</sup> هرکس [فقط] به امید پناه برد، بزرگواری اش ناپود می‌شود.»

(د توجه به الزامات و عوامل امیدآفرین

هرکس برای موفقیت در زندگی باید

و تلاش عامل هویت و شخصیت انسان معرفی شده است و بقای وجود و هستی انسان را به آن وابسته می‌داند و می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹).



اهدافی را براساس علاقه‌ها و تمایلات، آرزوها و خواسته‌های خویش مشخص کند و با کمک‌گرفتن از عوامل امیدآفرین، بکوشد تا به این اهداف و آرزوها دست یابد. کسی که به علم علاقه‌مند است و امید دارد تا در آینده به دانشمندی برتر تبدیل شود، باید از عامل امیدآفرین «تحصیل و علم‌آموزی» کمک گیرد و بکوشد تا با کسب مدارج علمی

امام علی علیه السلام فرمودند: «لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ»<sup>۱</sup> از کسانی مباش که بدون عمل، به آخرت امیدوارند.» این بدین معناست که امید و عمل با هم معنا می‌یابد و اگر شخصی فقط امیدوار باشد و آینده‌ای درخشان برای زندگی ترسیم کند، ولی به دنبال عمل نباشد، بی‌شک، به جایی نخواهد رسید؛ چنان‌که در بیانی دیگر می‌فرماید: «مَنْ لَجَأَ إِلَى الرَّجَاءِ سَقَطَتْ

۱. نهج البلاغه، همان، حکمت ۱۵۰.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۵، ص ۹۲.

در زمینه دلخواه، به آرزوی خود جامه عمل بپوشاند.

فردی که به کار و اشتغال تمایل دارد و آرزو دارد تا در آینده به سطحی از موفقیت برسد که بتواند خود و خانواده اش را به راحتی اداره کند یا در سطحی بالاتر بتواند کارآفرین شود و زندگی عده ای از مردم را تأمین کند، باید از عامل امیدآفرین «حرفه آموزی» مدد گیرد و تلاش کند تا با کسب مهارت های لازم در حرفه موردعلاقه، علاوه بر تأمین مالی خود، به کارآفرینی موفق در سطح مطلوب (استان، کشور، منطقه یا حتی جهان) تبدیل شود.

بنابراین، عوامل امیدآفرین بسته به اهداف و آرزوهای اشخاص متفاوت و گوناگون است. مهم آن است که با انتخاب اهداف صحیح و کمک گرفتن

از عوامل امیدآفرین مربوط به آن هدفها، با تلاشی خستگی ناپذیر و به دور از یأس و ناامیدی از شکست های احتمالی، خود و دیگران را در رسیدن به آینده ای روشن یاری دهیم.

### تفکر بیشتر

به نظر شما، تفاوت امیدواری واقعی با «خوش بینی کاذب» چیست و چه زمانی امید تبدیل به آرزوهای غیرواقعی می شود؟

چگونه می توان در جامعه ای که فضای ناامیدی حاکم است، امید را زنده نگه داشت؟

آیا تابه حال تجربه کرده اید که امید مانند یک «نیروی محرکه» شما را از بحران ها نجات دهد؟ چگونه؟



ترجمہ

مکتبہ انصاف  
لاہور





## نقش زنان در رسالت انبیا

با تأکید بر داستان قرآنی مادر و خواهر حضرت موسی (ع)



### مقدمه

قرآن کریم در کنار بیان رسالت پیامبران الهی، به طور برجسته‌ای از نقش آفرینی زنان در شکل‌گیری و پیشبرد این رسالت‌ها یاد کرده است. در واقع، در بسیاری از قصص انبیا، زنان در نقش مادر، همسر، خواهر یا مؤمنانی فداکار ظاهر می‌شوند که مأموریت پیامبران را تسهیل و تکمیل می‌کنند. حتی به تعبیری می‌توان گفت سرنوشت و نجات پیامبری چون حضرت موسی (ع) به دست زنان رقم خورد. قرآن این حقیقت را ترسیم کرده، تا استعدادهای و لیاقت‌های نهفته الهی زنان را آشکار سازد.

### ابعاد چندگانه نقش زنان در رسالت انبیا

نقش زنان در رسالت انبای الهی، محدود به عرصه‌ای خاص یا نقشی حاشیه‌ای نبوده، بلکه در ابعاد گوناگون تربیتی، اجتماعی، سیاسی، معنوی و حتی تأسیسی، حضوری فعال و گاه تعیین‌کننده داشته‌اند. تاریخ و قرآن کریم با ذکر نمونه‌های روشن از زنانی چون آسیه، هاجر، حضرت زهرا و حضرت خدیجه (ع) و بلقیس، نشان می‌دهد که زنان در کنار پیامبران، نه تنها یار و یاور، بلکه شریک راه و حاملان پیام الهی بوده‌اند. جدول زیر تلاشی است برای دسته‌بندی ابعاد متنوع این نقش آفرینی تاریخی و الهام‌بخش در ساحت‌های گوناگون رسالت.

|   |                         |  |
|---|-------------------------|--|
| کرد و بنی امیه را رسوا ساخت   |                         |  |
| ۵. ایفای نقش در انتقال معارف، آموزش دین، تبیین احکام برای جامعه   | آموزشی و معرفتی         |  |
| ۶. تسکین روانی، همراهی درون خانواده، ایجاد پایداری عاطفی برای انبیا   | عاطفی و خانوادگی        |  |
| ۷. نقش بنیادین در تأسیس و تثبیت دعوت پیامبر ﷺ، با ایمان حامی اصلی در سه سال محاصره در شعب ابی طالب، و پشتیبان مالی و روحی در آغاز رسالت | تأسیسی و تثبیت‌گر رسالت |  |
| ۸. ایستادگی برای احقاق حق و در برابر نظام‌های ناعادل  | حقوقی و کرامت انسانی    |  |

| نمونه قرآنی / تاریخی  | شرح   | بُعد               |
|---|---|--------------------|
| <b>حضرت هاجر</b> با تربیت حضرت اسماعیل در وضعیت سخت مکه، زمینه‌ساز ظهور نسل توحیدی و مشارکت در بنای کعبه شد (بقره: ۱۲۷-۱۲۸) | زنان در نقش مادران یا مربیان، نقش کلیدی در رشد شخصیتی پیامبران یا نسل‌های مؤمن ایفا کرده‌اند. | ۱. تربیتی و پرورشی |
| <b>آسیه</b> ، همسر فرعون، با سرپرستی موسی در کاخ، او را از مرگ نجات داد و از او در برابر فرعون محافظت کرد (قصص: ۹)          | پشتیبانی مادی و روانی در وضعیت بحرانی و حفظ جان پیامبران از خطر                               | ۲. حمایتی و حفاظتی |
| <b>حضرت مریم</b> در محراب عبادت، با پاکدامنی و توکل، الگویی جهانی از بندگی شد (تحریم: ۱۲)                                   | تجسم بندگی، اخلاص و عرفان؛ الگویی برای مؤمنان در عبادت و زهد                                  | ۳. معنوی و عبادی   |
| <b>حضرت زینب</b> با خطابه‌های خود پس از عاشورا، پیام عاشورا را زنده   | کنشگری سیاسی، سخن‌ورزی، دفاع از حق و هدایت جامعه در بحران‌ها                                  | ۴. اجتماعی و سیاسی |

چنان که مشاهده می شود، در رسالت بیشتر پیامبران برجسته، یک یا چند زن در مقاطع حساس ظاهر شده و نقشی تعیین کننده ایفا کرده اند. وجه مشترک زنان مؤمنی که نامشان در کنار انبیا آمده، ایمان و وفاداری عمیق آنان به خدا و حقیقت بوده است. این زنان با فداکاری و خرد خویش، مکمل رسالت پیامبران بوده اند: از حمایت مالی و عاطفی خدیجه برای پیامبر

سرنوشت خویش می باشد. این موارد منفی، خود تأکیدی دیگر بر استقلال شخصیت زن در بینش قرآنی است. به بیان دیگر، قرآن نه تنها زنان مؤمن را به خاطر کارهای بزرگشان می ستاید، زنان خطاکار را نیز نمونه های عبرت، معرفی می کند تا روشن سازد زن همانند مرد می تواند راه ایمان یا کفر را برود و سرنوشت جمعی را تحت تأثیر قرار دهد.



اسلام ﷺ گرفته تا حضانت مریم نسبت به عیسی ﷺ و همراهی ساره و هاجر با ابراهیم ﷺ. در مقابل، زنان بی ایمانی همچون همسر نوح و لوط نشان دادند که حتی نزدیکی خانوادگی به پیامبر نیز مانع سقوط فرد نمی شود؛ چراکه ایمان امری اختیاری و شخصی است و هرکس (زن یا مرد) مسئول

از دیدگاه روایی نیز نقش و جایگاه والای برخی زنان در تاریخ انبیا مورد تأکید قرار گرفته است. پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی مشهور می فرماید: چهار زن برترین زنان جهان و اهل بهشت اند: آسیه بنت مزاحم، مریم بنت عمران، خدیجه بنت خُوَیلد و فاطمه بنت محمد ﷺ. دقت در این

چهار چهره برگزیده نشان می‌دهد که سه تن از آنان مستقیماً در زندگی پیامبران اولوالعزم نقش داشته‌اند (مادر حضرت موسی علیه السلام، مادر حضرت عیسی علیه السلام، و همسر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله) و نفر چهارم (حضرت فاطمه علیها السلام) نیز خود دختر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله است که نقشی کلیدی در تداوم رهبری امت ایفا کرد. این واقعیت، تصدیق دیگری است بر اینکه از دیدگاه اسلام، زنان در قله‌های ایمان و کمال می‌توانند همپای مردان بلکه فراتر از بسیاری از آنان قرار گیرند. تاریخ اسلام نیز گواه است که زنان بزرگی همچون حضرت زینب علیها السلام با حرکت‌های انقلابی و پیام‌رسانی خود، ادامه‌دهنده راه پیامبران و امامان بوده‌اند. بنابراین،

بررسی تطبیقی نقش زنان در رسالت انبیا نشان می‌دهد اصل مشارکت مؤثر زنان در جنبش‌های توحیدی یک قاعده بوده است نه استثنا. هر جا زنی با ایمان حضور داشته، خداوند از وجود او پلی برای پیشبرد دعوت انبیا ساخته است و هر جا زنی کافر بوده (حتی در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله)، پیامد انتخاب او دامنگیر خودش شده و مسیر حق را متوقف نکرده است.

### تحلیل تاریخی زمانه تولد حضرت موسی علیه السلام

برای درک نقش آفرینی مادر و خواهر موسی علیه السلام لازم است مختصری به وضعیت تاریخی زمان تولد او اشاره شود. حضرت موسی علیه السلام در دوره‌ای به دنیا آمد که فرعون حاکم مستبد





که هریک با ایمان و شجاعت، در مقطعی حساس، زندگی خود را به خطر انداختند تا مشیت الهی درباره حضرت موسی ﷺ تحقق یابد.

### وحی الهی به مادر موسی و ایمان آزموده او

در سوره قصص، آیات ۷ تا ۱۳ ماجرای تولد و نجات موسای نوزاد به صورت فشرده ولی گویا بیان شده است. خداوند هنگامی که حضرت موسی متولد شد و خطر نیروهای فرعون او را تهدید می کرد، قلب مادرش را سرشار از الهام ساخت و به او دستور داد دست به اقدامی بی سابقه بزند.

در آن آیات سوره قصص، خداوند به مادر نوزاد دستور می دهد درعین مراقبت مادری (شیردهی)، هنگام

مصر، بنابر پیش گویی ها، از تولد پسری بنی اسرائیلی که موجب سقوط سلطنت او شود، در هراس بود. از این رو فرمان داده بود که پسران نوزاد بنی اسرائیل را به قتل برسانند: «يُذَبِّحْ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِ نِسَاءَهُمْ (قصص: ۴)؛ [فرعون] پسرانشان را سر می برید و زنانشان را (برای کنیزی) زنده می گذاشت.» در چنین وضعیتی خفقان آوری، خداوند اراده فرمود تا نجات دهنده بنی اسرائیل را از همان بطن توطئه بیرون کشیده و در قلب دستگاه فرعون پرورش دهد. تدبیر الهی برای حفظ جان موسی به گونه ای رقم خورد که چند زن شجاع و باایمان برخلاف سیاست ظالمانه فرعون اقدام کردند و نقش حیاتی ایفا نمودند. این چند زن مادر و خواهر موسی ﷺ و آسیه همسر فرعون بودند



خطر به گونه ای ایمان آزمون، از فرزند دل بکند و او را به امواج نیل بسپارد. این فرمان ظاهراً دوگانه است؛ چگونه ممکن است اگر مادری بر جان کودکش بیمناک شد، خود، او را به رود افکند؟! اما راز این آزمون بزرگ در وعده الهی نهفته بود که به او اطمینان داد: «غمگین مباش که ما او را به تو باز می گردانیم و او را از رسولان قرار می دهیم.»<sup>۱</sup>

### تدبیر مادر و اقدام خواهر: نقشه الهی برای نجات حضرت

#### موسی

پس از افکندن صندوق حاوی موسی در نیل، مرحله بعدی نقشه الهی فرا می رسد که اینجا نقش خواهر حضرت موسی را نمایان می شود. قرآن می فرماید: «وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ؛ [مادر] به خواهر موسی گفت او را دنبال کن!» پس خواهر از دور ماجرا را زیر نظر گرفت بی آنکه دیگران متوجه ارتباط او با نوزاد شوند «وَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (قصص: ۱۱). در واقع، مادر موسی به دور از چشم مأموران، مأموریتی

مخفیانه به دخترش سپرد تا سرنوشت صندوق را تعقیب کند. این اقدام نشان می دهد که توکل بر خدا هرگز به معنای رهاکردن تلاش و تدبیر نیست. مادر مؤمن موسی با اینکه به وعده خدا اطمینان داشت، مسئولیت پیگیری را به دختر نوجوان خود واگذار کرد تا از دور مراقب باشد. مفسران اشاره کرده اند که حساسیت مأموران فرعون نسبت به مادر موسی بسیار بود و حضور مستقیم او ممکن بود جلب توجه کند و راز را آشکار سازد؛ از این رو حضور خواهر کم سن از نظر امنیتی مناسب تر بود. خواهر با هوشیاری از کنار رود نیل به طور عادی صندوق را دنبال می کرد تا هیچ ظنی برنینگیزد.

این اقدامات خالصانه و شجاعانه آن چنان جایگاهی برای این مادر و خواهر به ارمغان آورد که درباره آنان احادیث زیر صادر شده است:

امام جعفر صادق: «أُمُّ مُوسَى كَانَتْ مِنْ أَبْرَرِ النِّسَاءِ وَ أَوْفَاهُنَّ بِوَعِيَةِ اللَّهِ؛<sup>۲</sup> مادر موسی از نیکوکارترین و وفادارترین زنان به وصیت الهی بود.»  
امام رضا: «أُحْتُ مُوسَى كَانَتْ

شیردادن و تربیت، اهمیت نقش مادر در شکل دهی شخصیت پیامبر را نشان می دهد؛

۵. نماد زنان مؤمن و فعال: آنان الگوی زنانی هستند که با ایمان، تدبیر، شجاعت و فداکاری، در مسیر رسالت الهی فعالانه نقش ایفا می کنند.

در یک نگاه کلی، داستان مادر و خواهر حضرت موسی علیه السلام یک نمونه الهام بخش از همکاری زنان در اجرای طرح الهی است: از ایثار یک مادر و درایت یک خواهر تا شفقت یک زن (آسیه) در کاخ فرعون که همه دست به دست هم داد تا پیامبری بزرگ حفظ و برای رسالت آینده پرورش یابد.

### نتیجه گیری

از آموزه های قرآنی و تحلیل تاریخی - تفسیری برمی آید که نقش زنان در رسالت پیامبران نقشی حاشیه ای یا تصادفی نیست، بلکه جزئی از طرح الهی و سنت تاریخی هدایت است. قرآن کریم با ذکر داستان هایی چون ماجرای مادر و خواهر حضرت موسی علیه السلام، مقام و قدرت معنوی زنان

ذَکِیَّةً عَاقِلَةً تَحْضُرُهُ بِأَمْرِ اللَّهِ؛<sup>۱</sup> خواهر موسی زنی باهوش و خردمند بود که به فرمان خدا از او محافظت می کرد.»

### تحلیل نقش مادر و خواهر حضرت موسی علیه السلام در پیشبرد رسالت

در یک بازخوانی چندوجهی می توان نقش این مادر و خواهر را در موارد زیر تبیین کرد:

۱. ایمان و توکل: مادر حضرت موسی علیه السلام که با اعتماد به وعده الهی، فرزندش را رها کرد؛ الگویی برای زنان مسلمان در مواجهه با مشکلات است؛

۲. تدبیر و مدیریت اطلاعاتی: خواهر حضرت موسی علیه السلام با تدبیر هوشمندانه خود، نقش حیاتی در حفظ جان پیامبر و پیوند خانواده داشت؛

۳. همکاری و هماهنگی: همکاری مادر و خواهر حضرت موسی علیه السلام نمونه ای از نقش جمعی زنان در پیشبرد رسالت است که با همدلی نتایج بزرگی حاصل می شود؛

۴. نقش تربیتی: بازگرداندن حضرت موسی علیه السلام به مادرش برای

۱. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص

را یادآور شده و نشان داده است که زنان مؤمن با شجاعت، درایت و ایثار می‌توانند دوشادوش مردان در عرصه تحقق اراده الهی گام بردارند. در واقع، پشت بسیاری از پیامبران بزرگ، زنان بزرگی حضور داشته‌اند؛ زنانی که یا آنان را در دامن خود پرورش داده، یا اولین ایمان‌آوردگان و حامیان ایشان بوده، یا همراه و یاورشان در سخت‌ترین لحظات رسالت گشته‌اند. این حقیقت، دیدگاه توحیدی اسلام را درباره توانایی‌های انسانی زن آشکار می‌کند. از دیدگاه قرآن، زن و مرد هر دو خلیفه‌الله بالقوه روی زمین‌اند و معیار فضیلت ایشان تقوا و ایمان است، نه جنسیت.<sup>۱</sup> (نگاه کنید به: حجرات: ۱۳).

مطالعه موردی داستان مادر و خواهر حضرت موسی علیه السلام به ما می‌آموزد که چگونه ایمان یک مادر می‌تواند اسباب نجات امتی را فراهم

کند و درایت یک خواهر می‌تواند پیامبری را به آغوش امن بازگرداند تا برای رسالت عظیم خود تربیت شود. همچنین، ماجرای همسران نوح و لوط نشان می‌دهد زن بودن نه مانع سعادت است و نه ضامن آن، بلکه انتخاب آگاهانه و همراهی با حق یا باطل، سرنوشت‌ساز است.

### برای تفکر بیشتر:

۱. آیا می‌توان براساس قصص زنان در قرآن، الگویی برای «زنان تمدن‌ساز» در جوامع اسلامی ترسیم کرد؟

۲. چگونه نقش‌های زنان در تاریخ انبیا می‌تواند الهام‌بخش طراحی نقش‌های فرهنگی-تمدنی زنان معاصر باشد؟

۳. در فضای فکری امروز، کدام الگوهای قرآنی از زنان نادیده گرفته می‌شوند و چرا؟



# ترجمان نور

مکتبۂ انصاف  
احمد علی





## دورویی؛

### آموزش ترجمه سوره منافقون



### سوره منافقون

منافق کسی است که در باطن کافر و در ظاهر مسلمان است. «منافقون» جمع آن است.

### مفهوم کلی سوره

- صفات منافقان و خطر آنان؛
- مرزبندی مؤمنان و منافقان؛
- غفلت از یاد خدا.

### علت نام گذاری سوره

نام این سوره از آیه نخست این سوره گرفته شده است. این سوره یازده آیه دارد.

### هدف های مهم سوره:

۱. مرزبندی بین مؤمنان و منافقان؛
۲. هشدار در مورد غفلت از خدا.

### محتوا و موضوعات سوره

سوره منافقون از سوره های پرمحتواست که محور اصلی بحث های آن را مسائل حساس مربوط به منافقان تشکیل می دهد، ولی در این سوره، آیاتی در قالب اندرز به مسلمانان در زمینه های گوناگون نیز آمده است. روی هم رفته می توان محتوای آن را در چهار بخش خلاصه کرد:

۱. نشانه های منافقان که خود شامل چندین قسمت حساس است؛
۲. برحذر داشتن مؤمنان از توطئه های منافقان، و لزوم مراقبت دائم در این زمینه؛
۳. هشدار به مؤمنان که مواهب مادی دنیا آن ها را از ذکر خداوند

غافل نکند؛

۴. توصیه به اتفاق در راه خدا، و بهره‌گیری از اموال پیش از آنکه مرگ فرا رسد و آتش حسرت به جان انسان بیفتد.

### فضائل، خواص و ثواب قرائت سوره

أبی بن کعب از پیامبر ﷺ روایت کرده که فرمود: «هرکس سوره منافقون را بخواند از نفاق برکنار و دور باشد.»<sup>۱</sup>

### محل نزول

سوره منافقون در مدینه بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شده است.

### زمان نزول

تاریخ نزول سوره منافقون در سال پنجم هجری بعد از جنگ بنی المصطلق است که مابین صلح حدیبیه و جنگ تبوک می‌شود و بعد از سوره حج نازل شده است.<sup>۲</sup>

### فضای نزول

سوره منافقون در فضایی نازل شد که بین مهاجران و انصار بعد از جنگ بنی المصطلق اختلافی پیش آمد.

عبدالله بن اُبی با دمیدن در این اختلاف درصدد شعله‌ور کردن آتش آن بود که درنهایت با هوشیاری پیامبر ﷺ و مسلمانان فتنه خاموش گشت. هرچند عبدالله بن اُبی و دیگر منافقان همراه او از کار خود تبری جستند، خداوند با نزول این سوره از نیات باطنی آن‌ها پرده برداشت و آنان را کاملاً رسوا کرد.

### ترتیب در مصحف

سوره منافقون شصت و سومین سوره در چپش کنونی قرآن کریم است.

### ویژگی‌های سوره

سوره منافقون از «سور مُفَصَّلَات» است. ابن قتیبه می‌گوید: مفَصَّلَات سوره‌های کوچکی هستند که بعد از «سور مثنائی» آمده‌اند. این که چرا این سوره‌ها را «مفَصَّل» نامیده‌اند به دلیل کوتاه‌بودن آن‌هاست و این که بسیار به واسطه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» از یکدیگر جدا شده‌اند.<sup>۳</sup>

در برخی روایات تأکید زیادی روی این مطلب شده که سوره

۱. فضل بن حسن طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ترجمه حسین نوری همدانی، تهران، فراهانی، ج ۲۵، ص ۳۱.  
۲. عبدالحجّه بلاغی، حجّة التفاسیر و بلاغ

الإکسیر، قم، حکمت، ۱۳۸۶، ص ۲۹.  
۳. محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۴.

«جمعه» و «منافقون» در نماز جمعه خوانده شود و در بعضی روایات آمده که حتی الامکان این دو سوره ترک نشوند.<sup>۱</sup> و باینکه عدول از سوره «توحید» و «کافرون» به سوره های دیگر در قرائت نماز جایز نیست این مسئله درخصوص نماز جمعه استثنا

شده است و عدول از آن ها به سوره «جمعه» و «منافقون» جایز، بلکه مستحب شمرده است. سوره منافقون بیشترین تأکید را بر خطر منافقان دارد.<sup>۲</sup>

### جدول کلمات (۱)

|    |                          |                         |    |                           |   |
|----|--------------------------|-------------------------|----|---------------------------|---|
| ۱  | جَاءَكَ                  | نزد تو آید              | ۱۳ | رَأَيْتَهُمْ              | آنان را ببینی                           |
| ۲  | تَشْهَدُ                 | گواهی می دهد            | ۱۴ | تُعْجِبُكَ                | تو را به شگفت می آورد                   |
| ۳  | وَاللَّهُ يَعْلَمُ       | و خدا می داند           | ۱۵ | وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ | و اگر سخن گویند به سخنانشان گوش فرا دهی |
| ۴  | وَاللَّهُ يَشْهَدُ       | و خدا گواهی می دهد      | ۱۶ | حُسْبُ مُسْنَدَةٍ         | چوب تکیه زده (بر دیوار)                 |
| ۵  | إِنْتَحَدُوا             | گرفته اند               | ۱۷ | يُحْسِبُونَ               | می پندارند                              |
| ۶  | أَيْمَانُهُمْ            | سوگندهایشان             | ۱۸ | كُلَّ صَيْحَةٍ            | هر فریادی                               |
| ۷  | جَنَّةٍ                  | سیر                     | ۱۹ | أَخَذَرَهُمْ              | از آنان بهره یز                         |
| ۸  | صَدُّوا                  | بازداشته اند            | ۲۰ | قَاتَلَهُمُ اللَّهُ       | خدا آنان را بکشد                        |
| ۹  | سَاءَ                    | بد است                  | ۲۱ | أَلَيْ يُوَفِّكُونُ       | چگونه آنان را منحرف می کنند             |
| ۱۰ | مَا كَانُوا يَغْمَلُونَ  | همواره انجام می دهند    | ۲۲ | عَدُوُّ                   | دشمن                                    |
| ۱۱ | طَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ | بر دل هایشان مهر زده شد | ۲۳ | كَأَنَّ                   | گویی                                    |
| ۱۲ | هُمْ لَا يَفْقَهُونَ     | آن ها نمی فهمند         | ۲۴ | كَاذِبُونَ                | دروغ گویند                              |

۱. عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۲۱.

۲. محمد علی رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۸، ج ۲۱، ص ۴۷.

الف) گزینۀ صحیح را علامت بزنید.

۱. وَاللَّهُ يَعْلَمُ - وَاللَّهُ يَشْهَدُ

الف) سوگند که خدا می‌داند - سوگند که خدا گواهی می‌دهد

ب) و خدا می‌داند - و خدا گواهی می‌دهد

۲. جَاءَكَ - تُعْجِبُكَ

الف) نزد تو آیند - به شگفت می‌آورد تو را

ب) آمدند - تعجب کردند

۳. جَنَّةٌ - سَاءَ

الف) سپر - بد است

ب) بهشت - آسایش

۴. رَأَيْتُهُمْ - أَيْمَانُهُمْ

الف) دیدنشان - ایمانشان

ب) آنان را ببینی - سوگندهایشان

۵. اتَّخَذُوا - صَدُّوا

الف) گرفته‌اند - بازداشته‌اند

ب) گرفتار شده‌اند - مصدوم شده‌اند

۶. يَحْسَبُونَ - اخَذَرَهُمْ

الف) می‌پندارند - می‌ترسند

ب) می‌پندارند - از آنان بپرهیز

۷. نَشْهَدُ - كَاذِبُونَ

الف) گواهی می‌دهیم - دروغ می‌گوییم

ب) گواهی می‌دهیم - دروغ گویند

۸. عَدُوٌّ - كَانَّ

الف) دشمن - گویی

ب) دوست - شاید

ب) ترکیب‌ها و عبارات کوتاه زیر را ترجمه کنید.

وَاللَّهُ يَعْلَمُ:

وَاللَّهُ يَشْهَدُ:

وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ:

خُشْبٌ مُسْنَدَةٌ:

مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ:

أَنْتَى يُؤْفَكُونَ:

فَاتَلَّهُمُ اللَّهُ:

هُمْ لَا يَفْقَهُونَ:

طَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ:

كُلَّ صَيِّحَةٍ:



وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوُوا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ (۵)  
 سِوَاءَ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ  
 (۶) هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفُسُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ  
 وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَقْنَهُونَ (۷) يَقُولُونَ لَنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا  
 الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۸)

### جدول کلمات (۲)

|    |                                     |  |    |   |                          |
|----|-------------------------------------|--|----|---|--------------------------|
| ۱  | إِذَا قِيلَ لَهُمْ                  | زمانی که به آنان گویند                           | ۱۳ | لَا تُنْفِقُوا                            | اتفاق نکنید              |
| ۲  | تَعَالَوْا                          | بیایید   | ۱۴ | حَتَّى يَنْفُسُوا                         | تا اینکه پراکنده شوند    |
| ۳  | يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ                 | برای شما آمرزش بخواند                            | ۱۵ | خَزَائِنُ                                 | خزانه‌ها                 |
| ۴  | لَوُوا                              | می گردانند                                       | ۱۶ | إِنْ رَجَعْنَا                            | اگر بازگردیم             |
| ۵  | رُءُوسَهُمْ                         | سرهایشان   | ۱۷ | يُخْرِجَنَّ                               | حتماً بیرون می راند      |
| ۶  | يَصُدُّونَ                          | اعراض می کنند                                    | ۱۸ | الْأَعَزُّ                                | نیرومندتر                |
| ۷  | مُسْتَكْبِرُونَ                     | متکبران  | ۱۹ | الْأَذَلُّ                                | نانوان تر                |
| ۸  | سِوَاءَ                             | مساوی است  | ۲۰ | وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ | ولی منافقان نمی دانند    |
| ۹  | أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ               | چه آمرزش بخوای برای آنها                         | ۲۱ | عِنْدَ                                    | نزد                      |
| ۱۰ | أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ       | یا آمرزش نخواهی برای آنها                        | ۲۲ | لِلَّهِ                                   | برای خداست               |
| ۱۱ | لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ        | خدا هرگز آنان را نمی آمرزد                       | ۲۳ | وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَقْنَهُونَ | ولی منافقان آگاهی ندارند |
| ۱۲ | لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ | مسلمان خدا مردم بدکار و نافرمان را هدایت نمی کند | ۲۴ | الْعِزَّةُ                                | نیرومندی                 |

### پرسش‌ها

الف) گزینۀ صحیح را علامت بزنید.

۱. تَعَالَوْا - لَوُوا

الف) بیایید - می گردانند

ب) بیایید - لو دهید

۲. اِنْ رَجَعْنَا - يُخْرِجَنَّ

(الف) اگر بازگردیم - اگر خارج شدیم

(ب) اگر بازگردیم - حتماً بیرون می راند

۳. رُءُوسَهُمْ - مُسْتَكْبِرُونَ

(الف) سرهایشان - متکبران

(ب) سرهایتان - متکبران

۴. الْأَعْزُ - الْأَذَلُّ

(الف) نیرومندتر - رذل تر

(ب) نیرومندتر - ناتوان تر

۵. خَزَائِنُ - سَوَاءٌ

(الف) خزانه ها - بد است

(ب) خزانه ها - مساوی است

۶. عِنْدَ - لِلَّهِ

(الف) نزد - خدا

(ب) نزد - برای خدا

(ب) ترکیب ها و عبارات کوتاه زیر را ترجمه کنید.

إِذَا قِيلَ لَهُمْ:

يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ:

أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ:

أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ:

لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ:

لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ:

حَتَّى يَنْفَضُّوا:

لَنْ رَجَعْنَا:

وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ:

وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (٩) وَأَنْتِفُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصْدَقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ (١٠) وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (١١)

### جدول کلمات (۳)

|    |                                   |                                 |    |  |   |
|----|-----------------------------------|---------------------------------|----|--|---|
| ۱  | يَا أَيُّهَا<br>الَّذِينَ آمَنُوا | ای کسانی که<br>ایمان آوردید     | ۱۳ | أَصْدَقَ                               | صدقه دهم  |
| ۲  | لَا تُلْهِكُمْ                    | شما را غافل<br>نکند             | ۱۴ | أَكُنْ                                 | باشم  |
| ۳  | أَوْلَادُكُمْ                     | فرزندانتان                      | ۱۵ | وَأَكُنْ مِنَ<br>الصَّالِحِينَ         | و از شایستگان<br>باشم                           |
| ۴  | وَمَنْ يَفْعَلْ<br>ذَلِكَ         | کسانی که آن را<br>انجام می دهند | ۱۶ | وَلَنْ يُؤَخِّرَ                       | هرگز به تأخیر<br>نخواهد انداخت                  |
| ۵  | هُمُ<br>الْخَاسِرُونَ             | آنان زیانکارند                  | ۱۷ | إِذَا جَاءَ<br>أَجَلُهَا               | زمانی که اجلش فرا<br>رسد                        |
| ۶  | أَنْتِفُوا                        | انفاق کنید                      | ۱۸ | وَاللَّهُ خَبِيرٌ<br>بِمَا تَعْمَلُونَ | و خدا به اعمالی که<br>انجام می دهید<br>آگاه است |
| ۷  | رَزَقْنَاكُمْ                     | روزی شما<br>کرده ایم            | ۱۹ | يَقُولُ                                | می گوید   |
| ۸  | يَأْتِي                           | برسد                            | ۲۰ | عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ                    | از یاد خدا                                      |
| ۹  | أَحَدَكُمْ                        | یکی از شما                      | ۲۱ | أُولَئِكَ                              | آن ها   |
| ۱۰ | الْمَوْتُ                         | مرگ                             | ۲۲ | خَبِيرٌ                                | آگاه  |
| ۱۱ | لَوْلَا أَخَّرْتَنِي              | چرا به تأخیر<br>نینداختی        | ۲۳ | الْخَاسِرُونَ                          | زیانکاران                                       |
| ۱۲ | أَجَلٍ قَرِيبٍ                    | مدتی نزدیک                      | ۲۴ | نَفْسٍ                                 | کس  |

### پرسش ها

الف) گزینۀ صحیح را علامت بنزید.

۱. لَا تُلْهِكُمْ - أَنْتِفُوا

الف) شما را غافل نکند - انفاق کنند

ب) شما را غافل نکند - انفاق کنید

۲. أَوْلَاذُكُم - رَزَقْنَاكُم

الف) فرزندانِتان - روزی شما کرده‌ایم

ب) فرزندانِتان - روزی‌مان کرده‌اید

۳. أَكُنْ - يَأْتِي

الف) باشد - برسد

ب) باشم - برسد

۴. أَصْدَقْ - أَحَدَكُم

الف) صادق باشم - یکی از شما

ب) صدقه دهم - یکی از شما

۵. الْمَوْتُ - الْخَاسِرُونَ

الف) قلعه - زیانکاران

ب) مرگ - زیانکاران

۶. خَيْرٌ - نَفْسٍ

الف) آگاه - کس

ب) دانا - جان

۷. يَقُولَ - أُولَئِكَ

الف) گفت - این‌ها

ب) می‌گوید - آن‌ها

ب) ترکیب‌ها و عبارات کوتاه زیر را ترجمه کنید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا:

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ:

وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ:

وَلَنْ يُؤَخَّرَ:

إِذَا جَاءَ أَجْلُهَا:

وَاللَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ:

هُمُ الْخَاسِرُونَ:

لَوْلَا أَخَّرْتَنِي:

# مكتب انقلاب

أَجَلٌ قَرِيبٌ:  
أَنْ يَأْتِي:  
عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ:

مكتب انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره هشتم



# سبک زندگی اسلامی

مکتب اقبال  
احمدیہ



## کارکردهای معنویت

در خانواده و راهکارهای ارتقای آن



### مقدمه

معنویت ستونی ناپیدا در ساختار خانواده بوده و نقشی حیاتی در ایجاد همبستگی، تاب آوری و آرامش ایفا می کند. در جهان امروز که خانواده ها با چالش هایی مانند فردگرایی، بحران های عاطفی و فشارهای اجتماعی روبه رو هستند، معنویت با تقویت پیوندهای عاطفی، معنابخشی به روابط و تسهیل مدیریت بحران ها، پناهگاهی امن برای اعضا فراهم می سازد. آموزه های معنوی، از طریق انتقال ارزش هایی مانند گذشت، احترام و مسئولیت پذیری، بنیان

خانواده را استحکام می بخشند و به زندگی روزمره عمق و هدفمندی می افزایند.

این نوشتار دو هدف اصلی را دنبال می کند: ۱. بررسی کارکردهای معنویت در خانواده، ازجمله تقویت عواطف، مدیریت بحران ها، و انتقال اخلاقیات؛ ۲. ارائه راهکارهای عملی برای نهاده سازی معنویت در زندگی خانوادگی.

### ۱. تعریف معنویت

مقام معظم رهبری دامت برکات در تعریف معنویت می فرمایند: «معنویت به معنای برجسته کردن ارزش های معنوی، از قبیل اخلاص، ایثار، توکل،

مهم‌ترین ویژگی‌های معنویت، باور به وجود خداوند سبحان، اعتقاد به معاد و تسلیم در برابر فرامین الهی است.

به معاد و تسلیم در برابر فرامین الهی است. اگر این امور در میان اعضای خانواده وجود داشته باشد، می‌توان فضای آن خانواده را معنوی و روحانی دانست.

## ۲. نقش معنویت در همبستگی خانواده

خانواده نخستین نهاد اجتماعی بوده و نقش کلیدی در شکل‌دهی به هویت و باورهای اعضای خود دارد. در این میان، معنویت به عنوان عاملی فراتر از مناسبات مادی، می‌تواند با ایجاد اشتراکات ارزشی، همدلی و همدفندی، همبستگی خانواده را تقویت کند. خانواده‌هایی که فعالیت‌های معنوی مشترکی مانند نیایش جمعی، مراسم شکرگزاری یا گفت‌وگو درباره مفاهیم اخلاقی را در برنامه‌های خود جای می‌دهند، از سطح اعتماد و صمیمیت بالاتری برخوردارند.

برای نمونه، در بحران‌هایی مانند بیماری یا ازدست دادن عزیزان،

ایمان و... در خود و در جامعه است.<sup>۱</sup>

در جای دیگری می‌فرمایند: «عنصر معنویت، ایمان و تقوا و پاکی و پاکدامنی و طهارت دل و نورانیت دل و مجذوب معارف الهی شدن است.»<sup>۲</sup>

از نظر امام خمینی ره، معنویت به معنای یاد خداوند و توجه به خدای تبارک و تعالی و اتصال به مبدأ وحی و ارتباط قلبی و باطنی با خداست.

از چکیده سخن امام خمینی ره و مقام معظم رهبری دامت‌تعالی در مفهوم معنویت این چند کلمه برداشت می‌شود: «معنویت، روح دین‌داری در انسان و پیوند قلبی و ایمانی با خدای تبارک و تعالی است.»

مهم‌ترین ویژگی‌های معنویت، باور به وجود خداوند سبحان، اعتقاد

۲. بیانات امام خامنه‌ای دامت‌تعالی در دیدار با دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکلات دانشجویی، ۱۳۸۵/۷/۲۵، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3357>

۱. بیانات امام خامنه‌ای دامت‌تعالی در بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

خانواده نخستین و تأثیرگذارترین نهاد اجتماعی بوده و نقشی کلیدی در شکل دهی ارزش ها، تاب آوری عاطفی و همبستگی اعضا ایفا می کند.

### ۳-۱. تحولات اجتماعی و

#### چالش های مدرن

جامعه امروز با پدیده هایی مانند فردگرایی افراطی، کاهش تعاملات عمیق خانوادگی و بحران های هویتی روبه روست. فردگرایی به مثابه یک ایدئولوژی مدرن، با تأکید بر استقلال فردی، مسئولیت پذیری جمعی را تضعیف کرده و نرخ طلاق و کاهش میل به تشکیل خانواده را افزایش داده است. خانواده هایی که فعالیت های معنوی مشترک دارند، در مدیریت تعارضات موفق تر عمل می کنند، درحالی که خانواده های فاقد این رویکرد، با گسست عاطفی بیشتری مواجه اند.

ازسوی دیگر، فشارهای اقتصادی و گسترش فناوری، ارتباطات خانوادگی را سطحی ساخته و فضای مجازی با ایجاد حس مقایسه و

باورهای معنوی با تقویت تاب آوری روانی، امکان مدیریت هیجانات منفی و حفظ انسجام خانواده را فراهم می کنند. همچنین، معنویت با ترویج ارزش هایی مانند گذشت، احترام متقابل و مسئولیت پذیری، بستر مناسبی برای انتقال میراث اخلاقی به نسل های بعدی ایجاد می کند. در جامعه ای که فردگرایی و گسست های عاطفی رو به افزایش است، معنویت می تواند پلی برای حفظ پیوندهای عمیق خانوادگی باشد.<sup>۱</sup>

### ۳. ضرورت توجه به معنویت در خانواده

خانواده نخستین و تأثیرگذارترین نهاد اجتماعی بوده و نقشی کلیدی در شکل دهی ارزش ها، تاب آوری عاطفی و همبستگی اعضا ایفا می کند. در وضعیت کنونی که تحولات اجتماعی و چالش های مدرن، بنیان خانواده ها را تهدید می کنند، معنویت به عنوان عامل انسجام بخش، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. این بخش به تحلیل دو محور اصلی می پردازد:

۱. ر.ک. افسانه بختیاری و دیگران، «نقش معنویت بر نظام سلامت خانواده از دیدگاه

اسلام»، نشریه اسلام و سلامت، دوره ۴، ش ۱، ص ۳۸-۲۸.





کارهای خیر، نه تنها پیوندهای عاطفی را تقویت می‌کنند، تاب‌آوری روانی را در مواجهه با چالش‌ها آموزش می‌دهند.

در مقابل، غفلت از نقش تربیتی خانواده و جایگزینی آن با نهادهای موازی مانند مدرسه یا رسانه، به گسست نسلی و کاهش انتقال ارزش‌ها می‌انجامد.

### ۳-۳. معنویت، راهکار مقابله با چالش‌ها

معنویت با ارائه چهارچوبی مبتنی بر ارزش‌های متعالی، راهکارهایی عملی برای تحکیم خانواده ارائه می‌دهد:

**الگوسازی والدین:** عمل به ارزش‌هایی مانند صداقت و بخشش،

انزوای عاطفی، آرامش درونی را مختل می‌کند. این وضعیت، خانواده‌ها را به سمت بحران‌های هویتی سوق داده و نیاز به بازتعریف مفاهیمی مانند همدلی و تاب‌آوری را پررنگ‌تر می‌کند.

### ۳-۲. خانواده، نخستین نهاد تربیتی

خانواده نخستین محیطی است که ارزش‌های اخلاقی و معنوی در آن نهادینه می‌شود. براساس آموزه‌های اسلامی، خانواده «کانون آرامش» و محور انتقال ارزش‌هایی مانند احترام، گذشت و مسئولیت‌پذیری است.<sup>۱</sup>

خانواده‌های معنوی با انجام فعالیت‌هایی مانند نیایش جمعی، گفت‌وگوهای اخلاقی و مشارکت در

بیست‌وسومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مدیریت، اقتصاد و توسعه، ۱۴۰۳.

۱. ر.ک. جواد جعفری و دیگران، «نقش خانواده در تربیت: با رویکرد اسلامی»،

تقویت می‌شود.

معنویت و دین با تأکید بر اصولی مانند صداقت و گذشت، بستری برای کاهش سوءتفاهم‌ها و افزایش احترام متقابل فراهم می‌کند. فعالیت‌های مشترک معنوی مانند دعا‌های جمعی یا شکرگزاری، فرصتی برای بیان احساسات و همدلی در بحران‌ها ایجاد می‌کند.

معنویت و دین با تأکید بر اصولی مانند صداقت و گذشت، بستری برای کاهش سوءتفاهم‌ها و افزایش احترام متقابل فراهم می‌کند.

#### ۴-۲. منابع‌بخشی به زندگی خانوادگی

معنویت با ایجاد چهارچوبی ارزشمند، زندگی خانوادگی را از روزمرگی خارج کرده و به آن عمق و هدفمندی می‌بخشد. در ادامه، به دو کارکرد کلیدی معنویت در این زمینه می‌پردازیم:

#### ۴-۲-۱. هدفمندی روابط و کاهش تعارضات بی‌هدف

معنویت با تعریف مأموریت مشترک

الگوی عملی برای فرزندان می‌شود.

**فعالیت‌های مشترک:** برگزاری مراسم هفتگی مانند خواندن ادعیه یا مشارکت در کارهای خیر.

**گفت‌وگوهای معنوی:** ایجاد فضای امن برای بحث درباره مفاهیمی مانند «هدف زندگی» یا «مسئولیت‌پذیری».

#### ۴. کارکردهای معنویت و دین‌داری در خانواده

از دیدگاه اسلامی، قرآن هدف اصلی ازدواج را آرامش معرفی می‌کند و بر نقش مذهب در تحکیم روابط زناشویی تأکید می‌نماید. نیایش و دین‌داری نه تنها بر روح و جسم تأثیر می‌گذارند، حس اخلاقی و عرفانی را در خانواده تقویت می‌کنند.<sup>۱</sup> در ادامه به مهم‌ترین کارکردهای معنویت در خانواده اشاره می‌شود.

#### ۴-۱. تقویت پیوندهای عاطفی

معنویت با ایجاد فضایی مبتنی بر اعتماد، احترام و همدلی، پیوندهای عاطفی میان اعضای خانواده را عمق می‌بخشد. این کارکرد از طریق اشتراک‌گذاری ارزش‌های مشترک و انجام فعالیت‌های معنوی جمعی

یک وظیفه اجتماعی نیست، بلکه پیمانی مقدس است.

### ۳-۴. مدیریت بحران‌ها و مشکلات

خانواده‌ها در طول زندگی خود با بحران‌هایی مانند بیماری، فقر یا ازدست‌دادن عزیزان مواجه می‌شوند. منبع قدرتمند معنویت، تاب‌آوری روانی و عاطفی را برای عبور از این چالش‌ها تقویت می‌کند. این بخش به نقش معنویت در مدیریت بحران‌ها و نمونه‌های عملی آن می‌پردازد.

### ۱-۳-۴. تاب‌آوری در مواجهه با بحران‌ها

باورهای معنوی با ارائه چهارچوبی برای درک رنج‌ها و پذیرش آن‌ها، به

برای خانواده، روابط را از سطحی‌گرایی به سمت تعاملات معنادار سوق می‌دهد. برای مثال، باور به مفاهیمی مانند «خدمت به دیگران» یا «رشد اخلاقی جمعی»، اعضا را به همکاری و حمایت متقابل ترغیب می‌کند.

### ۲-۲-۴. نقش باورهای معنوی در پذیرش مسئولیت‌ها

باورهای معنوی با تقویت حس تعهد اخلاقی، مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده را افزایش می‌دهند. مفاهیمی مانند «امانت الهی» در تربیت فرزندان یا «پاسخ‌گویی در قبال اعمال» در اسلام، به افراد یادآوری می‌کنند که نقش‌های خانوادگی فقط



آموزش مستقیم و مشارکت در فعالیت‌های معنوی محقق می‌شود.

## ۴-۵. ایجاد آرامش درونی و کاهش استرس

معنویت که روح دیانت است، با ارائه ابزارهایی مانند دعا و نیایش، نقش کلیدی در کاهش استرس و اضطراب و ایجاد آرامش پایدار درونی ایفا می‌کند. این کارکرد به‌ویژه در جهان پرشتاب امروز، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ سلامت روان خانواده‌ها است.

نیایش در فرهنگ اسلامی، با ایجاد حس ارتباط با خداوند، اضطراب‌ها را به «آرامش و قرار» تبدیل می‌کند. قرآن کریم در سوره رعد می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸)؛ آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

نیایش در فرهنگ اسلامی، با ایجاد حس ارتباط با خداوند، اضطراب‌ها را به «آرامش و قرار» تبدیل می‌کند.

## ۵. راهکارهای ارتقای معنویت در خانواده

### ۵-۱. الگوسازی معنوی

والدین نخستین الگوهای رفتاری

خانواده‌ها کمک می‌کنند تا بحران‌ها را نه به‌عنوان پایان، بلکه به‌مثابه فرصتی برای رشد ببینند.

برای نمونه، در فرهنگ اسلامی، مفهوم صبر عاملی برای تحمل درد و یافتن معنای عمیق‌تر در رنج‌ها معرفی شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ... وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵)؛ قطعاً شما را با چیزی از ترس و گرسنگی... می‌آزماییم و بشارت ده به صابران! این نگرش، پذیرش شرایط سخت را تسهیل می‌کند.

مثلاً برای صبر در فقدان عزیزان، مراسمی مانند ختم قرآن یا دعا‌های دسته‌جمعی به بازماندگان کمک می‌کند تا غم ازدست‌دادن را در چهارچوبی معنایی پذیرفته و احساس حمایت جمعی را تجربه کنند.

### ۴-۴. انتقال ارزش‌های اخلاقی

معنویت و ایمان به حق تعالی محور اصلی انتقال ارزش‌های اخلاقی در خانواده بوده و ابزاری قدرتمند برای نهادینه‌سازی فضیلت‌هایی مانند صداقت، گذشت و احسان است. این فرایند از طریق الگوسازی،

قهرمانان و الگوهای برجسته در عرصه‌های اخلاق و معنویت را همچنان در شعاع نگاه خویش می‌گیرند و به آنان می‌اندیشند؛ قهرمانانی که فقط به فرهنگ، ملت یا قوم خاصی تعلق ندارند، بلکه متعلق به بشریت‌اند. براین اساس، چنانچه زندگی‌نامه الگوها و اسوه‌های اخلاق و معنویت به شکلی جذاب و آموزنده به این نسل ارائه شود، آنان قادرند

فرزندان بوده و نقشی محوری در نهادینه‌سازی معنویت و اخلاق در خانواده ایفا می‌کنند. کودکان با مشاهده و تقلید از رفتارهای والدین، باورها و ارزش‌های معنوی را درونی می‌سازند. والدینی که به صورت عملی به اصول معنوی، مانند راست‌گویی، بخشش، یا مشارکت در امور خیریه پایبندند، الگوهایی زنده برای فرزندان محسوب می‌شوند.



بخشی از هویت خویش را در الگوها و اسطوره‌های مطلوبشان بیابند. سهم خانواده‌ها و اولیای مدارس در معرفی و ارائه الگوها و اسطوره‌های راستین و برجسته به نوجوانان و جوانان، غیرقابل مقایسه با دیگر نهادها و مراکز تربیتی بوده و اغلب آثار آن ماندنی و پابرجا خواهد بود.

## ۵-۲. فعالیت‌های مشترک معنوی

برگزاری مراسم گروهی مثل هیئت هفتگی و قرائت دعا و زیارت‌ها، با

والدین با پرهیز از غیبت، دروغ و تبعیض، فضایی از اعتماد و احترام متقابل ایجاد می‌کنند. والدینی که نماز را به صورت جمعی و با حضور فرزندان می‌خوانند، عملاً اهمیت عبادت را آموزش می‌دهند. همچنین، بحث درباره موضوعاتی مانند «اهمیت صداقت» پس از مشاهده یک فیلم یا رویداد اجتماعی، با استناد به آیات قرآن، می‌تواند تأثیر خوبی بر فرزندان داشته باشد. کودکان، نوجوانان و جوانان،



استناد به آیات قرآن مانند آیه ۵۶ سورة ذاریات: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ و جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه مرا پرستند.» یا بحث درباره مسئولیت پذیری با اشاره به حدیثی از امام علی (ع): «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ همه شما مسئولید و درباره زیردستانتان بازخواست می شوید» می تواند به این امر کمک کند.

**۴-۵. مشارکت در کارهای خیر**  
انجام فعالیت های داوطلبانه یا کمک به نیازمندان به صورت خانوادگی، نه تنها روحیه همکاری را تقویت می کند، حس مسئولیت پذیری و همدلی را در اعضا نهادینه می سازد. مشارکت در پخت نذری یا توزیع غذا میان نیازمندان در ماه رمضان، به عنوان فعالیتی معنوی و جمعی، می تواند یکی از این مصداقها باشد.

**۵-۵. تبیین آثار معنویت و دین داری در زندگی**  
آموزش زندگی توأم با معنویت، بخشی

از وظایف والدین در قبال فرزندان محسوب می شود. امروزه، آموزش

آموزش زندگی توأم با معنویت، بخشی از وظایف والدین در قبال فرزندان محسوب می شود.

ایجاد حس همبستگی و اشتراک ارزش ها، نقش مهمی در تقویت روحیه جمعی و عمق بخشی به روابط خانوادگی ایفا می کنند. این فعالیت ها با تکیه بر سنت های دینی و روان شناسی اجتماعی، به عنوان ابزاری برای تحکیم پیوندهای عاطفی شناخته می شوند. برگزاری مراسمی مانند دعای کمیل، دعای توسل، حدیث کسا یا خواندن دسته جمعی قرآن، نه تنها آرامش درونی را افزایش می دهد، خانواده را حول محور معنویت متحد می سازد. خواندن مشترک کتاب های معنوی مانند نهج البلاغه و صحیفه سجادیه، زمینه ای برای گفت وگوهای عمیق درباره مفاهیم اخلاقی و معنوی فراهم می کند.

**۳-۵. گفت وگوهای معنوی**  
ایجاد فضای امن برای بحث درباره مفاهیمی مانند هدف زندگی، مسئولیت پذیری و گذشت، نقش کلیدی در تقویت درک مشترک و تعمیق باورهای معنوی در خانواده دارد.

گفت وگو درباره «هدف زندگی» با

مهارت های زندگی یکی از وظایف نهادها و مراکز مرتبط با خانواده محسوب می شود. این گونه آموزش ها اغلب شامل سلسله مباحثی است که خانواده ها را در ایفای وظیفه شهروندی یاری می کند. خانواده ها نیز متقابلاً وظیفه آموزش مهارت های زندگی و شهروندی را در قبال فرزندان شان ایفا می کنند و از جمله مهارت ها، تبیین آثار معنویت در زندگی است. آنان می توانند چنین آموزشی را به صورت بررسی مقایسه ای میان دو نوع حیات معنوی و حیات مادی برای فرزندان ترتیب دهند.

گفتنی است چنین آموزشی باید به شیوه ای جذاب، روان و قابل فهم صورت گیرد تا مورد اقبال فرزندان واقع شود. نکته مهم در توجیه چنین شیوه ای، تمایل درونی و جدی نوجوانان و جوانان به آشنایی با تأثیر شیوه های گوناگون زندگی است که از جمله شامل زندگی معنوی و آثار آن نیز می باشد. از این رو، براساس این واقعیت، چنین روشی برای تقویت بنیاد خانواده، مفید و مؤثر تلقی می شود.

## ۵-۶. حضور در مساجد و اماکن مذهبی

یکی از مهارت های معنویت افزایی در خانواده، حضور اعضای خانواده — به ویژه فرزندان — در مساجد است؛ زیرا در این مکان مقدس نماز، دعا و توسل به اهل بیت (ع) شکل می گیرد که معنویت گرایی آنان را به دنبال دارد. قداست مسجد نیز در معنویت گرایی فرزندان تأثیرگذار است.

در آیات و روایات بر جایگاه و قداست مسجد تأکید شده است: «یا بَنی آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ (اعراف: ۳۱)؛ ای فرزندان آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید.» قرآن مسجد را کانون و پایگاهی برای عبادت دانسته و فرموده است: «وَ مَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا (حج: ۴۰)؛ و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می شود.» رسول خدا (ص) نیز درباره اهمیت مسجد فرموده است: «الْمَسْجِدُ مَجَالِسُ الْأَنْبِيَاءِ؛<sup>۱</sup> مسجد مجلس انبیاست.»

از مجموع آیات و روایت بالا چنین استفاده می شود که حضور نوجوانان،

۱. حسین بن محمدنقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسة

آل بیت (ع)، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۳۶۳.

جوانان و کودکان در مسجد برای برنامه‌های عبادی مانند دعا و نماز جماعت و دیگر برنامه‌های دسته‌جمعی موجب علاقه‌مندی آنان به امور معنوی می‌شود. شهید مطهری معتقد است: «بچه را باید در محیط مشوق نماز خواندن برد. به تجربه ثابت شده است که اگر بچه به مسجد نرود، اگر در جمع نباشد و نماز خواندن جمع را نیند، به این کار تشویق نمی‌شود؛ چون اصلاً حضور در جمع، مشوق انسان است.»<sup>۱</sup>

حتی در غرب که روح دیانت و معنویت کاهش یافته است، پژوهش‌های جدید نیز بیانگر آن است که جوانان کاتولیک که از دامن مادران مذهبی برخاسته‌اند، نسبت کوچکی را در میان بزهکاران حائز

بوده‌اند؛

در صورتی که جوانانی که در دامن مادرانی تربیت شده‌اند که به طور نامنظم به کلیسا

می‌رفتند یا اصلاً به کلیسا نمی‌رفتند

نسبت بالاتری را دارا بودند.<sup>۲</sup> البته، برای ایجاد دلبستگی فرزندان به مسجد و حضور در آن مناسب است تشویق‌هایی حتی مادی و از نوع پذیرایی‌های مختصر جزو برنامه‌های مسجد قرار گیرد. آیت‌الله حائری شیرازی رحمته‌الله می‌گوید: «تحقیق کردیم چرا در شهر استهبانات مسجدها پر از بچه است. دیدیم مزرعه‌هایی در آنجاست که بادام و گردویش، نذر بچه‌هایی است که مسجد بروند؛ یعنی وقتی فصل گردو و بادام است، این‌ها را داخل گونی می‌کنند و به خادم مسجد می‌دهند. این خادم به هر بچه‌ای که به مسجد می‌آید، یک گردو و بادام می‌دهد.»<sup>۳</sup>

مرحوم آیت‌الله مجتهدی نیز می‌فرمود: «در گذشته زمانی که

مسجیدی ساخته

می‌شد، در حیاط آن

چند درخت توت هم

کاشته می‌شد. بچه‌ها

در بهار به نیت خوردن

توت به مسجد

می‌آمدند، ولی بعد از مدتی حضور

برای ایجاد دلبستگی فرزندان به مسجد و حضور در آن مناسب است تشویق‌هایی حتی مادی و از نوع پذیرایی‌های مختصر جزو برنامه‌های مسجد قرار گیرد.

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، همان، ج

۲۳، ص ۵۳۰.

۲. عشرت رنجبر، «روش‌های جذب جوانان»،

مجله افق تبلیغ، ش ۱، زمستان ۱۳۹۸، ص ۹۱.

۳. روزنامه قدس، «وقف و نذر برای تشویق

نوجوانان به نماز»، ش ۱۴۰۲۰۵۱۷.

برای آن‌ها در این فضا از خوردن توت‌ها هم شیرین‌تر می‌شد. می‌آمدند، دل‌بسته مسجد می‌شدند و می‌ماندند. این یعنی ایجاد رغبت و تشویق!»<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

معنویت، دین‌داری و روح ایمان، به عنوان ستون فقرات خانواده‌های سالم، کارکردهای کلیدی از جمله: تقویت پیوندهای عاطفی، معنابخشی به زندگی، مدیریت بحران‌ها، انتقال ارزش‌های اخلاقی، و ایجاد آرامش درونی را ارائه می‌دهد. این کارکردها نه تنها تاب‌آوری خانواده را در برابر چالش‌های مدرن افزایش می‌دهند،

روابط را از سطحی‌گرایی به‌سوی عمق و هدفمندی سوق می‌دهند. ارتقای معنویت در خانواده، نیازمند برنامه‌ریزی نظام‌مند و تلفیق پنج رکن است: ۱. الگوسازی عملی از سوی والدین؛ ۲. فعالیت‌های مشارکتی برای کارهای خیر؛ ۳. گفت‌وگوی دوسویه؛ ۴. تبیین آثار معنویت در زندگی؛ ۵. پیوند با نهادها و مراکز مذهبی.

### برای تفکر بیشتر

به نظر شما، چه راهکارهای دیگری برای ارتقای معنویت در خانواده وجود دارد؟



۱. پایگاه خبری تحلیلی ۵۹۸، «شش راهکار

تربیت فرزندان ولایی»، کد خبر ۲۶۰۶۳۱.

## از هم خانه‌های غریبه تا همدم‌های دوباره؛ واکاوی علل طلاق عاطفی و راهکارهای پیشگیری و درمان آن



تأحذی که پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«به‌حدی به من درباره زن سفارش شد که گمان کردم طلاق دادن زن جز در صورت ارتکاب زنا ازسوی او، سزاوار نیست.»<sup>۳</sup>

در بیان دیگری می‌فرماید: «هیچ چیز نزد خداوند محبوب‌تر از خانه‌ای نیست که به‌سبب ازدواج آباد می‌شود و هیچ چیز مغبوض‌تر از خانه‌ای نیست که در اسلام به‌سبب طلاق خراب می‌شود.»<sup>۴</sup>

### ۱. مفهوم‌شناسی طلاق

طلاق در لغت به‌معنای رهانیدن، گشودن قیدوبند، جدایی و جداشدن است و در اصطلاح شرع به‌معنای ازین‌بردن عقد ازدواج و گسست پیوند زناشویی است.<sup>۱</sup> طلاق در اسلام جایز بوده، اما شدیداً مکروه شمرده شده است.<sup>۲</sup> در معارف اسلامی، از طلاق با عنوان منفورترین حلال پیش خداوند یاد شده است. از کلمات اولیای دین اسلام نیز زشتی و فاجعه‌آمیزی طلاق استفاده می‌شود،

۳. همان، ج ۵، ص ۵۱۲.

۴. محمد بن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۲۰، ص ۷: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُعْمَرُ بِالنِّكَاحِ وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ مِنْ بَيْتٍ يُخْرَبُ فِي الْإِسْلَامِ بِالْفُرْقَةِ يَغْنِي الطَّلَاقُ».

۱. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، تصحیح محمد قوچانی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۲، ج ۳۲، ص ۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۶، ص ۵۴: «مَا مِنْ شَيْءٍ مِمَّا أَحَلَّهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَبْغَضَ إِلَيْهِ مِنَ الطَّلَاقِ وَإِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْمُطَّلَاقَ الذَّوْقُ».



امام صادق علیه السلام نیز در مذمت طلاق می فرماید: «ازدواج کنید و هرگز طلاق

ندهید؛ زیرا عرش خداوند از وقوع طلاق می لرزد.»<sup>۱</sup>

## ۲. طلاق عاطفی و شاخصه های آن

از معارف اسلامی برمی آید طلاق فقط برای موارد اضطراری قرار داده شده و آمار کنونی آن یک تورم ناهنجار است. باین حال، طلاق به موارد رسمی و شرعی اش خلاصه نمی شود و یک نمونه خاموش هم دارد که طلاق عاطفی نامیده می شود. طلاق عاطفی پدیده ای پنهان و ثبت نشده در زندگی بسیاری از زوج ها است. در این نوع طلاق اگرچه زن و شوهر به دلیل مسائلی چون داشتن فرزند، نگاه منفی اطرافیان و جامعه، و فشارهای اجتماعی، به طور رسمی از هم جدا نمی شوند، اما بدون هیچ احساس و عاطفه ای نسبت به هم و فقط به صورت هم خانه به زندگی خود

از معارف اسلامی برمی آید طلاق فقط برای موارد اضطراری قرار داده شد.

ادامه می دهند.<sup>۲</sup> این پدیده با نشانه های متعددی همراه است که برخی از مهم ترین

آن ها عبارت اند از:

### الف) کاهش ارتباط مؤثر و صمیمیت

۱. گفت وگوهای محدود و سطحی: گفت وگوها به مسائل روزمره (مانند خرید خانه یا برنامه های معمول) محدود می شود و زوجین تمایلی به بحث در مورد مسائل عمیق تر زندگی، فرزندان یا حل مشکلات ندارند؛
۲. کاهش محبت و توجه عاطفی: نوازش، تماس چشمی، و ابراز علاقه متقابل به حداقل می رسد یا کاملاً قطع می شود؛
۳. فقدان رابطه فیزیکی: رابطه زناشویی یا به شدت کاهش می یابد یا به کلی متوقف می شود.

### ب) رفتارهای دوگانه در جمع و خلوت

۱. ظاهر متحد در جمع: زوجین در حضور دیگران (مهمانی ها،

با تصویر بدنی و کمال گرایی»، فصلنامه مطالعات روان شناختی، دوره ۱۰، ش ۴، بهمن ۱۳۹۳، ص ۱۱۹-۱۳۶.

۱. همان، ج ۲۲، ص ۸: «تَزَوَّجُوا وَلَا تَطْلُقُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ يَهْتَرُ مِنْهُ الْعَرْشُ».  
۲. ساره زمانی و دیگران، «رابطه طلاق عاطفی

ت) فاصله‌گیری عاطفی و بی‌توجهی

۱. عدم تمایل به حل تعارض: زوجین ترجیح می‌دهند به جای گفت‌وگو و رفع مشکلات، از یکدیگر فاصله بگیرند؛

۲. بی‌توجهی به نیازهای همسر: هر یک از طرفین فقط به خواسته‌ها و آرزوهای خود توجه دارد و به عقاید، احساسات و مشکلات دیگری بی‌تفاوت است؛

۳. کاهش اعتماد متقابل: اعتماد بین زن و شوهر کاهش یافته و هر یک ممکن است احساس کنند دیگری حامی او نیست.

ث) سهل‌انگاری در مسئولیت‌های مشترک

۱. عمل نکردن به وظایف زنشویی: هر یک از زوجین در انجام مسئولیت‌های خود در قبال همسر و زندگی مشترک کوتاهی می‌کنند؛

۲. بی‌توجهی به آینده رابطه: برنامه‌ریزی‌های مشترک (مانند

خانواده‌ها) رفتاری متحد و عادی دارند، اما در خلوت هیچ اشتراک عاطفی یا فعالیت مشترکی ندارند؛

۲. لذت نبردن از همراهی یکدیگر: زمان‌هایی که قبلاً به باهم بودن اختصاص می‌دادند (مثل وقت‌گذرانی، سفر یا گفت‌وگوهای دوستانه) کاهش می‌یابد یا حذف می‌شود.

پ) افزایش تعارض‌ها و کاهش احترام متقابل

۱. مشاجرات مکرر و طولانی: بحث‌های لفظی بر سر مسائل کوچک تشدید می‌شود و هیچ‌یک از طرفین تمایلی به کوتاه آمدن ندارد؛

۲. انتقاد و بی‌احترامی: در هنگام دعوا، احترام متقابل حفظ نمی‌شود و طرفین به جای تمرکز بر حل مسئله، به سرزنش یکدیگر می‌پردازند؛

۳. تمرکز بر نقاط منفی: ویژگی‌های مثبت طرف مقابل نادیده گرفته می‌شود و به جای تحسین، انتقاد از رفتارهای یکدیگر افزایش می‌یابد.



پس انداز، تربیت فرزندان، یا اهداف زندگی (کمرنگ یا فراموش می شود. طلاق عاطفی به تدریج روابط

زناشویی را تضعیف می کند و در صورت بی توجهی و درمان نکردن، می تواند به فروپاشی کامل خانواده منجر شود. شناسایی به موقع این نشانه ها و تلاش برای بهبود رابطه (از طریق گفت و گوی سازنده، مشاوره خانواده، یا تغییر رفتارهای فردی) می تواند از تشدید این وضعیت جلوگیری کند.

طلاق عاطفی خصوصاً ازجانب مردهای مؤمن به شدت در روایات اسلامی نهی شده و مفسده آمیز دانسته شده است.

که خود می تواند مشکلات عظیمی به دنبال داشته باشد.<sup>۱</sup> طلاق عاطفی خصوصاً ازجانب

مردهای مؤمن به شدت در روایات اسلامی نهی شده و مفسده آمیز دانسته شده است.<sup>۲</sup>

طلاق افزون بر مشکلات روحی و روانی که برای زن و شوهر و فرزندان پیش می آورد، بر سلامت اجتماع نیز اثر منفی می گذارد.

### ۳. پیامدهای طلاق عاطفی

پیامدهای طلاق عاطفی عمدتاً گریبان گیر زنان و کودکان است. درمورد زنان شامل افسردگی، احساس حقارت، شکست، انزوا، کاهش اعتمادبه نفس و بیماری های عصبی و درمورد کودکان در کنار افسردگی و اضطراب شامل افت تحصیلی، احساس ناامنی، پرخاشگری، الگوبرداری از روابط

### ۴. ریشه ها و علل طلاق عاطفی

طلاق عاطفی، بیماری مزمنی است که به تدریج و بدون نشانه های آشکار، بنیان روابط زناشویی را می فرساید. این پدیده چندبعدی، محصول ترکیب پیچیده ای از عوامل درونی و بیرونی است که در سطوح گوناگون بر رابطه تأثیر می گذارند. از مهم ترین عوامل طلاق عاطفی می توان به موارد

۲۵۷-۲۴۱.

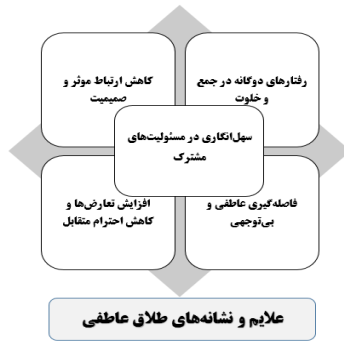
۲. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۴۵۳.

۱. سوسن باستانی و دیگران، «پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی های مواجهه با آن»، فصلنامه خانواده پژوهی دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۷، ش ۲، مهر ۱۳۹۰، ص

زمانی به سردی می‌گراید که دو رکن اساسی آن دچار خدشه شود:

۱. صمیمیت جنسی: تفاوت در سطح میل یا ناتوانی در برقراری ارتباط رضایت‌بخش می‌تواند به ایجاد فاصله عاطفی منجر شود؛

۲. صمیمیت عاطفی: غفلت و بی‌توجهی به نیازهایی مانند احترام، امنیت روانی و قدردانی، رابطه را از درون تهی می‌کند.



زیر اشاره کرد:

### الف) نارسایی‌های ارتباطی

در کانون بسیاری از طلاق‌های عاطفی، ضعف مفرد در مهارت‌های ارتباطی نهفته است. زوج‌هایی که فاقد توانایی بیان روشن نیازها و گوش‌دادن همدلانه هستند، به مرگ تدریجی رابطه خود دامن می‌زنند. این ناتوانی معمولاً در دو سطح ظاهر می‌شود:

۱. فقدان گفت‌وگوی سازنده که منجر به انباشت نارضایتی‌ها می‌گردد؛

۲. نارسایی در ارتباط غیرکلامی، مانند کاهش تماس چشمی، نوازش و دیگر نشانه‌های عاطفی.

### ب) بحران صمیمیت

طلاق عاطفی ریشه در بحران‌ها و مسائل عاطفی دارد. رابطه زناشویی

### پ) فشارهای محیطی

برخی عوامل خارجی می‌توانند به شکل کاتالیزور، سرعت سردی رابطه را افزایش دهند؛ از جمله:

۱. تنش‌های مالی مزمن و بیکاری؛ مشکلات اقتصادی و بیکاری می‌توانند استرس مزمن ایجاد کنند که کیفیت رابطه را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛

۲. مداخلات بیجای اطرافیان در حریم خصوصی زوجین: مداخله خانواده‌ها یا دوستان در امور زناشویی اغلب به ایجاد تنش و تضعیف استقلال رابطه منجر می‌شود.

### ت) انتخاب‌های نادرست

بسیاری از مشکلات بعدی، ریشه در تصمیمات نادرست اولیه دارد:

۵. مقایسه‌های مکرر با دیگران.  
تذکر: این عوامل معمولاً به‌صورت زنجیره‌وار عمل می‌کنند. برای مثال، مشکلات اقتصادی ممکن است به کاهش صمیمیت جنسی بینجامد که خود موجب افزایش تنش و کاهش ارتباط مؤثر می‌شود. تشخیص به‌موقع این چرخه‌های معیوب می‌تواند از تبدیل اختلافات گذرا به بحران‌های پایدار جلوگیری کند.

#### ۵. راهکارهای پیشگیری و درمان

طلاق عاطفی به‌عنوان یکی از مخرب‌ترین آسیب‌های زندگی مشترک، نیازمند راهکارهای هوشمندانه در دو سطح پیشگیری و درمان است. موفقیت در این مسیر مستلزم گذر از دو مرحله کلیدی است: شناسایی و ریشه‌یابی عمیق عوامل ایجادکننده و ارائه راهکارهای متناسب و هدفمند برای هر مشکل.

طلاق عاطفی به‌عنوان یکی از مخرب‌ترین آسیب‌های زندگی مشترک، نیازمند راهکارهای هوشمندانه در دو سطح پیشگیری و درمان است.

۱. ازدواج‌های تحمیلی یا شتاب‌زده: ازدواج‌های اجباری، دیرهنگام یا مبتنی بر معیارهای سطحی، بستر مناسبی برای رشد طلاق عاطفی هستند؛

۲. تفاوت‌های عمیق شخصیتی و ارزشی: ناسازگاری در ویژگی‌های اساسی شخصیت بدون مهارت‌های تعدیل‌کننده می‌تواند رابطه را به بن‌بست بکشاند؛

۳. ازدواج در سنین نامتناسب: ازدواج در سنین نامتناسب تأثیرات منفی در پیوند عاطفی بین افراد می‌گذارد.

#### ث) الگوهای رفتاری مخرب

برخی زوج‌ها ناخواسته در دام رفتارهایی می‌افتند که رابطه را تخریب می‌کند:

۱. اداره نادرست زندگی و نبود مهارت‌های لازم برای تعامل با همسر؛

۲. فقدان مهارت در تحمل مشکلات زندگی؛

۳. شیوه‌های ناسالم حل تعارض مانند پرخاشگری یا انفعال؛

۴. غرق‌شدن در روزمرگی و غفلت از رابطه؛





براساس تلفیق آموزه‌های ناب دینی و یافته‌های علمی روان‌شناسی، برخی از مهم‌ترین راهکارهای مؤثر در این زمینه عبارت‌اند از:

## الف) راهکارهای تحکیم بنیان خانواده

### ۱. تقویت عاطفی

نیاز انسان به عاطفه و محبت یکی از ضروری‌ترین نیازهایی است که از آغاز تا انجام زندگی بشر، با انسان همراه است. هیچ انسانی را نمی‌توان یافت که از محبت و عاطفه گریزان باشد و خود را بی‌نیاز از مهر و محبت دیگران بداند. هرچند ارضای نیازهای عاطفی در محیط‌های دیگر نیز کم‌وبیش میسر است، رضایت‌بخش‌ترین حالت آن در کانون خانواده صورت می‌گیرد؛ زیرا

در این محیط، پایایی، بی‌پیرایی و صداقت عواطف و احساسات، نمودی روشن یافته، عواطف انسانی در آن بهتر رشد می‌کند؛ چیزی که در بیرون از فضای خانواده کمتر می‌توان به آن دست یافت و همین عامل، انسان را به ازدواج و تشکیل خانواده سوق می‌دهد. حتی بسیاری از کسانی که به دلیل نیافتن امنیت و خشنودی لازم به طلاق روی می‌آورند، بار دیگر برای دستیابی به آن هدف، خانواده جدیدی بنا می‌نهند. بنابراین، اگر انسان در زندگی فقط به جنبه‌های ظاهری و جسمانی و جنسی توجه کند و به نیازهای عاطفی همسر توجه ننماید، به یقین، نمی‌تواند زندگی آرام، شاد و موفق داشته باشد.<sup>۱</sup> حتی برای

۱. برخی روان‌کاوان همچون فروید، کوشیده‌اند تمامی میل‌ها و کشش‌های زنان و مردان به جنس مخالف را در غرایز جنسی محدود و محصور کنند؛ اما براساس آموزه‌های دینی، این علقه عاطفی و رحمت و مودت است که

زن و شوهر را به همدیگر پیوند داده، باعث دوام و استحکام کانون خانواده می‌شود. شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «عجیب است که بعضی از افراد نمی‌توانند میان شهوت و رأفت فرق بگذارند؛ خیال کرده‌اند



رسیدن به یک رابطه جنسی مطلوب، ایجاد یک رابطه عاطفی مطلوب سفارش شده است؛ در غیر این صورت، امکان روابط زناشویی مناسب و مطلوب، به ویژه در درازمدت، جای سؤال و تأمل فراوان دارد و بسیاری از اختلافات و درگیری‌ها و مشکلات خانواده‌ها از این امر ناشی می‌شود. بنابراین، برای تقویت بنیان خانواده

و جلوگیری از گسست عاطفی می‌بایست روابط زن و شوهر براساس عشق، محبت، دوستی، مودت و رحمت باشد و هر دو وظیفه دارند تا این رابطه را به بهترین شکل در زندگی خود اجرا کنند تا با شور و نشاط و عشق و علاقه بیشتری به زندگی ادامه دهند. به یقین، ارضای نیاز عاطفی زمینه‌ساز حاکم شدن آرامش در خانه و خانواده، رشد و تکامل و ترقی و

که آن چیزی که زوجین را به یکدیگر پیوند می‌دهد منحصرأ طمع و شهوت است؛ حس استخدام و بهره‌برداری است، همان چیزی است که انسان را با ماکولات و مشروبات و ملبوسات و مرکوبات پیوند می‌دهد. این‌ها نمی‌دانند که در خلقت و طبیعت، علاوه بر خودخواهی و منفعت طلبی علایق دیگری هم هست. آن علایق ناشی از خودخواهی نیست، از علاقه مستقیم به غیر ناشی می‌شود. آن علایق است که منشأ فداکاری‌ها و گذشت‌ها و رنج خود و راحت غیر خواستن‌ها واقع می‌شوند. آن علایق است که نمایش‌دهنده انسانیت انسان است، بلکه

قسمتی از آن‌ها یعنی در حدودی که به جفت و فرزند مربوط است در حیوانات نیز دیده می‌شود. این افراد گمان کرده‌اند که مرد به زن همیشه به آن چشم نگاه می‌کرده و می‌کند که احیاناً یک جوان عزب به یک زن هرچایی نگاه می‌کند؛ یعنی فقط شهوت است که آن دو را به یکدیگر پیوند می‌دهد، در صورتی که پیوندی بالاتر از شهوت هست که پایه وحدت زوجین را تشکیل می‌دهد. آن همان چیزی است که قرآن کریم از آن به نام‌های «مودت و رحمت» یاد کرده است (مرتضی مطهری، مجموعه آثار، همان، ج ۱۹، ص ۱۸۳).

ایفای نقش کند. او وظیفه دارد در مسائل مادی و معنوی و مصالح مشترک خانوادگی،

مسئولیت‌پذیری در خانواده، همان سنگ بنایی است که اگر سست شود، دیوارهای زندگی مشترک ترک برمی‌دارد.

یار و غمخوار دیگر اعضا باشد و با برخورد مسئولانه در حل مشکلات خانواده بکوشد.

مسئولیت‌پذیری در خانواده، همان سنگ بنایی است که اگر سست شود، دیوارهای زندگی مشترک ترک برمی‌دارد. وقتی هر یک از زوجین به وظایف خود در قبال همسر و خانواده عمل نکنند، کم‌کم حلقه‌های اتصال عاطفی سست می‌شود و فاصله‌ها عمیق‌تر می‌گردد. اسلام با تأکید بر حقوق متقابل زوجین، مسئولیت‌پذیری را نه یک تکلیف یک طرفه، که تعاملی دوسویه می‌داند که آرامش و پایداری خانواده در گرو آن است. بنابراین، سلامت و پویایی خانواده در گرو مسئولیت‌پذیری اعضا، به‌ویژه زوجین، می‌باشد. لازمه این کار در درجه نخست، ارتقای بینش و معرفت اعضای خانواده از محدوده وظایف، اختیارات و عملکرد خود، و در گام دوم، تصمیم و اهتمام جدی آن‌ها برای عمل به وظیفه و مسئولیت در کانون خانواده است. در کنار آن،

سعادت همسران خواهد بود. تقویت ارتباط عاطفی در خانواده، نیازمند توجه و کاربست راهکارهای زیر است:

- احترام متقابل و تکریم یکدیگر؛
- ایجاد فضای گفت‌وگوی صمیمانه؛
- ابراز احساسات و محبت عملی (کلامی و غیرکلامی)؛
- اخلاق‌مداری و حسن معاشرت؛
- سازگاری و انعطاف‌پذیری؛
- افزایش کمیت و کیفیت اوقات هم‌نشینی؛
- تقویت روحیه قدردانی و تشکر؛
- درک موقعیت و حمایت از همسر.

## ۲. مسئولیت‌پذیری

از نگاه آموزه‌های دینی، دامنه مسئولیت انسان بسیار وسیع و گسترده است. انسان علاوه بر اینکه در قبال خدا، خود و جامعه مسئول است، در برابر اعضای خانواده خود وظایف و مسئولیت دارد و باید همگام با دیگر اعضای خانواده به‌منظور تحقق اهداف و برنامه‌های خانواده



### ۳. توجه به حقوق و نیازها

اطلاع از حقوق و نیازهای همسر و تلاش برای تأمین آن‌ها از دیگر عواملی است که پایه‌های زندگی مشترک را مستحکم می‌کند. بنابراین، هر یک از زن و مرد باید نیازها و عواطف یکدیگر را بشناسند. رسول خدا ﷺ در اشاره به این حقیقت ضمن هشدار می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِنِسَائِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا وَلَكُمْ عَلَيْهِنَّ حَقًّا»<sup>۱</sup> آگاه باشید که شما را بر زنان حق است و زنان را بر شما حق.

در بیانی دیگر می‌فرماید: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ صَيَّحَ مَنْ يَعُولُ»<sup>۲</sup> ملعون است ملعون است کسی که اهل و عیالش را ضایع کند (خانواده‌اش را واگذارد).

شاید بتوان عمده حقوق و نیازهای

شناسایی و رفع موانع بی‌مسئولیتی اعضای خانواده، تقویت عزت و اعتمادبه‌نفس، استفاده از شیوه‌های تشویقی، و اجتناب از تنبیه‌های ناسالم، تحقیر و سرزنش اعضا، لحاظ توانایی و ظرفیت افراد در واگذاری مسئولیت‌ها و نیز توجه به مقوله عدالت در واگذاری مسئولیت و مبارزه با تبعیض، تعامل و گفت‌وگو در مسیر تبیین و گفتمان‌سازی این مسئله در خانواده، ارتقای محبت و الفت بین اعضا، می‌تواند در نهادینه شدن این اصل مؤثر باشد. مسئولیت‌پذیری در خانواده سه بُعد اساسی دارد:

- عمل به وظایف و مسئولیت‌های زناشویی؛
- تقسیم کارهای خانه؛
- مدیریت مالی خانواده.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۴، ص ۱۲.

۱. حسن بن علی بن شعبه حرانی، همان، ص ۳۳.

زن و مرد را در دو دسته قرار داد:

هر یک از زن و مرد باید نیازها و عواطف یکدیگر را بشناسند.

- نیازهای جسمی،

مانند تأمین خوراک، پوشاک و مسکن، و نیازهای جنسی؛

- نیازهای روحی و روانی، مانند: آرامش، محبت، احترام، تکریم و مقبولیت.

#### ۴. تقویت مهارت‌های زندگی

ریشه اختلافات خانوادگی گاه ریشه در اداره نادرست زندگی و عدم مهارت‌های لازم برای تعامل با همسر دارد. همین امر می‌تواند در ادامه، به طلاق عاطفی و حتی طلاق حقوقی کشیده شود؛ چراکه اگر زن و مرد به‌اندازه کافی با مهارت‌های زندگی آشنا نباشند در رویارویی با مسائل و مشکلات و بحران‌های آن دچار بن‌بست خواهند شد. علاوه‌براین، فقدان آشنایی با مهارت‌های لازم برای زندگی، بستر را برای دخالت دیگران در زندگی زوجین فراهم می‌سازد که خود عاملی برای تشدید اختلافات و ناسازگاری بین زوجین خواهد بود. بنابراین، برای تشکیل زندگی موفق و تحکیم بنیان خانواده و

جلوگیری از گسست عاطفی، زوج‌ها باید

مهارت‌های لازم برای زندگی مشترک را بیاموزند. از مهم‌ترین مهارت‌های زندگی — که لازمه زندگی خوب است — می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مهارت برقراری ارتباط مؤثر؛
- مهارت حل مسئله؛
- مهارت تصمیم‌گیری؛
- مهارت کنترل هیجانات؛
- مهارت حل تعارض و کنترل خشم؛
- مهارت همدلی؛
- مهارت شنیدن فعال.

#### ب) راهکارهای مداخله در بحران خانوادگی<sup>۱</sup>

##### ۱. اصلاح رفتارهای مخرب

در کانون خانواده، گاهی امواج خروشان رفتارهای مخرب، آرامش این نهاد مقدس را برهم می‌زند. این رفتارهای مخرب همچون خوره به جان روابط زناشویی می‌افتند و بنیان خانواده را از درون می‌پوسانند. لازمه برگرداندن صمیمیت و آرامش در خانواده و تحکیم بنیان آن، مدیریت و



اصلاح رفتارهای مخرب به خصوص در وضعیت بحرانی است که می‌تواند از طریق روش‌های زیر حاصل شود:

- پرهیز از بحث‌های منازعه‌آفرین و تمرکز بر حل مسئله؛

- پرهیز از غیبت و عیب‌جویی؛

- کنترل و مدیریت خشم؛

- تقویت فرهنگ عفو و گذشت و چشم‌پوشی از خطاها؛

- خوش‌بینی و حسن‌ظن به جای بدبینی و سوءظن؛

- پیشگیری از سوءتفاهمات و پیش‌داوری نکردن؛

- مشورت با عالمان دینی و روان‌شناسان متعهد.<sup>۱</sup>

## ۲. بازسازی رابطه زناشویی

گاهی ریشه بسیاری از اختلافات خانوادگی را باید در روابط زناشویی جست‌وجو کرد؛ همان نقطه‌ای که اگر سرد یا آشفته شود، سایه‌اش بر

تمام لحظه‌های زندگی مشترک می‌افتد. عدم ارضای

آنچه موجب پایداری و استحکام نهاد خانواده می‌شود، ارضای غریزه جنسی است نه روابط زناشویی.

به‌موقع و به‌اندازه نیاز جنسی، موجب احساس ناکامی جنسی می‌گردد و بد اخلاقی و ناسازگاری را به ارمغان می‌آورد و خودآگاه یا ناخودآگاه، مودت و صمیمیت را کاهش داده، روابط را به سردی سوق می‌دهد و پایه‌های خانواده را متزلزل می‌کند. اما اگر امور جنسی، به‌اندازه خود مورد توجه قرار گیرد و تعامل جنسی همسران، به‌درستی انجام شود، این نیاز خدادادی، به بهترین وجه ارضا می‌شود و اضطراب‌های درونی فروکش می‌کند و در نتیجه، آرامش تحقق می‌یابد.

البته، باید توجه کرد آنچه موجب پایداری و استحکام نهاد خانواده می‌شود، ارضای غریزه جنسی است نه روابط زناشویی. چه بسیارند زن و شوهری که به عمل زناشویی اقدام می‌کنند ولی به هیچ‌وجه غریزه جنسی

آن‌ها ارضا و اشباع نمی‌شود. بنابراین، گاهی برای حل بحران گسست

۱. یکی از راهکارهای مؤثر در حل اختلاف‌های خانوادگی، جامه عمل پوشاندن به آیه ۳۵ سوره مبارکه نساء است. این آیه کریمه در موارد اختلاف‌های خانوادگی، دستور می‌دهد

که داوری (حکَم) از اهل زن و داوری از اهل مرد معرفی شوند و موضوع اختلاف زن و شوهر را بررسی کنند و در صورتی‌که حل‌شدنی باشد، میان آن دو صلح و آشتی برقرار کنند.

عاطفی بین زوجین باید به بازسازی رابطه زناشویی اقدام کرد. بازسازی این رابطه، نه فقط صمیمیت از دست رفته را برمی گرداند، جرقه‌ای می زند برای گرم شدن دوباره کانون خانواده؛ آرامشی که بازسازی آن، طلاق عاطفی را درمان می کند. برای

می بینند. بانوان در وضعیت طلاق عاطفی با پیامدهای چندسطحی مواجه می شوند که از نظر شدت و تداوم، بسیار متفاوت با وضعیت مردان است. بنابراین، طلاق عاطفی برای بانوان نه فقط یک چالش رابطه‌ای، یک بحران چندبعدی با تبعات گسترده است.

بازسازی رابطه زناشویی توجه به اصول زیر مهم است:  
- توجه به آراستگی و زیبایی‌های ظاهری (پوشش، آرایش و ورزش)؛<sup>۱</sup>

بانوان در وضعیت طلاق عاطفی با پیامدهای چندسطحی مواجه می‌شوند که از نظر شدت و تداوم، بسیار متفاوت با وضعیت مردان است.

از این رو، کاهش این آسیب‌ها نیازمند مداخلات تخصصی و هدفمند می باشد که موارد زیر می تواند در برون رفت از این

آسیب‌ها مؤثر باشد:

- برنامه‌ریزی برای اوقات مشترک خانوادگی (سفر و تفریح)؛
- تقویت صمیمیت جنسی حلال به مثابه حق زن و شوهر بر یکدیگر؛
- شناسایی اختلالات جنسی و درمان آن‌ها.

#### ۱. تقویت معنوی:

- انس با قرآن و دعا‌های مأثوره؛
- شرکت در محافل مذهبی و مجالس ذکر اهل بیت (ع)؛
- توکل به خداوند در مشکلات.

#### ۲. توانمندسازی فردی

- کسب دانش و مهارت‌های زندگی؛
- فعالیت‌های اقتصادی مشروع با رعایت ضوابط شرعی؛
- توجه به تربیت فرزندان به عنوان

#### پ) راهکارهای حمایتی و کاهش پیامدها ویژه بانوان<sup>۲</sup>

وقتی طلاق عاطفی سایه اش را بر زندگی می افکند، بانوان — که قلب تپنده خانواده هستند — بیش از همه آسیب

۱. ساره زمانی و دیگران، همان، ص ۱۱۹-۱۳۶.  
۲. ر.ک. سوسن باستانی و دیگران، همان، ص

ریحانه‌های زندگی.

### ۳. شبکه حمایتی

- حفظ ارتباط با خانواده اصیل و معتمدان؛

- استفاده از مشاوره‌های تخصصی خانواده؛

- شرکت در گروه‌های همیار مذهبی.

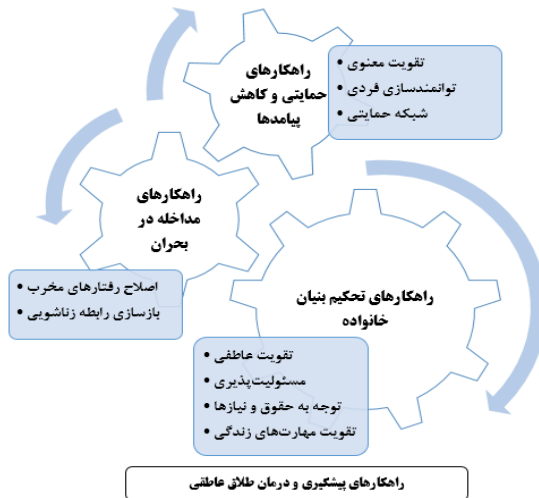
پیشگیری از طلاق عاطفی در گرو تمسک به ریسمان الهی و عمل به دستورهای دینی است. با الگوگیری از سیره اهل بیت علیهم‌السلام و بهره‌گیری از راهکارهای علمی می‌توان کانون خانواده را از این آسیب مصون داشت.

### تفکر بیشتر

آیا طلاق عاطفی همیشه نتیجه مشکلات اخیر است یا ممکن است ریشه در ناکامی‌های حل نشده سال‌های اولیه زندگی مشترک نیز داشته باشد؟

به نظر شما، طلاق عاطفی پیامدهای مخرب‌تری دارد یا طلاق رسمی؟ چرا؟

اگر همسران امروز به شما بگویند: «احساس می‌کنم از هم دور شده‌ایم»، چه می‌کنید؟  
 نظر شما، در طلاق عاطفی چه کسی بیشتر از همه متضرر می‌شود؟ چرا؟



# زالل احكام

مكتبة آفتاب  
پنجاب





## قواعد فقهی

### قاعده عدالت



قاعده عدالت یکی از قواعد مهم فقهی نزد امامیه است. عدالت در چهار عرصه کاربرد دارد:

۱. عدالت در تکوین و نظام خلقت؛
۲. عدالت در تشریع و نظام قانونگذاری؛
۳. عدالت در تدبیر و نظام اجرایی؛
۴. عدالت در منش و روش زندگی فردی و معاشرتی.

مقصود در اینجا دومین عرصه، یعنی عدالت در نظام قانونگذاری و تشریع، است. شهید مطهری در تبیین قاعده عدالت گفته است:

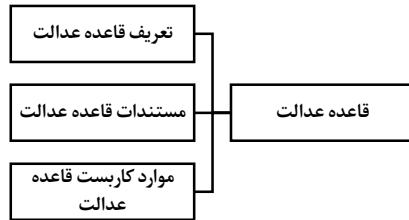
«اصل عدالت از مقیاس‌های اسلام است که باید دید چه چیزی بر او منطبق می‌شود. عدالت در سلسله

علل احکام است نه در سلسله معلولات. نه این است که آنچه دین گفت عدل است، بلکه آنچه عدل است دین می‌گوید.»<sup>۱</sup> به تعبیر این جانب: «عدل حاکم بر احکام است نه تابع احکام. عدل اسلامی نیست بلکه اسلام عادلانه است.»<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد نخستین کسی که از عدالت با عنوان یک قاعده یاد کرده و از غفلت فقیهان درباره آن ابراز نگرانی نموده، شهید مطهری است. وی در این زمینه گفته است:

«اصل عدالت اجتماعی با همه اهمیت آن در فقه ما مورد غفلت واقع شده است و در حالی که از آیاتی چون

۱. مرتضی مطهری، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، حکمت، ۱۴۰۹ق، ص ۱۴.

۲. عبدالکریم سروش، روشنفکری و دینداری، تهران، پویه، ۱۳۶۷، ص ۴۷.



«بالوالدین إحسانا» و «أوفوا بالعقود»<sup>۱</sup> عموماً در فقه به دست آمده است، ولی با این همه تأکیدی که در قرآن کریم بر روی مسئله عدالت اجتماعی دارد، مع هذا یک قاعده و اصل عام در فقه از آن استنباط نشده است و این مطلب سبب رکود تفکر اجتماعی فقهای ما گردیده است.<sup>۲</sup> همچنین امام خمینی علیه السلام از آن به «میزان و معیار» تعبیر کرده است:

«اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگران و حکومت جائزانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشا و انواع کج روی‌ها و آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استعمار و

استثمار و استعباد و حدود و قصاص و تعزیرات بر میزان عقل و عدل و انصاف، و صدها از این قبیل، چیزهایی نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود. این دعوا مشابه آن است که گفته شود قواعد عقلی و ریاضی در قرن حاضر باید عوض شود و به جای آن قواعد دیگر نشانده شود.»<sup>۳</sup>

### ۱. تعریف قاعده عدالت

تعریف‌هایی که اندیشمندان از عدالت ارائه کرده‌اند، بیشتر تعریف به مصداق است. فقیهان آن را به «ملکه‌ای نفسانی، که به واجب فرمان می‌دهد و از حرام باز می‌دارد»، معنا کرده‌اند.<sup>۳</sup>

شهید سید محمد باقر صدر علیه السلام

۱. مرتضی مطهری، همان، ص ۲۷.

۲. سید روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۴۰۵.

۳. سید کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۸۰۰.

در باره عدالت می‌گوید:

«اسلام که عدالت اجتماعی را از مبادی اساسی برای شکل‌گیری خط‌مشی اقتصادی‌اش می‌داند، آن را با مفهوم تجریدی مبنا قرار نداده و نیز به‌صورت باز بدان دعوت نکرده تا قابل هرگونه تفسیر باشد. همچنین، آن را به جوامع انسانی که دیدگاه‌های

متفاوتی پیرامون عدالت دارند و براساس اندیشه و تلقی خویش از زندگی و حیات آن را معنا می‌کنند، نیز واگذار

نکرده است. بلکه اسلام عدالت را در ضمن یک سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی معین ارائه کرده که توانسته است پس از آن، این ایده را در واقعیتی زنده مجسم سازد؛ واقعیتی که تمامی تار و پودش با مفهوم اسلامی عدالت عجین است. ازاین‌رو، کافی نیست که تنها به فراخوانی اسلام از عدالت اجتماعی بسنده شود، بلکه باید بینش تفصیلی و ویژه اسلام از عدالت را نیز شناخت.»<sup>۱</sup>

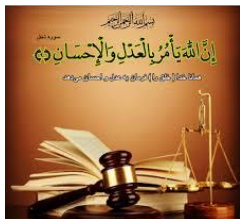
شهید مطهری رحمته‌الله در تبیین قاعده

عدالت گفته است:

«اصل عدالت از مقیاس‌های اسلام است که باید دید چه چیزی بر او منطبق می‌شود. عدالت در سلسله علل احکام است نه در سلسله معلولات. نه این است که آنچه دین گفت عدل است، بلکه آنچه عدل است دین می‌گوید.»<sup>۲</sup>

همچنین، امام خمینی رحمته‌الله از عدالت به «میزان و معیار» تعبیر کرده و می‌فرماید:

«اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگران و حکومت جائزانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشا و انواع کج‌روی‌ها و آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استعمار و استثمار و استعباد و حدود و قصاص و تعزیرات بر میزان عقل و عدل و انصاف، و صدها از این قبیل، چیزهایی نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود. این دعوا مشابه آن است که گفته شود قواعد عقلی و ریاضی



۱. سید محمدباقر صدر، اقتصادنا، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۹۹، ص ۳۰۳.

۲. مرتضی مطهری، مبانی اقتصاد اسلامی، همان، ص ۱۴.



در قرن حاضر باید عوض شود و به جای آن قواعد دیگر نشانده شود.<sup>۱</sup>

## ۲. مستندات قاعده عدالت

۱. خداوند متعال در قرآن کریم به عدل و احسان فرمان داده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ (نحل: ۹۰)؛ به راستی خدا به عدالت و احسان و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد.»

۲. هدف از رسالت انبیا را قیام مردم به قسط دانسته است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید: ۲۵)؛ همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ی تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت

برخیزند.» بنابراین، قیام به قسط در صورتی حاصل است که تشریع و تدبیر بر پایه قسط باشد و نیز منش زندگی مردم، عادلانه شود.

۳. در روایت‌ها نیز تأکید بسیاری بر معیار بودن عدالت شده است. رسول خدا ﷺ فرمود: «الْعَدْلُ مِيزَانُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ أَخَذَهُ فَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَمَنْ تَرَكَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ؛ عدالت میزان و ترازوی خداوند در زمین است؛ هرکه آن را دریابد او را به بهشت سوق دهد، و هرکه آن را رها سازد به دوزخ می‌کشانند.»<sup>۲</sup>

۴. امیر مؤمنان (ع) فرموده است: «إِنَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الَّذِي وَضَعَهُ فِي الْخَلْقِ، وَنَصَبَهُ لِإِقَامَةِ الْحَقِّ، فَلَا تُخَالِفُهُ فِي مِيزَانِهِ، وَلَا تُعَارِضُهُ فِي

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، همان، ج ۲۱، ص ۱۷۷.

۲. سیدحسین بروجردی، جامع احادیث الشیعه، قم، المهر، ۱۳۸۰، ج ۱۴، ص ۲۸۸.

زامامداری را که از آن توسست دیر طلب کردی؟ و امام به‌طور ضمنی اشاره می‌فرماید این حق از آن من بود، ولی موانعی نگذاشت تا چنین شود و حق زمامداری به شایسته‌اش داده شود. حضرت فرمود: «لَا يُعَابُ الْقَرُّ بِتَأْخِيرِ حَقِّهِ إِنَّمَا يُعَابُ مَنْ أَخَذَ مَا لَيْسَ لَهُ؛ کسی را سرزنش نکنند که چرا حق خود را دیر درخواست کرد، بلکه او را عیب کنند که دست بدانچه از آن او نیست گشود.»<sup>۳</sup>

۵. حکم مستقل عقل نیز بر لزوم عدالت دلالت دارد. اصولیان شیعی و معتزلی به حُسن و قبح عقلی ملتزم‌اند و بارزترین مصداق آن را عدل و ظلم می‌دانند و ادراک یا حکم عقل را در این زمینه امری استقلالی دانسته‌اند. یعنی عقل بدون استمداد از شرع به این امر دلالت دارد. مصطفی‌مراغی، از مفسران اهل سنت، می‌گوید: «أَمَّا مَصْدَرُ الْعَدَالَةِ فِي الشَّرِيعَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ بَعْدَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَالْإِجْمَاعِ فَهُوَ الْعَقْلُ وَحِكْمَةُ التَّشْرِيعِ فِي الْإِسْلَامِ؛ مصدر و دلیل عدالت در شریعت اسلامی پس از

سُلْطَانِيَّةٍ؛ عدالت، ترازوی خدای سبحان است که آن را در میان خلق خود نهاده و برای برپاداشتن حق، نصب کرده است.»<sup>۱</sup>

این آیه‌ها و روایت‌ها می‌تواند مصدري برای اصطیاد این قاعده ارزشمند فقهی باشد؛ چنان‌که منحصر در موارد یادشده نیز نیست.

۵. همچنین امیر مؤمنان (ع) فرموده است: «فَإِذَا أَتَتْ الرُّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَ أَدَّى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَقَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ وَ اعْتَدِلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَ جَزَتْ عَلَى أَذْلَالِهَا السِّنَنُ، فَصَلَّحَ بِذَلِكَ الزَّمَانُ وَ طَمَعُ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَيُسْتِطَاعُ الْأَعْدَاءُ؛ پس چون مردمان حق زمامدار را ادا کنند و زمامدار حق مردمان را به‌جا آرد حق میانشان ارزشمند و بزرگ‌مقدار شود و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برجا و سنت چنان‌که باید اجرا، پس کار زمانه آراسته گردد و چشم امید در پایداری دولت پیوسته و چشمداشت‌های دشمنان بسته است.»<sup>۲</sup>

ابن ابی الحديد نقل می‌کند، کسی از امام علی (ع) پرسید: چرا حق

۱. نهج البلاغه، همان، خطبه ۱۴۷.

۲. همان، خطبه ۲۱۶.

۳. همان، حکمت ۱۶۶؛ عبدالحمید بن هبة‌الله

ابن أبی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۳۹۰.



قرآن، سنت و اجماع، عقل و حکمت قانونگذاری در اسلام است.<sup>۱</sup>

### ۳. موارد کاربرست قاعده عدالت در فعالیت های اداری-نظامی

۱. اگر در فرماندهی یا نمایندگی و حفاظت اطلاعات تبعیض و بی عدالتی مشاهده شود تکلیف کارکنان این است که اگر یقین به وقوع تبعیض دارند و شرایط امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد اقدام کنند.<sup>۲</sup>

۲. اگر فرزندان برخی از مسئولان و فرماندهان که به سازمان می پیوندند و به واسطه حضور در محل کار بستگان خود از امکاناتی بیشتر نسبت به دیگران بهره مند شوند، چنانچه

برخلاف مقررات باشد جایز نیست.<sup>۳</sup>  
۳. تبعیض در ارائه خدمات سازمانی در روستاها و بین نیروها و دوره های گوناگون سپاه در شرایط مساوی تبعیض جایز نیست، لکن اگر شرایط متفاوت باشد تفاوت خدمات برحسب شرایط و ضوابط سازمانی اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

۴. باید مسئولان سپاه به گونه ای تدبیر کنند که در پرداخت ها و مطالبات تبعیض به وجود نیاید.<sup>۵</sup>

۵. در توزیع امکانات سازمانی تبعیض جایز نیست و مقررات مربوط باید مراعات شود و تخلف از آن ها اگر عمدی باشد حرام است.<sup>۶</sup>



خامنه ای (عجله)، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۵، ص ۱۹۳.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

۱. عبدالله مصطفی المرافی، «مقارنة بين العدالة التشريعية في القوانين الوضعية والرأى في التشريع الاسلامی»، مجلة الأزهر، ج ۲۶، ش ۱۵ و ۱۶، رمضان ۱۳۷۴ق، ص ۸۴۶-۸۴۸.

۲. علی کارشناس و محمد محمدپور، احکام اداری-نظامی براساس فتاوی امام

ضروری، یا انجام کار سازمانی باشد اشکال ندارد؛ در غیر این موارد جایز نیست.<sup>۶</sup>

۱۲. ترک محل خدمت، چنانچه برخلاف مقررات و موجب اختلال وظایف سازمانی گردد جایز نیست.<sup>۷</sup>

۱۳. دیر آمدن به پادگان و دیر رفتن (مثلاً یک ساعت دیر بیاییم در عوض یک ساعت دیرتر برویم) بدون اجازه قانونی جایز نیست. ورود و خروج باید مطابق مقررات سازمانی باشد.<sup>۸</sup>

۱۴. در صورت کم کاری یا سهل انگاری در انجام وظایف محول شده، اگر در مقابل کاری که انجام نداده، پول بگیرد، حکم مال حرام را دارد و موجب ضمان است.<sup>۹</sup>

۱۵. اگر شاغلین ادارات و سازمانها، در مقابل کم کاری خود، از بعضی مزایا صرف نظر کنند و آن را در مقابل کم کاری قرار دهند، صرف نظر کردن از مزایا مجوز کم کاری نیست و لازم است طبق

۶. اعمال اغراض شخصی در روابط سازمانی جایز نیست. در مفروض سؤال چنانچه تشویق جنبه مالی داشته باشد منع کننده ضامن است.<sup>۱</sup>

۷. اعمال غرض یا نظر شخصی در روابط سازمانی جایز نیست.<sup>۲</sup>

۸. عدم رعایت اصول لازم الرعایه که تعدادی از آنها توسط مسئول محترم نمایندگی ولی فقیه در سپاه ابلاغ می گردد جایز نیست.<sup>۳</sup>

۹. اعمال سلیقه در نیروهای مسلح از نظر دستورات و اقدامات اجرایی، اگر مغایر مقررات و ضوابط باشد، جایز نیست.<sup>۴</sup>

۱۰. اگر کارکنان سپاه گاهی از محل خدمت بدون اجازه آن سازمان در تشییع جنازه یا مجلس ختم شرکت می کنند، اگر از وظیفه کوتاهی نموده باشند به مقداری که کوتاهی کرده مدیون هستند.<sup>۵</sup>

۱۱. ترک محل کار اگر برای امور

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. سیدروح الله موسوی خمینی، استفتانات از محضر امام خمینی، قم، دفتر انتشارات

اسلامی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۵۳۱، س ۱۴۵.

۶. علی کارشناس و محمد محمدپور، همان.

ص ۱۹۴.

۷. همان.

۸. همان.

۹. همان.

مقررات استخدامی در وقت اداری به وظایف خود عمل کنند.

۱۶. کوتاهی در کار باتوجه به مدرک تحصیلی و تفاوت فاحش حقوق و دستمزد جایز نیست. (کم کاری به بهانه عدم پرداخت حق و حقوق)

۱۷. تعلل بی وجه و ماطله در انجام وظایف اداری، قانوناً خلاف و شرعاً حرام و موجب ضمان حقوق استخدامی دریافتی نسبت به موارد کم کاری یا خودداری از کارهای محوله است.<sup>۱</sup>

۱۸. چنانچه وظیفه ای در سازمان به انسان واگذار شد و این وظیفه برخلاف میل فرد بود و یا به آن علاقه ای نداشت، سهل انگاری در انجام آن جایز نیست.

۱۹. در برخورد با خطاها و تخلفات باید با رعایت موازین اخلاقی مطابق آیین نامه رفتار گردد. سخت گیری های غیرقانونی جایز نیست.<sup>۲</sup>

۲۰. تهیه و ارسال گزارش نادرست جایز نیست و موجب برائت ذمه نمی گردد و گاهی موجب ضمان است.<sup>۳</sup>

۲۱. ارائه آمار دروغ و خلاف واقع و مستندسازی که تخلف از مقررات و برنامه ابلاغی باشد جایز نیست.<sup>۴</sup>

۲۲. چنانچه فرماندهان عمداً یا از روی سهل انگاری در مأموریت دادن به نیروها خلاف مقررات عمل کنند، یا در استیفای حقوق مأموریتی نیروها کوتاهی کنند ضامن خواهند بود.<sup>۵</sup>

### برای تفکر بیشتر

به نظر شما، در چه موارد دیگری می توان از قاعده فقهی عدالت استفاده کرد؟

آیا آشنایی با این قاعده شما را در فهم و حل مسائل شرعی آگاه تر کرد؟



۴. همان.

۵. همان.

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

## احکام اداری نظامی



با بهره‌گیری از فتاوی‌ای مقام عظمای ولایت، امام خامنه‌ای دام‌ظله، وظایف این عزیزان در برابر مسائل شرعی پیش‌رو روشن گردد.

فقه امور اداری-نظامی در میان دیگر گرایش‌های فقهی، اهمیت کلیدی و راهبردی دارد. براساس تحلیل فقهی در موضوع فقه اداری-نظامی، این امر به هشت زیرمجموعه کلیدی تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: «فقه آموزش سرمایه انسانی»، «فقه انگیزش»، «فقه استخدام»، «فقه تأمین سرمایه انسانی»، «فقه بیت‌المال»، «فقه نظارت» و «فقه انتصابات و ترفیعات» و «فقه خدمات و امور رفاهی». ازسوی دیگر، فقه اداری-نظامی، دارای

ازجمله مسائل اساسی نظام اسلامی، مسئله فقه اداری-نظامی است که کشف و اجرای دقیق آن مایه کارآمدی و رشد روزافزون حکومت اسلامی خواهد شد. مسئله فقه اداره، محصول تعامل فقه اداری-نظامی با آموزه‌های دینی است؛ آموزه‌هایی که بیانگر ارزش‌ها و روش‌های اداری-نظامی براساس شرع مقدس اسلام هستند. فقه اداری-نظامی همچون دیگر امور، پدیده‌ای است که هر یک از اجزای آن ذیل یکی از عنوان‌های پنج‌گانه احکام شرعی<sup>۱</sup> واقع می‌شود؛ ازاین‌رو ضروری است به این احکام به‌عنوان چراغی روشن‌گر فراروی کارمندان و مدیران اداری-نظامی نگریسته شود و

۱. وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحت.

## ۱. تخلفات اداری

### ۱-۱. اعمال و رفتار خلاف شئون

#### شغلی یا اداری

س ۱. عدم حضور در برنامه‌های طولانی ستاد و پاسخ‌گویی به مراجعان چه حکمی دارد؟

ج. به بهانه مشغول شدن به کاری، شانه خالی کردن از وظیفه قانونی و برنامه سازمانی جایز نیست.<sup>۲</sup>



قواعد فقهی ویژه‌ای چون قاعده «اطاعت از مافوق» و قاعده «گزینش اصلح» (شایسته‌سالاری) است. در مقاله پیش‌رو به بررسی احکام استخدام و آموزش و ترفیعات پرداخته می‌شود؛ زیرا فراگیری احکام ضروری و مورد ابتلا بر صاحبان مشاغل، لازم است و می‌توان گفت: مسائلی را که کارکنان بخش‌های اداری-نظامی غالباً به آن‌ها

### ۱-۲. برخلاف قوانین و مقررات

#### عمل کردن

س ۲. قبول تمام شرایط و ضوابط آیین‌نامه‌ها و حفظ شعائر و امضا کردن تعهدنامه و بعد در ادامه خدمت، خلاف آن عمل نمودن چه حکمی دارد؟

ج. حرام است.<sup>۳</sup>

احتیاج دارند، واجب است یاد بگیرند. مقام معظم رهبری «اَمَّا ظَلَمٌ» در پاسخ به این پرسش که: آیا کسی که در آموختن احکام دینی موردنیاز خود کوتاهی می‌کند، گناهکار است، می‌فرماید: «اگر نیاموختن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بیانجامد، گناهکار است.»<sup>۱</sup>

ص ۱۸۸.

۳. همان.

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، أجوبة

الاستفتائات، تهران، الهدی، ۱۳۸۱، ص ۶.

۲. علی کارشناس و محمد محمدپور، همان،



می کند چنانچه نظراتش را به مافوق  
تحمیل کند حقوق دریافتی اش چه  
حکمی پیدا می کند؟

ج. عمل برخلاف مقررات و دستور  
قانونی مافوق جایز نیست و حقوق  
دریافتی مشکل پیدا می کند.<sup>۴</sup>

س ۷. آیا یک نیروی شبانه روزی  
که بعضی از ساعت ها استراحت دارد  
می تواند از محل مأموریت جهت  
انجام امور شخصی و عبادی خارج  
گردد؟

ج. تابع ضوابط و مقررات سازمانی  
است.<sup>۵</sup>

### ۱-۳. تنظیم اسناد برخلاف ضوابط و مقررات قانونی

س ۸. آیا می توان در حوادث و  
درگیری های نظامی و مأموریتی اسناد  
را به گونه ای تنظیم کرد که فرد بتواند  
از بیت المال دیه یا ضرر و زیان خود  
را بگیرد؟

ج. تنظیم اسناد برخلاف ضوابط و  
مقررات قانونی، جایز نیست.<sup>۶</sup>

### ۱-۴. جابه جایی هزینه ها و

س ۳. حکم افرادی که به قوانین  
داخلی توجهی ندارند و نظم را برهم  
می زنند چیست؟

ج. باید مطابق مقررات و آیین نامه  
انضباطی با آنان برخورد شود.<sup>۱</sup>

س ۴. آیا قوانینی که از جانب  
سلسله مراتب (نماینده گی یا  
فرماندهی) ابلاغ می شود علاوه بر  
ضوابط سازمانی جنبه شرعی نیز  
دارد؟ یعنی اگر فردی عامل به آن  
قوانین نشد آیا مرتکب خلاف شرع  
شده است؟

ج. عمل برخلاف قوانین و مقررات  
ابلاغی شرعاً جایز نیست.<sup>۲</sup>

س ۵. باتوجه به اینکه از جانب  
مسئولین استفاده برخی از وسایل  
مانند تلفن همراه دوربین دار ممنوع  
اعلام شده، اگر شخصی از این  
وسایل استفاده کند آیا از نظر شرعی  
اشکال دارد؟

ج. عمل کردن برخلاف مقررات  
سازمانی جایز نیست.<sup>۳</sup>

س ۶. کسی که برخلاف  
دستور مافوق و بنا به سلیقه خود امور  
محوه را در حیطه وظایف خود عمل

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

### فاکتورسازی

س ۹. یکی از معضلاتی که وجود دارد مسئله جابه جایی هزینه ها و فاکتورسازی است که بعضاً با دستور و اطلاع فرمانده و مسئولین می باشد. آیا از نظر شرعی اشکالی ندارد؟

ج. اگر قانون و مقررات چنین اختیاری به فرماندهان و یا مسئولین داده باشد اشکال ندارد و الا جایز نیست.<sup>۱</sup>

### ۵-۱. ایراد تهمت و افترا، غیبت و

#### هتك حیثیت

س ۱۲. آیا می توان با ادعای فردی و یا توسط نوار همکار خود را به اتهام سیاسی محکوم کرد؟

ج. تا یقین حاصل نشود متهم نمودن افراد جایز نیست.<sup>۲</sup>

س ۱۳. مطرح کردن عیوب بعضی از مسئولین و مدیران و تحلیل رفتارهای آنان در بین همکاران با قصد اثرگذاری بر دیگران چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.<sup>۳</sup>

س ۱۴. غیبت های همکاران در نزد

فرماندهی یا حوزه نمایندگی به دلیل کاری و حفاظت از سازمان چه حکمی دارد؟

ج. غیبت جایز نیست، اما اگر مطلبی است که از چارچوب روابط سازمانی باید به مقام مسئول گفته شود یا جهت نهی از منکر گفته می شود اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

س ۱۵. نقد و صحبت پیرامون نقاط مثبت و منفی همکار، فرمانده و زیردست درخصوص مسائل کاری چگونه است؟

ج. اگر جنبه شخصی داشته باشد و از مصادیق غیبت باشد جایز نیست.<sup>۵</sup>

س ۱۶. اگر یکی از مسئولین قسمتی از ارگان های انقلابی در محل خدمت خود مرتکب فعل حرام و خلاف شرع و عفت اسلامی گردد، اشخاصی که از موضوع مطلع بوده و به مراجع بالاتر گزارش داده اند، ولی با پاسخ و اقدام مناسبی از سوی آنان روبه رو نمی شوند، آیا مجازند از بیم تکرار رفتار آن مسئول، آبروی وی را در شهر ببرند؟

ج. ریختن آبروی دیگران

۴. همان.

۵. همان.

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۹۰.

۳. همان.

چنانچه واقعیت را بگویم همکار متضرر می‌گردد. حکم شرعی را بیان فرمایید.

ج. آنچه را یقین به آن دارید بگویید. از بیان مواردی که تردید دارید و مورد حدس و گمان است خودداری کنید.<sup>۴</sup>

#### ۱-۷. اختلاس

س ۲۰. اگر در یکی از اداره‌های دولتی اختلاس از بیت‌المال صورت بگیرد و این اختلاس استمرار داشته باشد و شخصی این توانایی را در خود ببیند که اگر مسئولیت آن اداره را برعهده بگیرد، می‌تواند این وضع را اصلاح کند، و این کار هم فقط از طریق دادن رشوه به یکی از کسانی که مسئول آن هستند، امکان‌پذیر است، آیا دادن رشوه برای جلوگیری از اختلاس در بیت‌المال، که درحقیقت دفع افسد به فاسد است، جایز است یا خیر؟

ج. وظیفه اشخاصی که از تخلفات قانونی مطلع می‌شوند، نهی از منکر با رعایت شرایط و ضوابط شرعی آن است، و توسل به رشوه و راه‌های

به‌هیچ‌وجه جایز نیست، بلکه در این‌گونه موارد در صورت وجود شرایط باید خود با حفظ مراتب، نهی از منکر کرد و چنانچه با تذکر به خود فرد تأثیر ندارد به مقام مسئول با مراعات موازین شرعی گزارش شود.<sup>۱</sup> س ۱۷. چیزی غیرمجاز را به محل کار فردی، یا منزل و یا داخل ماشین او بردن به‌منظور تخریب او چه حکمی دارد؟

ج. حرام است.<sup>۲</sup>

س ۱۸. کم‌کاری، راحت‌طلبی، تن‌دادن به مسئولیت تخریب افرادی که درست کار می‌کنند و حسادت‌ورزیدن به آن‌ها چه حکمی دارد؟

ج. علی‌الاقوی حرام است.<sup>۳</sup>

#### ۱-۶. ذکر عیوب افراد در مقام

#### مشورت برای تحقیقات (نصح

مستشیر)

س ۱۹. گاهی اوقات مسئولین سپاه برای تحقیقات (حفاظتی، عقیدتی و...) به بنده مراجعه می‌کنند. در رابطه با همکاران، تکلیف بنده چیست؟ به‌دلیل اینکه گاهی اوقات

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

غیرقانونی برای هر عملی هرچند به‌منظور جلوگیری از فساد، جایز نیست. البته، با فرض وقوع چنین عملی خلاف شرع و قانون در کشوری که نظام اسلامی بر آن حاکم است، وظیفه مردم به‌مجرد عجز شخصی از امر به معروف و نهی از منکر ساقط نمی‌شود، بلکه واجب است که به نهادهای مربوط اطلاع داده و موضوع را پیگیری نمایند.<sup>۱</sup>

س ۲۱. تعدادی گزارش کتبی راجع به اختلاس اموال دولتی توسط یکی از کارمندان دریافت گردیده که بعد از انجام تحقیقات در مورد این اتهام، صحت بعضی از آن گزارش‌ها برای ما آشکار شده است؛ ولی هنگام تحقیق از فرد متهم خود او همه اتهامات را انکار می‌کند. آیا ارسال این گزارش‌ها به دادگاه با توجه به اینکه باعث از بین رفتن آبروی شخص می‌شود، جایز است یا خیر؟ و بر فرض عدم جواز، اشخاصی که از این مسئله مطلع هستند چه تکلیفی دارند؟

ج. اگر فردی که مسئول حمایت و

حفظ بیت‌المال و اموال دولتی است از اختلاس آن اموال توسط یکی از کارمندان یا غیر او مطلع شود، از نظر شرعی و قانونی مکلف است برای احقاق حق، اطلاعات خود را در این زمینه به نهادهای مربوطه ارائه دهد و ترس از بین رفتن آبروی متهم از نظر رسمی مجوزی برای کوتاهی از احقاق حق جهت حفظ بیت‌المال محسوب نمی‌شود و افراد دیگر، گزارشات خود را مستنداً به مسئولین مربوطه ارائه دهند تا ایشان بعد از تحقیق و تفحص و اثبات مطلب، اقدام نمایند.<sup>۲</sup>

#### ۱-۸. ترک خدمت در خلال ساعات موظف اداری

س ۲۲. بعضی از کارکنان سپاه گاهی از محل خدمت بدون اجازه آن سازمان در تشییع جنازه یا مجلس ختم شرکت می‌کند، حقوقش چه صورت دارد؟

ج. اگر از وظیفه کوتاهی نموده به مقداری که کوتاهی کرده مدیون است.<sup>۳</sup>

س ۲۳. عدم حضور در اتاق محل

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، استفتانات از محضر امام خمینی، همان، ج ۳، ص ۵۳۱، س ۱۴۵.

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، همان، ص ۲۳۷، س ۱۰۸۳.  
۲. همان، ص ۳۰۹، س ۱۳۸۷.

س ۲۶. در مؤسسه‌ای کار می‌کنم که برای ورود و خروج کارت ساعت‌زنی گذاشته‌اند. به‌موجب آن اگر به‌مقدار معین ساعت نخورد، یا اگر یک روز زدن کارت را فراموش کنیم و ساعت نخورد دو برابر از حقوق کم می‌نمایند. آیا کم‌کردن حقوق



کار در ساعت اداری و سر زدن به اتاق‌های دیگر بدون داشتن مأموریت خاصی در این زمینه چه حکمی دارد؟

ج. ترک محل کار اگر برای امور ضروری، یا انجام کار سازمانی باشد اشکال ندارد؛ در غیر این موارد جایز نیست.<sup>۱</sup>

شرعاً صحیح است؟  
ج. مراعات مقررات دولت اسلامی لازم است.<sup>۲</sup>

س ۲۴. بعضی مواقع در محل کار به دیدن همکاران می‌رویم و در محل کار خود نیستیم، حکم آن چیست؟  
ج. چنانچه برخلاف مقررات و موجب اختلال وظایف سازمانی گردد جایز نیست.<sup>۳</sup>

۱-۱۰. استفاده شخصی از امکانات بیت‌المال

س ۲۷. برخی افراد یا مسئولان در ادارات یا ارگان‌ها و مراکز نظامی، فقط به‌خاطر اینکه صبح زودتر از دیگران به محل کار آمده و دیرتر از همه از کار مرخص می‌شوند، از امکانات بیت‌المال استفاده شخصی می‌کنند و جواز استفاده از این وسایل را بیشتر کار کردن در اداره توجیه می‌نمایند. از نظر شرعی چه حکمی

۱-۹. بی‌نظمی در ورود و خروج  
س ۲۵. دیرآمدن به پادگان و دیررفتن (مثلاً یک ساعت دیر بیاییم درعوض یک ساعت دیرتر برویم) چه حکمی دارد؟  
ج. بدون اجازه قانونی جایز نیست. ورود و خروج باید مطابق مقررات سازمانی باشد.<sup>۴</sup>

۴. سیدروح‌الله موسوی خمینی، استفتانات از محضر امام خمینی (ره)، همان، ج ۳، ص ۵۰۷، س ۷۴.

۱. علی‌کارشناس و محمد محمدپور، همان، ص ۱۹۴.

۲. همان.

۳. همان.





دارد؟

ج. استفاده شخصی از امکانات بیت‌المال مجاز نیست، مگر با مجوز قانونی.<sup>۱</sup>

س ۲۸. بعضی اشخاص یا افراد وسائل نقلیه بیت‌المال را در امور شخصی مثل: مسافرت خانوادگی، رفت‌وآمد زن و فرزند و سایر کارهای شخصی استفاده می‌کنند. از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.<sup>۲</sup>

س ۲۹. به جز ولی امر مسلمین، شخص دیگری، در هر مقام و منصبی که باشد، آیا حق دارد به دیگران اجازه استفاده شخصی از بیت‌المال را دهد؟

ج. استفاده شخصی از بیت‌المال، بدون اجازه مسئول ذی‌ربط قانونی که حق اجازه‌دادن را داشته باشد، مجاز نیست و موجب ضمان است.<sup>۳</sup>

س ۳۰. مدت ۳۰ ماه در اداره دولتی مشغول به کار هستم. از طرف اداره، یک دستگاه موتورسیکلت به بنده تحویل شده است که کارهای اداره را با آن انجام دهم. این موتور را بنده در مصارف شخصی خود نیز به کار می‌برم. حکم شرعی را بیان فرمایید. در ضمن، جبران مافات این ۳۰ ماه را چگونه دستور می‌فرمایید؟

ج. استفاده شخصی از موتور دولتی جایز نیست و موجب ضمان است، مگر با اجازه مسئول ذی‌ربط

۲. همان.

۳. همان.

۱. علی‌کارشناس و محمد محمدپور، همان، ص ۲۱۸.

س ۳۲. راننده‌ای در سازمان سپاه مشغول به کار است. آیا می‌تواند زن و بچه‌اش را به وسیله همان ماشین موقع انجام مأموریت در محل تعیین شده به همراه ببرد، به شرطی که در کارش تعلل یا تأخیری ایجاد نشود؟

ج. استفاده از اموال تابع مقررات دولت اسلامی است. در فرض مرقوم اگر منعی از طرف دولت نباشد مانع ندارد.<sup>۳</sup>

که حق اجازه‌دادن داشته باشد و نسبت به گذشته، هرچند بدون اجازه استفاده شده باید اجرةالمثل آن را به حساب همان اداره پرداخت نمایید.<sup>۱</sup>  
س ۳۱. برخی مسئولان اداره‌ها از تلفن همراه دولتی که در اختیار دارند، دقایق قابل توجهی برای کارهای شخصی یا کارهای غیرضروری تماس می‌گیرند. آیا این گونه استفاده از بیت‌المال، اشکال شرعی دارد؟  
ج. این گونه امور، تابع ضوابط و



س ۳۳. کسی که برخلاف مقررات قانونی از اموال دولتی استفاده شخصی یا غیرشخصی نموده، تکلیف شرعی او چیست؟  
ج. استفاده از اموال دولتی برخلاف

مقررات است. اگر با اجازه مسئول مربوطه که اختیار اجازه‌دادن را داشته باشد، صورت پذیرد، مانعی ندارد وگرنه جایز نیست و موجب ضمان است.<sup>۲</sup>

محرر امام خمینی (ره)، همان، ج ۳، ص ۵۳۳، س ۱۵۳.

۱. همان.

۲. همان.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، استفتانات از



مقررات موجب ضمان است، و باید عوض آن را به صندوق همان بخش واریز نماید.<sup>۱</sup>

س ۳۴. این جانب در سازمان سپاه مسئولیت انبارداری را به عهده دارم، و هر مدتی مبلغی پول از آن سازمان جهت خرج انبار و دیگر کارهای سازمان دریافت می کنم، و پول نزد من به امانت است تا موقع حساب سال. حال اگر از این پول خرج کنم و یا جنس بخرم و بفروشم و استفاده بکنم تکلیفم چیست؟

ج. تصرف و استفاده از پول و سایر اموال دولت تابع مقررات دولت است.<sup>۲</sup>  
س ۳۵. آیا به اذن فرمانده و مسئول می توان از تجهیزات سازمان استفاده

شخصی کرد؟

ج. در حد اذن قانونی فرمانده و مسئول اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

س ۳۶. اگر نیاز به یک برگ A4 در محل کار پیدا کردیم، آیا می توانیم از آن استفاده نموده، بعد یکی دیگر را به جای آن جایگزین کنیم؟

ج. با اجازه مسئول مربوطه اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

س ۳۷. آیا پایوران می توانند در مقابل عدم دریافت حق اضافه کاری از تلفن پادگان جهت امور شخصی استفاده نمایند؟

ج. تصرف در بیت المال تابع ضوابط و مقررات مربوطه است و به طور کلی استفاده از آنچه جزو

۱. همان، ص ۴۹۹، س ۵۰.

۲. همان، ص ۵۲۱، س ۱۱۰.

۳. علی کارشناس و محمد محمدپور، همان،

ص ۲۱۸.

۴. همان.

عام المنفعة خارج از چارچوب اداره اقدام کنم، آیا اشکال شرعی دارد؟

ج. هرگونه استفاده از اموال دولتی باید طبق مقررات اداره باشد و تخلف از آن جایز نیست. کارمندان ادارات دولتی در ساعات اداری باید مشغول کار یا آماده انجام آن باشند.<sup>۴</sup>

س ۴۱. کسی که برخلاف مقررات قانونی از اموال دولتی استفاده شخصی یا غیرشخصی نموده، تکلیف شرعی او چیست؟

ج. استفاده از اموال دولتی برخلاف مقررات موجب ضمان است و باید عوض آن را به صندوق همان بخش واریز نماید.<sup>۵</sup>

س ۴۲. استفاده از وسیله نقلیه و امکانات بیت المال تا چه حدی جایز است؟

ج. تا حدی که مقررات اجازه می دهد جایز است.<sup>۶</sup>

۱-۱۲. استفاده غیرمجاز از امکانات دولتی

س ۴۳. برخی یگان های نظامی

بیت المال و اموال عمومی است فقط در مواردی که این اموال براساس ضوابط و مقررات قانونی برای آن منظور اختصاص داده شده مجاز است و در غیر آن موارد جایز نیست.<sup>۱</sup> س ۳۸. آیا استفاده از خودرو و موتورسیکلت مربوط به سپاه در امور شخصی جایز می باشد؟

ج. جایز نیست، مگر با اذن فرمانده صاحب اختیار قانونی.<sup>۲</sup>

س ۳۹. اختصاصی کردن امکانات بیت المال در جهت بهره برداری فردی در راستای کار سازمان چه حکمی دارد؟ درحالی که ممکن است همان وسیله به شدت در حالی دیگر ضرورت بهره گیری داشته باشد.

ج. به کارگیری امکانات بیت المال باید مطابق مقررات مربوطه باشد و تخلف از آن جایز نیست.<sup>۳</sup>

۱۱-۱. استفاده از خودروی دولتی

در کارهای عام المنفعه

س ۴۰. چنانچه در ساعت اداری و با وسیله اداری جهت کارهای

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. سیدروح الله موسوی خمینی، استفتانات از

محضر امام خمینی (ره)، همان، ج ۳، ص ۴۹۹، س ۵۰.

۶. علی کارشناس و محمد محمدپور، همان، ص ۲۰۶.

دولت به دلیل مشکلات مالی، هزینه آب‌بهای مصرفی خود را به سازمان آب و فاضلاب نمی‌پردازد و حتی گاهی آب مصرفی بعضی از یگان‌ها به صورت غیرقانونی به شبکه آب متصل است. خواهشمند است بفرمایید آیا با این آب (که متعلق به دولت است و ما نیز جزئی از دولت محسوب می‌گردیم و در جهت خدمت به مردم تلاش می‌کنیم)

می‌توان وضو و غسل انجام داد یا باید تیمم کرد؟

ج. بر مسئولین یگان‌ها لازم است مقررات سازمان آب و فاضلاب را مراعات کنند، ولی پرسنل اگر نمی‌توانند از آب دیگری که مباح باشد استفاده نمایند مانع ندارد از آن آب برای وضو و غسل و سایر تصرفات استفاده کنند.<sup>۱</sup>





# بصیرت سیما

مکتبہ انقالب  
احمد آباد



## چرا مذاکره با امریکا

عاقلانه و شرافتمندانه نیست؟



### مقدمه

موضوع «مذاکره با امریکا» همواره یکی از جنجال‌برانگیزترین بحث‌های فضای سیاسی کشور ما بوده است که به تناسب دولت‌های گوناگون و نوع نگاه این دولت‌ها به غرب، مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع با روی کار آمدن دولت چهاردهم بار دیگر یکی از مباحث روز محافل سیاسی شد و با توجه به تحولات جدیدی که در منطقه اتفاق افتاد به اوج خود رسید. با وجود این، صحبت از لزوم یا عدم لزوم رابطه و مذاکره با امریکا مسئله‌ای نیست که به این راحتی قابل تحلیل باشد؛ چراکه متغیرهای

متعددی در بحث رابطه و مذاکره با امریکا مطرح می‌شود که هر کدام از آن‌ها اثرگذاری مثبت یا منفی خود را بر این بحث داشته و به همین دلیل به هنگام بحث از مذاکره با امریکا باید کلیه ابعاد قضیه به صورت کامل مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس، برای رسیدن به پاسخ مطلوب به نظر می‌رسد که توجه به نکات زیر ضروری باشد.

### آیا رابطه با مذاکره با امریکا حرمت ذاتی دارد؟

پیش از طرح هر مسئله‌ای در ارتباط با امریکا باید این پرسش کلیدی پاسخ داده شود که آیا رابطه یا مذاکره



دارد؟

در پاسخ به این پرسش بنیادین باید بگوییم برخلاف کشوری همچون رژیم صهیونیستی که به دلیل نامشروع بودن دولت آن امکان ارتباط با آن مطلقاً وجود ندارد (همان طور که در همان روز پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سفارت این رژیم در تهران به اشغال انقلابیون درآمد و به جای پرچم رژیم صهیونیستی پرچم فلسطین بر بالای آن به اهتزاز درآمد)، ارتباط با امریکا ممنوعیت ذاتی نداشته و نشانه‌اش نیز این است که تا ماه‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران با امریکا ارتباط داشت و سفارتخانه این کشور نیز به اندازه‌ای فعال بود که بنا به اسناد لائیه جاسوسی رسماً در بسیاری از فعالیت‌های آشوبگرانه آن روزها نقش آفرینی

با امریکا که در طول سال‌های گذشته، جزو محدوده‌های ممنوعه بوده است حرمت ذاتی دارد که براساس آن هیچ‌کس تحت هیچ شرایطی حق صحبت کردن از این موضوع را نداشته باشد؟ همان‌گونه که رابطه با رژیم صهیونیستی به دلیل نامشروع بودن دولت آن حتی قابل طرح نیست تا بر سر کم‌وکیف آن چانه‌زنی صورت گیرد؛ یا اینکه این رابطه حرمت ذاتی نداشته و امریکا نیز همچون دیگر کشورها است که امکان رابطه با آن قابل تصور است، اما دلایلی وجود دارد که باعث شده است تا این رابطه تاکنون امکان‌پذیر نبوده و با رفتن این دلایل طبیعتاً امکان برقراری رابطه به صورت کامل یا محدود، یا حداقل مذاکره به منظور تعامل پیرامون حل برخی موضوعات بین‌المللی وجود

از مهم ترین توطئه ها و اقدامات براندازانه جبهه استکبار علیه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

## مهم ترین توطئه ها و اقدامات ایالات متحده امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

- حمله نظامی به طیس در ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹؛

- طرح ریزی کودتای «نوزه» برای

براندازی نظام

جمهوری اسلامی

در ۱۸ تیر ۱۳۵۹؛

- ترغیب صدام به

جنگ با ایران و

حمایت همه جانبه از

عراق در طول

هشت سال جنگ؛

- دخالت نظامی مستقیم در جنگ

تحمیلی با حمله نظامی به سکوها

نفی ایران و هواپیمای مسافربری

ایرباس جمهوری اسلامی ایران و به

شهادت رساندن ۲۹۰ سرنشین

غیرنظامی آن؛

- سازماندهی مخالفان نظام برای

مقابله با نظام اسلامی از ابتدای

پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز؛

می کرد و برخی سیاستمداران را جهت می داد و حتی بالاتر اینکه قطع رابطه امریکا با کشور ما هرگز از طرف ایران صورت نگرفته است، بلکه این امریکا بود که در ۱۸ فروردین ۱۳۵۹ قطع روابط سیاسی و بازرگانی امریکا با ایران را خواستار شد و پس از آن بود که این موضوع از طرف ایران تبدیل به یکی از محدوده های ممنوعه درآمد، به گونه ای که گاه چنین تصور

می شود که امکان

برقراری رابطه با

امریکا مطلقاً ممنوع

است. این در حالی

است که علل

استقبال ایران از قطع

رابطه با امریکا ۱ و

بی تمایلی به برقراری مجدد این

روابط درواقع به مصون ماندن کشور

از آسیب ها و زیان هایی برمی گشت

که با وجود این رابطه، کشور ما

متحمل می شد. به عبارتی،

سیاست های امریکا در قبال کشور ما

همواره حالت تخاصمی داشته و این

کشور اقداماتی چه پس و چه پیش از

قطع رابطه با ایران در قبال کشورمان

انجام داده است که باعث تیرگی این

روابط شده است.



- فضا سازی و جنگال تبلیغاتی  
گسترده و جنگ رسانه ای تمام عیار  
علیه نظام اسلامی و طرح اتهامات و  
ادعاهای واهی و بی اساسی همچون  
«نقض حقوق بشر»، «حمایت از  
تروریسم و گروه های تروریستی» و

- دخالت در امور داخلی کشورمان  
به ویژه با بهانه قرار دادن مسائلی  
همچون حقوق بشر، باوجود اینکه  
خود این کشور با داشتن پرونده هایی  
همچون جنایت های فراوان علیه  
ملت های جهان، پرونده زندان



«تلاش برای دستیابی به سلاح های  
کشتار جمعی»؛

- اعمال فشارها و تحریم های  
اقتصادی با هدف تضعیف قدرت  
اقتصادی و مالی ایران و به زانو در آوردن  
نظام نوپای اسلامی، همچون  
مسدود کردن اموال و دارایی های ایران  
در مؤسسات مالی و بانک های  
بین المللی؛

- سنگ اندازی در مسیر توسعه و  
پیشرفت ایران اسلامی؛

گوانتانامو و ابو غریب و دیگر  
زندان های مخفی، بدرفتاری و  
قتل های مکرر رنگین پوستان در این  
کشور و صدها جنایت دیگر علیه  
بشریت بزرگ ترین ناقض حقوق بشر  
است؛

- مقابله با دستیابی جمهوری  
اسلامی به فناوری هسته ای از طریق  
صدور قطعنامه در شورای حکام  
آژانس بین المللی انرژی اتمی؛

- ترور دانشمندان هسته ای چون

«نفوذ در ایران، مقابله با فیلترینگ سایت‌های ضدایرانی، تحریک قربانیان سانسور در ایران، آموزش الکترونیکی ایرانیان مخالف نظام برای براندازی نرم و شبکه‌سازی اینترنتی برای اغتشاشگران بعد از انتخابات ریاست جمهوری، ارائه آموزش‌های لازم رسانه‌ای و کامپیوتری برای راه‌اندازی سایت‌ها برای اطلاع‌رسانی» و مبلغ ۲۰ میلیون دلار بودجه تکمیلی برای «مبارزه با ایران از طریق فعالیت‌های اینترنتی» و در سال ۲۰۱۱م مبلغ ۲۵ میلیون دلار برای «حمایت از هکرها برای تخریب فضای سایبری ایران» تخصیص یافته است؛<sup>۱</sup>

- باید به موارد بالا مشارکت آمریکا در جنگ تحمیلی اسرائیل علیه ایران و حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران در روزهای پایانی خردادماه ۱۴۰۴ را نیز اضافه کنید.

- درحالی‌که ایران اسلامی مشغول مذاکره غیرمستقیم با آمریکا در عمان بود، در خردادماه ۱۴۰۴ رژیم صهیونیستی به ایران حمله کرد و در

شهریاری، علی محمدی، احمدی‌روشن، فخری‌زاده و...؛

- بلوکه کردن اموال و دارایی‌های ایران و برداشت غیرقانونی از آن‌ها به بهانه‌های گوناگون؛

- اقدام به خرابکاری در زیرساخت‌های حیاتی کشور با استفاده از حمله سایبری و ویروس‌های رایانه‌ای و بدافزارها در طول سال‌های اخیر؛

- تحریک دیگر کشورها به تحریم ایران برای ضربه زدن به اقتصاد ملی و معیشت مردم با هدف تزریق نارضایتی در میان جامعه ایران؛

- ایجاد مانع و کارشکنی در مسیر همکاری جمهوری اسلامی با کشورهای جهان؛

- اختصاص بودجه‌های کلان برای مقابله و ضربه زدن به جمهوری اسلامی (نگاهی به بودجه‌های مصوب سنای آمریکا گویای آن است که در سال ۲۰۰۷م مبلغ ۶۶ میلیون دلار برای «گسترش دموکراسی در ایران»، سال ۲۰۰۹م مبلغ ۵۵ میلیون دلار برای «جنگ نرم با ایران»، سال ۲۰۱۰م مبلغ ۵۵ میلیون دلار برای

۱. ر.ک. حسن واعظی، ایران و آمریکا (بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران)، تهران،

سروش، ۱۳۷۹؛ کاظم غریب‌آبادی، برنامه هسته‌ای ایران (واقعیت‌های اساسی)، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷.

ادامه، امریکا تأسیسات هسته‌ای ایران را مورد هدف قرار داد.

بنابراین، قطع رابطه ایران با ایالات متحده امریکا از طرف ایران صورت نگرفته است، بلکه صرفاً به دلیل سیاست‌های خصمانه این کشور در طول بیش از چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی است که نه تنها در طول این سال‌ها از شدت این خصومت‌ها کاسته نشده، بلکه به صورت تصاعدی فزونی نیز یافته است؛ به گونه‌ای که از هرگونه اقدامی برای سقوط انقلاب اسلامی دریغ نمی‌ورزد.

بدیهی است تازمانی که دولتمردان کاخ سفید، در این رویکرد و سیاست خود، تجدیدنظر اساسی نداشته باشند، این امکان میسر نخواهد شد. طبیعتاً با از بین رفتن علل قطع رابطه، این امکان وجود دارد که حداقل رابطه با امریکا مورد بررسی قرار گیرد و حتی در صورت فراهم بودن شرایط این رابطه برقرار شود؛ همان‌طور که امام خمینی<sup>ع</sup> نیز ضمن سخنانی همین مطلب را با تعبیرهای جالبی بیان فرموده بودند: «ما تا آخر ایستاده

ایم و با امریکا روابط ایجاد نخواهیم کرد، مگر اینکه آدم بشود و از ظلم کردن دست بردارد.»<sup>۱</sup>

نتیجه اینکه، رابطه با امریکا نه یک ممنوعیت ذاتی و دائمی بلکه ممنوعیتی عرضی و مشروط دارد که علت آن نیز سیاست‌های دولت امریکا در قبال ملت ایران است و به همین ترتیب برقراری رابطه مشروط به از بین رفتن دلیل قطع رابطه و به عبارتی تغییر واقعی در سیاست‌های این کشور می‌باشد و به همین دلیل اگر کسی رابطه با امریکا را به صورت مشروط عنوان کند هیچ ایرادی ندارد؛ اما اگر رابطه با امریکا به صورت مطلق و بدون در نظر گرفتن تغییرات واقعی در سیاست این کشور در قبال ملت ایران باشد، این کار صرفاً قدمی در جهت اهداف و منافع امریکایی‌ها بوده و جمهوری اسلامی ایران جز ذلت و سرافکندگی از این ارتباط سودی نخواهد برد. باتوجه به این موضوع می‌توان گفت آنچه امروزه تحت عنوان مباحثی همچون مذاکره با امریکا یا رابطه با امریکا در مسقط عمان در حال انجام است صرفاً



## غیرمستقیم ایران و آمریکا پس از انقلاب

مذاکرات دولت موقت با برژینسکی؛ دیدار مهدی بازرگان، نخست وزیر دولت موقت و ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه ایران با مشاور امنیت ملی کارتر در ۱۰ آبان ۱۳۵۸، نخستین مذاکره مستقیم ایران و آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود.

ماجرای آزادی گروگان های آمریکایی و بیانیه الجزایر؛ به موجب این بیانیه که با میانجیگری دولت الجزایر انجام شد، آمریکا متعهد شد که در امور داخلی ایران دخالت نکند و پول های ایران را که در بانک های آن کشور مسدود کرده بود به ایران بازگرداند. یک روز بعد از صدور بیانیه ها در ۳۰ دی ۱۳۵۹ ایران به تعهدات خود عمل کرد و گروگان ها آزاد و از راه الجزایر به آمریکا منتقل

اقداماتی برای راستی آزمایی امریکاست و نه بیش از آن و صرف چنین اقداماتی به معنای رابطه با این کشور یا حسنه شدن همه روابط نیست. به ویژه اینکه برخی مواضع مقامات امریکا در حین انجام مذاکرات مسقط نشان داد که امریکایی ها هنوز هم اعتمادپذیر نیستند.

## تاریخچه مذاکرات ایران و آمریکا پس از انقلاب

مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم ایران و آمریکا از سال ۱۹۷۹ میلادی تاکنون مسیر پیچیده ای را طی کرده است که در ادامه به برخی از آن ها — از توافق الجزایر در ۱۹۸۱م تا مذاکرات مسقط با وساطت دولت عمان — اشاره می شود.

## مهم ترین مذاکرات مستقیم و

شدند، اما دولت امریکا از پابندی به تعهدات خود سرباز زد؛

ماجرای «ایران گیت» و میانجی‌گری ایران برای آزادی گروگان‌های ربوده‌شده در لبنان؛

مذاکره ایران و امریکا با موضوع صلح افغانستان؛

مذاکره ایران و امریکا با موضوع امنیت عراق؛

مذاکرات مستقیم هسته‌ای.<sup>۱</sup>

### چرا مذاکره با امریکا عاقلانه و شرافتمندانه نیست؟

رهبر معظم انقلاب اسلامی (رحمته‌الله) در دیدار اخیر خود با فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر بر عدم مذاکره با امریکا تأکید کردند و این اقدام را «غیرهوشمندانه، غیرعاقلانه و غیرشرافتمندانه» خواندند. این تعبیر، ناظر بر واقعیت‌هایی است که طی دهه‌ها رفتار خصمانه امریکا علیه

ایران و ملت‌های مستقل مشاهده شده است. تحلیل این

برای ضربه‌زدن به کشور استفاده می‌کند، به معنای پذیرش ظلم و تن‌دادن به تحقیر است.

موضع نشان می‌دهد که دلایل عقلی، تجربی و دینی همگی بر غیرمنطقی بودن چنین مذاکراتی تأکید دارند.

**نخست،** از دیدگاه عقلانیت سیاسی، مذاکره زمانی معقول است که دو طرف به دنبال تعامل عادلانه و منصفانه باشند؛ اما امریکا همواره ثابت کرده است که رویکردی استکباری دارد و در مذاکره، نه به دنبال حل مشکلات، بلکه به دنبال تحمیل اراده خود است. تجربه برجام نشان داد که حتی پس از توافق رسمی، واشنگتن به هیچ‌یک از تعهدات خود پایبند نماند و درعین حال، تحریم‌ها را افزایش داد. بنابراین، تکرار این تجربه، نه تنها هوشمندانه نیست، نوعی ساده‌لوحی سیاسی است؛ چراکه تجربه ثابت کرده است که امتیاز دادن به امریکا فقط زمینه را برای فشارهای بیشتر فراهم می‌کند.

دوم، از دیدگاه شرافت ملی، مذاکره با طرفی که از هر

۱. ر.ک: جان پی گلنن، مذاکرات ایران و امریکا، ترجمه محمد آقاجری، تهران، پارسه، ۱۳۷۹؛ ر.ک. سایت میدل ایست

نیوز، «نگاهی به تاریخچه مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم ایران و امریکا از سال ۱۹۷۹م»، دسترسی در: <https://mdeast.news/>، ۱۱ آوریل ۲۰۲۵م.



عَدُوْكَ فِي طَلَبِ الصُّلْحِ؛ یعنی «از نزدیک شدن به دشمنت برای صلح، سخت برحذر باش!» چنین آموزه‌هایی نشان می‌دهد که مذاکره بدون تضمین‌های محکم، اقدامی خلاف حکمت و دوراندیشی است.

علاوه بر این، تجربه تاریخی نشان داده است که کشورهایی که به آمریکا اعتماد کرده‌اند، عاقبت خوشی نداشته‌اند. نمونه‌های عراق، لیبی و افغانستان گواهی بر این مدعاست. در این کشورها، آمریکا ابتدا با شعار مذاکره و تعامل پیش آمد، اما درنهایت، ساختار سیاسی و اقتصادی آن‌ها را به نابودی کشاند. این تجربه‌ها به‌روشنی نشان می‌دهد که اعتماد به چنین دولتی، تصمیمی غیرهوشمندانه است که می‌تواند به خسارت‌های جبران‌ناپذیر ملی منجر شود. همچنین، مذاکرات با آمریکا به‌طور مداوم با هدف تحمیل اراده و تغییر هویت مستقل جمهوری اسلامی مطرح شده است.

تاریخ روابط ایران و آمریکا به‌روشنی نشان می‌دهد که این کشور

ابزار ممکن برای ضربه‌زدن به کشور استفاده می‌کند، به معنای پذیرش ظلم و تن دادن به تحقیر است. تحریم‌های اقتصادی گسترده، حمایت از گروه‌های تروریستی، نقش آفرینی در فتنه‌های داخلی و ترور دانشمندان هسته‌ای، بخشی از اقدامات خصمانه آمریکا بوده است. مذاکره با چنین کشوری، بدون دریافت تضمین‌های قاطع، به معنای نادیده گرفتن خون‌شهادی است که در مسیر عزت و استقلال ایران جان خود را فدا کرده‌اند.<sup>۱</sup>

**سوم**، از دیدگاه دینی، قرآن کریم بارها درباره اعتماد به دشمنان هشدار داده است. در آیه ۱۰۰ سورة بقره آمده است: «أَوْ كَلِمَاتٍ عَاهِدُوا عَهْدًا تَبْذُوهَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ»؛ یعنی «آیا هربار که پیمانی بستند، گروهی از آنان آن را شکستند؟! این آیه به‌روشنی بیان می‌کند که دشمنان دیرینه اسلام به تعهدات خود پایبند نیستند. بر همین اساس، امیر مؤمنان (ع) نیز در نامه خود به مالک‌اشتر تأکید می‌کنند: «الْحَذَرُ كُلِّ الْحَذَرِ مِنْ مُقَارَبَةِ

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. خبرگزاری تسنیم، «چرا مذاکره با آمریکا عاقلانه و شرافتمندانه نیست؟»، دسترسی در:

هیچ گاه به تعهدات خود پایبند نبوده و مذاکره را فقط ابزاری برای اعمال فشار و پیش برد سیاست های سلطه جویانه خود می داند. تجربه های تاریخی، از جمله کودتای

شد. در نهایت، برجام که حاصل چندین سال مذاکره بود، ازسوی دولت امریکا نقض شد و به طور یک جانبه به دست ترامپ پاره شد، درحالی که ایران تمام تعهدات خود را

۲۸ مرداد، بیانیه های الجزایر، مذاکرات مک فارلین، مذاکرات سعدآباد و به ویژه مذاکرات برجام، همگی نشان می دهند که هر بار

تاریخ روابط ایران و امریکا به روشنی نشان می دهد که این کشور هیچ گاه به تعهدات خود پایبند نبوده و مذاکره را فقط ابزاری برای اعمال فشار و پیش برد سیاست های سلطه جویانه خود می داند.

انجام داده بود. باید در نظر داشت امریکا از ایران نه یک توافق محدود، بلکه تغییر بنیادین در سیاست های منطقه ای، نظامی و

ایران در تعامل با امریکا گامی به عقب برداشته، واشنگتن نه تنها تعهداتش را انجام نداده، بلکه در نهایت فشار بیشتری بر ایران تحمیل کرده است. اعتماد دکتر مصدق به امریکا در ملی شدن صنعت نفت به جای حمایت، با کودتای ۲۸ مرداد پاسخ داده شد. در بیانیه های الجزایر، امریکایی ها وعده عدم دخالت در امور داخلی ایران و آزادسازی دارایی های مسدود شده را دادند، اما هیچ یک از این تعهدات اجرایی نشد. پس از مذاکرات سعدآباد نیز ایران به تعهدات خود عمل کرد، اما نه تنها تحریم ها لغو نشد، بلکه فشارهای بیشتری اعمال

حتی فرهنگی را طلب می کند. این درخواست ها فراتر از یک مذاکره عادی است و عملاً به تسلیم یک ملت در برابر قدرت استکباری شباهت دارد. در چنین وضعیتی، پذیرش مذاکره، نه یک رفتار شرافتمندانه، بلکه نوعی انفعال و ضعف در برابر دشمنی گستاخ خواهد بود.

رهبر معظم انقلاب علیه السلام بر این واقعیت نیز تأکید دارند که مذاکره، زمانی می تواند نتیجه بخش باشد که با عزت و قدرت انجام شود؛ درحالی که امریکا می کوشد از ابزار تحریم و فشار، به عنوان اهرم مذاکره استفاده کند. هرگونه گفت وگو در چنین وضعیتی، به معنای پذیرش



منطق زورگویی خواهد بود. از این رو، اتکا به توان داخلی، اقتصاد مقاومتی و قدرت منطقه‌ای، راهبردی هوشمندانه‌تر از مذاکره با دشمنی است که هدفش، نه تعامل، بلکه تسلیم است.

### نتیجه‌گیری

در مجموع، همان‌طور که رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام اشاره کردند، مذاکره با آمریکا نه هوشمندانه است، نه شرافتمندانه؛ زیرا این اقدام، هم خلاف منطق عقلانی و تجربیات گذشته است و هم با آموزه‌های دینی و توصیه‌های بزرگان دین در تضاد قرار دارد.

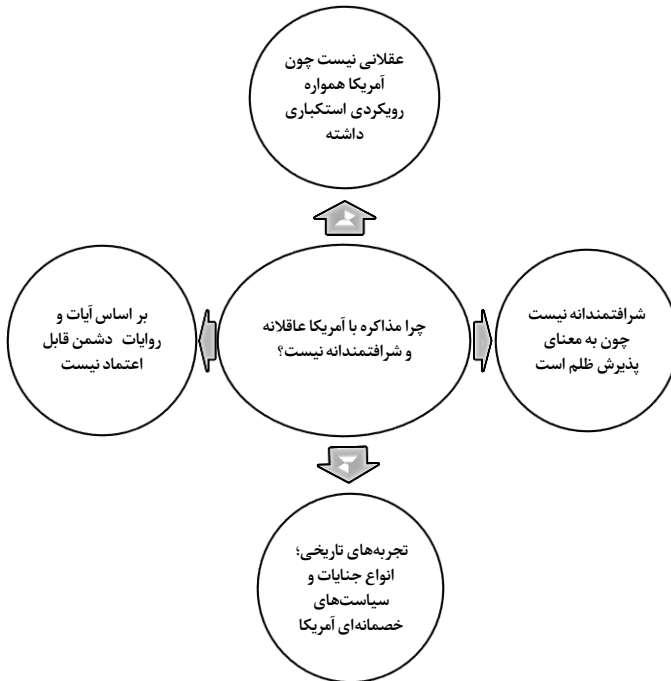
افزون براینکه آمریکا بارها ثابت کرده که مذاکره را نه به‌عنوان راهکاری برای حل اختلافات، بلکه به‌عنوان ابزاری برای تحمیل خواسته‌های خود

و محدودسازی قدرت ایران به‌کار می‌برد. بر همین اساس، همواره کوشیده است از مذاکرات برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی و تضعیف موقعیت آن در منطقه استفاده کند و این دقیقاً همان چیزی است که رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام از آن با عنوان یک تجربه تلخ یاد می‌کنند. به همین دلیل، مذاکره با چنین کشوری نه تنها عاقلانه نیست، به دور از هوشمندی سیاسی و دیپلماتیک است؛ چراکه تجربه ثابت کرده است که امتیاز دادن به آمریکا فقط زمینه را برای فشارهای بیشتر فراهم می‌کند.

علاوه بر این، مذاکره با کشوری که دهه‌ها علیه ایران دشمنی کرده و انواع جنایات را مرتکب شده، به دور از شرافت ملی و منافع عمومی است.

دیدگاه عقلانی و منطقی، نه از لحاظ  
هوشمندی سیاسی و نه از نظر عزت و  
شرافت ملی، اقدام درستی نیست و  
تنها راه مقابله با این دشمن تاریخی،  
تکیه بر توان داخلی و تقویت اقتدار  
ملی است.

همه این اقدامات نشان می دهد که  
امریکا نه تنها به عنوان یک طرف قابل  
اعتماد در مذاکره مطرح نیست، اصولاً  
مذاکره با چنین دشمنی نوعی  
مشروعیت بخشی به رفتارهای ظالمانه  
و جنایت هایش محسوب می شود.  
بنابراین، باتوجه به این واقعیت ها،  
واضح است که مذاکره با امریکا نه از



# زندگی محبت پرانہ

مکتبہ اشاعت  
کتاب





## چریک تنها

زندگی مجاهدانه شهید  
حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی اندرزگو



شهید سیدعلی اندرزگو در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۱۸ در بازارچه گمرک شوش تهران در یک خانواده متوسط دیده به جهان گشود. او پس از طی دوران کودکی و در پایان تحصیلات ابتدایی به سبب مشکلات معیشتی، ترک تحصیل کرد و در یک کارگاه نجاری مشغول به کار شد. از آنجاکه به علوم دینی علاقه وافری داشت پس از کار روزانه مشغول تحصیل علوم دینی شد و در مسجد هرنندی دروس فقه و اصول می خواند.

شهید اندرزگو در نوجوانی و سال های شکل گیری شخصیتش با شهید نواب صفوی آشنا شد. منش و

شخصیت این روحانی مبارز در ذهن و ضمیر او اثری ژرف گذاشت و نتیجه این تأثیر روحی، آشنایی با تشکیلات فدایان اسلام و راه مبارزاتی آنان بود که در تعیین مشی مبارزاتی او نقش آفرین بود.

وی که در آن سال ها به سلاح علم و ایمان خود را مسلح می ساخت، سرانجام با درک و لمس روح نهضت پانزده خرداد به رهبری امام خمینی (ره)، در هجده سالگی گام به عرصه مبارزه با رژیم پهلوی نهاد. پس از واقعه پانزده خرداد دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفت؛ ولی کوچک ترین کلامی که بتواند شکنجه گران را به



مقصودشان رهنمون سازد بر زبان  
نیاورد.

پس از رهایی از زندان با شهید  
حاج صادق امانی و دیگر دوستانی  
که از سابق می‌شناخت ارتباط برقرار  
کرد و وارد شاخه نظامی هیئت مؤتلفه  
اسلامی شد و در همین زمان، مسئله  
ترور حسنعلی منصور، نخست‌وزیر  
وقت، مطرح شد. اعدام انقلابی  
منصور با همکاری شهیدان بخارایی،  
صفار هرنندی، نیک‌نژاد و امانی جامعه  
عمل پوشید. شهید اندرزگو که نوزده  
سال بیشتر نداشت در این عملیات،  
مسئولیت‌گند کردن اتومبیل منصور  
را در محدوده بهارستان برعهده  
داشت، تا شهید بخارایی بتواند با  
دقت عمل او را از پای درآورد.

وقتی که شهید اندرزگو با موفقیت  
وظیفه خود را انجام داد، منصور  
به‌ناچار در نزدیکی مجلس از اتومبیل  
پیاده و عازم مجلس شد و همین امر  
فرصت را فراهم آورد که شهید  
بخارایی گلوله‌ای در گلولی او نشاند،  
و شهید اندرزگو برای اطمینان از مرگ  
منصور، خود را به او رساند و گلوله  
دیگری به مغزش شلیک کرد و  
به‌سرعت متواری شد و از آن به بعد  
زندگی مخفی اختیار کرد ولی هرگز  
از مبارزه باز نایستاد. او مخفیانه در  
قم زندگی کرد و تحصیل علوم  
حوزوی را ادامه داد.

رژیم که از یافتن وی مأیوس شده  
بود او را غیاباً محاکمه و به اعدام  
محکوم کرد. پس از مدتی که او و  
دیگر هم‌زمانش مشغول فراگیری  
علوم حوزوی بودند، توسط ساواک  
شناسایی شدند؛ اما شهید اندرزگو  
توانست فرار کند و خود را مخفیانه به  
عراق برساند و از نعمات وجودی  
امام خمینی (ع) از نزدیک استفاده‌ها  
ببرد.

شهید اندرزگو در سال ۱۳۴۵ به قم  
بازگشت که البته دوباره شناسایی شد  
و ناگزیر به تهران آمد و در محله  
چیدر سکنا گزید.

بار دیگر ساواک موفق به شناسایی و محل زندگی او شد و این بار نیز وقتی به اتاق او ریختند وی از معرکه گریخت و با نامی دیگر و در لباسی مبدل، خود را به مشهد رساند



و در آن شهر با حجت الاسلام عباس واعظ طبسی تماس گرفت و با کمک ایشان توانست همراه همسرش و به طور پنهانی از طریق زابل و زاهدان به افغانستان فرار کند. در افغانستان یک ماه اقامت کرد و تصمیم به بازگشت گرفت و مخفیانه خود را به مشهد رساند. در این دوران، شهید اندرزگو، با لباس مبدل و با نام‌های مستعار به شهرستان‌های گوناگون مسافرت می‌کرد و به فعالیت‌های تبلیغی مشغول می‌شد. در سفری که عازم انجام عمره بود خود را به نجف رساند و به دیدار امام خمینی (ره) نائل گشت و سپس به سوریه و لبنان سفر کرد و بر تجربه‌های مبارزاتی خویش افزود. بازگشت او به ایران هم‌زمان با اوج‌گیری انقلاب اسلامی بود.

در چیدر، تحصیل علوم دینی و مبارزاتش را از نو و در بُعدی دیگر آغاز کرد. در همین جا بود که ازدواج کرد و یک‌و نیم سال در یک اتاق اجاره‌ای با همسرش زندگی کرد. افراد زیادی در نقش

مهمان به منزل وی رفت و آمد می‌کردند که بعدها معلوم شد آن‌ها سربازان انقلاب بوده و تحت آموزش وی قرار داشتند.

وی به‌مرور بر وسعت فعالیت‌های انقلابی‌اش افزود و برای اینکه شناسایی نشود منزلش را پس از مدتی عوض کرد.

در سال ۱۳۵۱، یکی از دوستان او دستگیر شد و در زیر شکنجه‌های طاقت‌فرسا به مواردی در رابطه با شهید اندرزگو اعتراف کرد و ساواک با سرخ‌های به‌دست آمده، درصد دستگیری وی برآمد، اما او توانست از دست ساواک بگریزد و به قم برود. در قم مجدداً با نام مستعار و با ظاهری دیگر، اتاقی اجاره کرد و مشغول فعالیت شد و برای گروه‌های مبارز پول و اسلحه و مهمات و امکانات فراهم ساخت.

## نحوه شهادت

مأموران ساواک دائم در جست و جوی وی بودند. سرانجام از طریق ردیابی تلفنی پی بردند که شهید اندرزگو روز نوزدهم ماه مبارک رمضان افطار را در منزل یکی از دوستانش خواهد بود. شهید نزدیک غروب آن روز با یک موتور گازی راهی منزل دوستش شد؛ او پس از ورود به خیابان سقاباشی متوجه حضور مأموران ساواک شد و در پشت یک اتومبیل پناه گرفت، اما مأموران رژیم از فاصله دور پاهای او را مورد هدف قرار دادند. شهید اندرزگو درحالی که خون به شدت از پاهایش جاری بود توانست تعدادی از اسنادی را که در جیب داشت در دهان گذاشته و بگوید و تعدادی دیگر را نیز با خون خود آغشته کرد تا به دست مأموران ساواک نیفتد.

دژخیمان رژیم که سخت از این چریک مسلمان وحشت داشتند از فاصله دور او را به گلوله بسته بودند و از این باک داشتند که شهید اندرزگو به خودش مواد منفجره بسته باشد. آن‌ها وقتی مطمئن شدند که شهید اندرزگو قادر به انجام حرکتی نیست

به او نزدیک شدند و روی برانکارد قرار دادند، اما سید با تکانی شدید خود را از روی برانکارد به داخل جوی آب انداخت. لحظه شهادت فرا رسیده بود و او درحالی که روزه خود را با خوردن اسناد باز کرده بود، به لقای پروردگارش شتافت. شهید سیدعلی اندرزگو همواره گفته بود: «زننده مرا نخواهند یافت!» و سرانجام نیز چنین شد.

بدن مطهر شهید اندرزگو در بهشت زهرا علیها السلام، قطعه ۳۹ به خاک سپرده شده است.<sup>۱</sup>

## خاطره مقام معظم رهبری علیه السلام از شهید

در زمانی که منزلشان مشهد بود و لباس افغانی هم پوشیده بود با آیت الله خامنه‌ای علیه السلام ملاقات کرد. این را خود مقام معظم رهبری علیه السلام برای ما تعریف کرد. گفت: یک روز ظهر می‌رفتیم مسجد پدرمان در بازار سرشور نماز بخوانیم. دیدم سیدعلی اندرزگو از سر کوچه می‌آید برود خانه‌شان. در همسایگی یکدیگر بودند. یک بچه بغلش بود و یک

۱. بسیج و کانون فرهنگی هنری مسجد انصارالحسین علیه السلام، «شهیدی از روحانیت»،

نشریه قافله نور، س ۷، ش ۹۹، شهریور ۱۳۸۷، ص ۸-۱۰.





### اسلحه روغنی!

اکبر حسینی صالحی: یک بار گفت می خواهم بروم از همدان مقداری روغن بیاورم؛ یک ماشین تهیه کنید. ما ماشین دامادمان را گرفتیم و رفتیم آنجا و دیدیم که ده پانزده تا از این حلب های هفده کیلویی روغن کرمانشاهی پر شده بود. گفتند: از کرمانشاه آمده اند. ایشان گذاشت در ماشین و ما آوردیم تهران. به ایشان گفتیم: خب، مرد حسابی اگر روغن می خواستی می گفتی برایت حواله کنند بیاورند. بعد فهمیدم که با یک مهارتی این حلب ها را یک وجب زیرش خالی گذاشته، اسلحه و نارنجک و مهمات گذاشته و از نصف به بالایش را روغن ریخته و لحیم کرده که اگر هم کسی درش را

زنیل هم دستش. وسط کوچه به هم رسیدیم و حال و احوال کردیم. گفت: آقا شما امری داشته باشید ما در خدمتتان هستیم. این طرف و آن طرف کوچه را نگاه کرد و دیدم در این زنیل هم یک مشت لباس بچه و میوه ریخته و دید که کسی نمی آید، این لباس ها را زد کنار. دیدم کلی اسلحه و نارنجک زیر این لباس ها چیده و با این تاکتیک... خلاصه، این ها را نشان من داد و گفت: اگر امری، فرمایشی باشد ما در خدمت علما هستیم! این خاطره را هم بعد از انقلاب مقام معظم رهبری (دامت برکاته) که در مدرسه رفاه در خیابان ایران، ما رفتیم برای اندرزگو سالگرد بگیریم تعریف کردند.<sup>۱</sup>

۱. محمدجواد مرادی نیا، امام خمینی و هیئت های دینی مبارز، تهران، مؤسسه تنظیم

باز کرد، متوجه اسلحه‌ها نشوند.<sup>۱</sup>

### سفر با مرغ و خروس!

میدان امین سلطان نزدیک سر قبر آقا در پایین خیابان مولوی، که به انتهای شوش می‌خورد، آنجا یک آقایی بود به نام افشار که خروس جنگی و مرغ‌های جنگی تربیت می‌کرد. گفتم: تو با این خروس‌بازها هم ارتباط پیدا کردی و ما خبر نداریم! ما یک روز بلیت مشهد گرفته بودیم و قرار بود ایشان را سوارش کنیم ببریم راه‌آهن که برود. گفت: مرا سر راه در سر قبر آقا پیاده کن، پنج دقیقه کار دارم. ما پیاده‌اش کردیم، دیدیم رفت در این کوچه‌پس‌کوچه‌ها چند تا مرغ و خروس جنگی با خودش آورد و رفت سوار قطار شد. گفتم: این دیگر چیست؟! گفت: آخر تو نمی‌دانی من برای اینکه رد گم کنم و شناسایی‌ام نکنند، به عنوان خروس‌باز باید این‌ها را همراه خودم داشته باشم.<sup>۲</sup>

### خاطره سید آزادگان از عنایت

#### امام زمان علیه السلام به شهید اندرزگو

سال ۱۳۵۲، شش یا هفت ماه بعد از

جریان دستگیری و آزادی ما از زندان، در تهران خدمت آقا سیدعلی اندرزگو رسیدیم. او خاطره‌ای نقل کرد: تحت تعقیب بودیم. رفتیم به سوی افغانستان. می‌بایست از طریق مشهد قاجاچی می‌رفتیم. در بین راه، رودخانه بزرگی وجود داشت. آب سر راه ما موج می‌زد. من دیدم با زن و بچه امکان عبور نیست. یقین داشتم منزلمان محاصره است و مأموران ساواک به خانه مان ریخته‌اند و در سطح ایران برای پیدا کردن من در تلاش هستند. یقیناً ژاندارمری ما را می‌گرفت و از قبل هم به سراسر کشور مخابره شده بود. همان‌جا متوسل به وجود آقا امام زمان علیه السلام شدیم. می‌گفت: دیگر نمی‌دانم چطور توسل پیدا کردم! گفتم: آقا این زن و بچه در این بیابان غربت امشب درنمانند. آقا! اگر من تقصیرکارم، این‌ها تقصیری ندارند. یک باره مردی سوار بر اسب نزدیک آمد و جویای حال ما شد. گفتم: می‌خواهیم از آب عبور کنیم. او بچه را بلند کرد و در سینه خودش گرفت. من پشت سر او و خانم هم پشت سر من

۱. ۱۳۹۹/۱۰۳۲۹۳، ۱۹ بهمن ۱۳۹۹.

۲. محمدجواد مرادی‌نیا، همان، ص ۱۴۶.

۱. خبرگزاری تابناک، «چریکی که تا سال‌ها نام اصلی‌اش را به همسرش نگفت!»، دسترسی در: <https://www.tabnak.ir/fa/news>

سوار شد. او با اسب به آب زد؛ درحالی که اسب شنا می کرد. راه نمی رفت. آن طرف آب، ما را گذاشت زمین. بعد از رسیدن به آن طرف، من سجده شکری به شکرانه اینکه پروردگار عالم دست ما را گرفت به جا آوردم. در حال سجده به این فکر افتادم که این شخص چه کسی بود. پیش خودم گفتم از ایشان هم تشکر بیشتری بکنم. از سجده برخاستم. همین طور خوشحال بودم، دیدم که اسب سوار رفته است. در همین وقت با خودم گفتم: لباس هایم را در بیاورم تا خشک شود. دیدم به لباس هایم یک قطره آب هم نپاشیده. به کفش و لباس و چادر هم سرم نگاه کردم، دیدم خشک است. دو مرتبه به سجده افتادم و از رحمت خاص پروردگار عالم که شامل حال من شده بود حالت خاصی به من دست داد و با صدای بلند شروع کردم به گریه کردن. خانمم می گفت: چیه؟! چی شده؟! گفتم: اگر تا امروز رحمت خاص را به چشم ندیده بودم، امروز آن واقعیت برایم مجسم شد. آیا قطره آبی روی لباس ها یا کفشت می بینی؟ همان حالت نیز به هم سرم دست داد و آنجا بود که حس کردم اضطراب خاطر از وجود هم سرم هم رفته است.

این جریانی است که تا این وقت هیچ جایی نگفتم. (اردوگاه کوچک شماره پنج تکریت که محل تبعید بسیاری از فعالان فرهنگی اردوگاه ها بود، محل مناسبی شد که حاج آقا ابوترابی برخی خاطرات ناگفته خویش را بیان کند.) ولی خب، فکر می کنم اینجا جایش باشد. ایشان فرمود: آن طرف آب روستایی بود. رفتیم توی روستا. چندان ما را تحویل نمی گرفتند. جایی بود که معلوم بود هرکس می آید می خواهد به طور قاچاق به افغانستان برود. لذا نمی خواستند من را تحویل بگیرند. یکی از آن خانه ها، بالاخره با رودریاستی شب ما را راه دادند؛ به این عنوان که فقط شب آنجا باشیم؛ در آن شب، صحبت هایی کردیم؛ از جمله گفت: گاوی داریم که شیرش خشکیده و مدتی است که از این مختصر نعمت خدا محروم مانده ایم. این تنها سرمایه ما بود. پیش خود گفتم: یک توسلی می کنیم و همین جوری دستی به سینه گاو کشیدیم. در همان وقت، یک مرتبه سینه گاو پر از شیر شد! کار به جایی رسید که آن ها مثل امامزاده با گریه و شوق دور ما جمع شدند و نگذاشتند

ما جایی برویم و مدتی که می‌خواستیم مخفی باشیم، آن‌ها ما را به‌زور نگه داشتند.

این ناقلش آن شهید بزرگوار است که اگر کسی دیگری برای انسان نقل کند، انسان نمی‌تواند باور و یقین کند. ولی ایشان در صداقتش اصلاً جای کمترین خدشه‌ای نبود و آن‌چنان با اخلاص زندگی می‌کرد که هیچ پروایی نداشت که الان دستگیر بشود، یا الان به شهادت برسد.<sup>۱</sup>

### از خواستگاری تا شهادت به روایت همسر

سال ۱۳۴۹ با هم آشنا شدیم. امام جماعت مسجد محله چیدر تهران ما را به هم معرفی کرده بود. حاج آقا به پدرم درباره آقا داماد گفته بود: «از طلبه‌های حوزه چیدر است. از من خواسته دختری برایش پیدا کنم که یک، برادر نداشته باشد، دوم پدرش آدم ساده‌ای باشد، سوم اینکه خانواده‌شان شلوغ نباشد.» خواستگارهای بسیاری برایم آمده بود، ولی من همه را رد کرده و گفته بودم می‌خواهم با یک طلبه ازدواج

کنم تا هر زمان که در زندگی به مشکل و مسائل شرعی برخوردیم، آن را از شوهر خودم بپرسم. از طرفی، می‌خواستم با کسی ازدواج کنم که مطمئن باشم پولش حلال است.

### می‌توانی نان طلبگی بخوری، بسم‌الله!

روز خواستگاری خودش را به نام «شیخ عباس تهرانی» معرفی کرد. من هم طبق رسم و رسوم، چایی بردم، اما به‌خاطر خجالت و حجب و حیا، نه من و نه ایشان نتوانستیم به یکدیگر نگاه کنیم؛ اما من موقعی که او داشت از خانه بیرون می‌رفت طوری که متوجه نشود از پنجره نگاهش کردم. قبای نیمچه‌ای تنش بود و کلاه عرق‌چین مشکی بر سر گذاشته بود. گویا وقتی پدر و مادرم سؤال کرده بودند پدر و مادران کجا هستند، بنای شوخی گذاشته و درنهایت گفته بود: «من زیربته‌ای هستم و کسی را ندارم!» بار دوم که آمد صحبت کند گفت: «من کسی را ندارم و یک طلبه هستم که چیزی از مال دنیا ندارد. اگر می‌توانی نان طلبگی بخوری،

۱. خبرگزاری دفاع مقدس، «خاطره سید آزادگان از عنایت امام زمان به شهید اندرگو»،

بسم الله! از زمان خواستگاری تا ازدواج سه ماه طول کشید. مهریه ام ۶۵۰۰ تومان بود که آن را هم وقتی اندرزگو می خواست برای سفر حج برود بخشیدم.

### من اندرزگو هستم!

حتی کلمه ای در باره سابقه مبارزاتی اش و این که دنبالش هستند، صحبت نکرد. همه فکر می کردیم او یک طلبه ساده و معمولی است. سال ۱۳۵۱، یعنی حدود سه سال پس از ازدواجمان، در سفری که به افغانستان رفتیم، در آنجا بود که متوجه شدم او چه کسی است. یک روز که با دوستانش نشسته بودیم، به آن ها گفت: «همسر اسم اصلی و کار مرا نمی داند.» اول کمی تعجب کردم. بعد از مدتی حرف زدن به من گفت: «نام اصلی من سیدعلی اندرزگوست، تیر خلاصی حسن علی منصور را من زدم.» آنجا بود که فهمیدم از سال ۱۳۴۳ مأموران حکومت به دنبال او هستند!

### برای سرگرم کردنم سبزی می خرید!

یک کمد داشتیم که ایشان همیشه در آن را قفل می کرد. گاهی خیلی سریع

می آمد و طوری که من متوجه نشوم، چیزهایی داخل آن می گذاشت یا برمی داشت و درش را قفل می کرد. وقتی می پرسیدم داخل این کمد چیست، می گفت: «امانات و وسایل مردم است که نمی خواهم کسی به آن ها دست بزند.» یکی از روزها جوانی به خانه مان آمد. او و آقاسید باهم در اتاقی بودند و من و مهدی پسرمان - که آن زمان دوماهه بود - در اتاق دیگری بودیم. ناگهان صدای گلوله ای از اتاق آن ها به گوشم رسید. آقا سراسیمه از اتاق بیرون پرید و طرف من و مهدی آمد. دست پاچه گفت: «شما و مهدی که نترسیدید؟!» گفتیم: «نه، مگه چی شده؟!» گفت: «چیزی نبود، این دستگاه ضبط صوت خراب شده، یک دفعه صدا داد!» فهمیدم که نمی خواهد واقعتی را بگوید. برای همین دیگر سؤالی نپرسیدیم، اما بعدها فهمیدم که آن جوان برای آموزش کار با سلاح آنجا بوده که در حین تمرین، گلوله ای از اسلحه در می رود و به ضبط صوت می خورد. در چنین مواقعی که دوستانش را به خانه می آورد، برای اینکه سر مرا گرم کند، سبزی می خرید و با خود به خانه می آورد تا



من پاک کنم!

## پدر و مادرم آدرس خانه را داده بودند!

یک روز به خانه آمد و گفت: «وسایل را جمع کن که باید برویم تبریز. هرکس هم پرسید بگو برادر شوهرت تصادف کرده، می‌رویم تبریز دیدنش.» یک‌راست رفتیم قم و چهار ماه آنجا ساکن بودیم. ماه محرم بود که برای تبلیغ به آبادان رفت. البته فقط برای تبلیغ نمی‌رفت، اسلحه می‌آورد. جالب این بود، هر جا که برای تبلیغ می‌رفت، به او مرغ و خروس زنده می‌دادند؛ وقتی برمی‌گشت، کلی مرغ و خروس با خود می‌آورد! یک بار پدر و مادرم را هم به خانه ما آورد. برای همین، آن‌ها نشانی خانه مان را بلد بودند. یادم هست بعد از عاشورا، از تبریز که آمد، دلش خیلی درد می‌کرد؛ گفت: «باید به درمانگاه بروم.» او که رفت ساعت دوازده شب یک‌دفعه زنگ خانه به صدا درآمد. بیرون که رفتم دیدم خانه تحت نظر است. پدر و مادرم را گرفته بودند و آن‌ها هم بالاجبار خانه ما را نشان داده بودند.

## زنده ماندن تو یک معجزه بود!

در سفر دومی که برای رفتن به افغانستان در زابل ماندیم، سختی‌های زیادی کشیدم. یک ماه تمام آقا سیدعلی به افغانستان رفته بود تا کارها را ردیف کند. من هم در خانه فردی در زابل مستأجر بودم. پسرم بدجور مریض شد، اما آقا سیدعلی گفته بود که نباید از خانه بیرون بروم. صاحب‌خانه هم غالباً به ما غذا نمی‌داد. یکی از شب‌ها متوجه شدم با مرد دیگری نقشه قتل من و فرزندم را می‌کشند، اما با التماس‌های زن صاحب‌خانه از قصدشان منصرف شدند. همان شب مردی به دنبالمان آمد و ما را به خانه‌ای برد که اندرزگو به آنجا برگشته بود. داخل اولین اتاق که شدم، اندرزگو را دیدم. باورم نمی‌شد دوباره او را ببینم. داشت گریه‌ام می‌گرفت؛ یاد سختی‌هایی افتادم که در این یک ماه کشیده بودم. او مهدی را در بغل گرفت. مهدی هم با دیدن پدرش زد زیر گریه و خود را به او چسباند. اندرزگو سعی کرد به من دل گرمی دهد و گفت: «زنده ماندن تو یک معجزه بود، چون صاحب‌خانه قصد داشت که تو و مهدی را بکشد، ولی لطف خدا



نو، باید بماند برای  
روزی که  
امام خمینی علیه السلام وارد  
مملکت می شوند. آن  
روز این لباس را  
خواهم پوشید، عمامه  
سیدی ام را بر سر  
خواهم گذاشت و به  
استقبال امام خواهیم

رفت.» خنده ای زیبا کرد و ادامه داد:  
«آن روز از شما هم به عنوان همسر  
یک مبارز، استقبال گرمی خواهد شد  
و گوسفند جلوی پایتان قربانی  
خواهند کرد!» ولی حال و هوایش چیز  
دیگری می گفت. حالش این بود که  
دارد به شهادت نزدیک می شود. آن  
روز خدا حافظی کرد و رفت. صبح  
روز نوزدهم رمضان هم تلفنی تماس  
گرفت. بعدها فهمیدم که همین تلفن،  
باعث لو رفتن ایشان بود که به  
شهادتش منجر شد؛ چون آقا کسی  
نبود که به راحتی تسلیم شود.

### حاج آقا دکتر شده بود!

در یکی از سفرها، چهار قبضه اسلحه  
کمری و تعدادی خشاب، به دور کمرم  
بستم و لباس هایم را روی آن پوشیدم.  
کار خطرناکی بود، ولی چون خودم را

شامل حالتان شد!»  
کمی که گذشت آقا  
سیدعلی رو به من  
کرد و گفت: «حالا  
که آمدی، باید یک  
کار خیلی مهم  
برای من انجام  
بدهی؛ آن هم  
جابه جایی تعدادی

اسلحه است. دیشب خیلی با خدا  
مناجات کردم و گریه کردم که شما را  
سالم به من برساند.»

### چه خوبه این لباس رو بپوشید!

آخرین باری که آقای اندرزگو را دیدم،  
روز شانزدهم ماه رمضان سال ۱۳۵۷  
بود. یک دست لباس روحانیت نو  
پوشید. عمامه مشکی سیدی را بر سر  
گذاشت. خیلی زیبا شده بود. رفت  
جلوی آینه و نگاهی به سرووضع  
خودش انداخت. باورم شد که این  
یکی دیگر چهره اصلی اوست و هیچ  
تغییر و گریمی در آن نیست. خیلی  
خوشم آمد. با خنده نگاهی به او  
انداختم و گفتم: «حاج آقا، چه خوبه  
این لباس رو بپوشید!» برگشت،  
نگاهی انداخت و با تبسمی زیبا  
پاسخ داد: «نه خانم! این لباس زیبا و

در کنار آقا می دیدم، هیچ اضطراب و ترسی نداشتم. آقا ریشش را تراشیده، عینکی به چشم زده، و کت و شلوار قهوه‌ای شیکی پوشیده بود. عنوانش هم دکتر بود. خیلی جالب بود؛ مثلاً او دکتر بود، لباس نداشت، ولی من که باید نقش زن دکتر را بازی می کردم، یک چادر کهنه سرم بود! اصلاً قیافه‌هایمان به هم نمی خورد. به اولین پاسگاه خارج از زابل که رسیدیم، درجه دار درشت‌هیکل و بدقیافه‌ای آمد داخل اتوبوس و گفت که همه باید پیاده شوند، و پیاده شدیم. بدترین زمان وقتی بود که گفت همه مسافرها، چه زن و چه مرد، باید بازرسی شوند. آقا با دیدن این وضعیت، با آرنج به پهلوی من زد و من هم طبق آموزش‌های ایشان، خود را زدم به دل درد و آه و ناله! مأمور پاسگاه گفت که برای اینکه حالم بهتر شود، توی پاسگاه برویم. داخل که شدیم، با تعجب دیدم یک عکس بزرگ آقا سیدعلی را به عنوان فراری و تحت تعقیب روی دیوار زده‌اند. آقا با دیدن این عکس، خیلی سریع برگشت.

همه را بازرسی کرده بودند و اتوبوس منتظر ما بود. با خونسردی و عادی سوار شدیم و رفتیم!

### منتظر بودم که بیاید!

روزهایی که قرار بود امام علیه السلام بیاید، ما هر لحظه انتظار می کشیدیم که ایشان هم بیاید. خیلی چشم انتظار بودم که او را کنار امام علیه السلام ببینم. امام علیه السلام که آمد، چند نفر آمدند و ما را پیش ایشان بردند. آنجا بود که فهمیدم آقا شهید شده است. وقتی امام علیه السلام خبر شهادت او را به ما داد، باور نمی کردم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، «تهرانی» شکنجه گر معروف ساواک، در اعترافاتش قضیه شهادت سید را تعریف کرد و نشانی مزار او را در بهشت زهرا علیه السلام به ما داد. آن روز که ما را سر مزار آقا بردند، خیلی ضجه زدم و گریه کردم. پنج شش ماه انتظار کشیده بودم تا او را ببینم، ولی حالا سنگ سرد قبری را نشانم می دادند که می گفتند شوهرم، پدر چهار فرزندم، زیر آن خوابیده است! الان هم آقا در قطعه ۳۹ در زیر سنگی ساده و غریب خفته است. غریب غریب!

۱. پایگاه سازمان تبلیغات اسلامی، «پرسه در خاطرات همسر شهید اندرزگو؛ از

خواستگاری تا شهادت»، دسترسی در: <https://nehzat.ir/fa/news/153>، ۸ آبان ۱۴۰۰.

## پرسش‌های مسابقه غیر حضوری

۱. پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ به پرسش «هدیه مردگان چیست؟» چه فرمودند؟

(الف) زیارت قبور

(ب) صدقه و دعا

(ج) خواندن قرآن

(د) برگزاری مراسم سوگواری

۲. براساس بیان امام خامنه‌ای «عَلَّتْ أَصْلَى مَخَالَفَتِ امْرِیْكَا بِاَنْظَامِ جُمْهُورِیِّ اِسْلامِیِّ اِیرانِ چِیست؟»

(الف) تفاوت در نظام سیاسی

(ب) نفوذ منطقه‌ای ایران

(ج) کوتاه شدن دست امریکا از تسلط بر ایران

(د) هسته‌ای شدن ایران

۳. کدام گزینه جزو کارکردهای معنویت در خانواده نیست؟

(الف) ایجاد آرامش درونی و کاهش استرس

(ب) تاب‌آوری در مواجهه با بحران‌ها

(ج) انتقال ارزش‌های اخلاقی

(د) افزایش رقابت اقتصادی بین اعضای خانواده

۴. در داستان حضرت موسی «وَ بَصُرْتُ بِهٖ عَنْ جُنُبٍ» درباره چه کسی و نشان‌دهنده کدام ویژگی اوست؟

(الف) مادر حضرت موسی «- ترس و اضطراب»

(ب) خواهر حضرت موسی «- هوشیاری و نظارت از دور»

(ج) مادر حضرت موسی «- هوشیاری و نظارت از دور»

(د) خواهر حضرت موسی «- ترس و اضطراب»

۵. تعبیر «كَانَتْ مِنْ أَيْرِ النِّسَاءِ وَ أَوْفَاهُنَّ بِوَعِيَةِ اللَّهِ» از کیست و در وصف کدام شخصیت وارد شده است؟

الف) امام رضا (ع) - مادر موسی

ب) امام صادق (ع) - خواهر حضرت موسی

ج) امام هادی (ع) - همسر فرعون

د) امام علی (ع) - زن مؤمن آل فرعون

۶. سوره منافقون در کدام دسته از سوره های قرآن قرار می گیرد؟

الف) طوال

ب) مثانی

ج) مفضلات

د) مئون

۷. کدام گزینه درباره محتوا و محورهای اصلی سوره منافقون صحیح نیست؟

الف) نشانه ها و ویژگی های منافقان و جریان نفاق

ب) برحذر داشتن مؤمنان از توطئه های منافقان، و لزوم مراقبت دائم در این زمینه

ج) هشدار به مؤمنان که مواهب مادی دنیا آن ها را از ذکر خداوند غافل نکند

د) توصیه به جهاد در راه خدا پیش از آنکه مرگ فرا رسد و آتش حسرت به جان انسان بیفتد

۸. معنای واژگان «جُنَّةً» و «سَاءً» به ترتیب کدام است؟

الف) سپر - بد است

ب) سپر - آسایش

ج) بهشت - بد است

ج) بهشت - آسایش

۹. تعلل بی وجه و ممالطه در انجام وظایف اداری چه حکمی دارد؟

الف) قانوناً خلاف و شرعاً حرام است.

ب) موجب ضمان حقوق استخدامی دریافتی نسبت به موارد کم کاری یا خودداری از کارهای

محواله است.



(ج) اگر قابل توجه نباشد و موجب ضرر به فرد یا سازمان نشود اشکال ندارد وگرنه موجب ضمان خواهد بود.

(د) گزینه الف و ب

۱۰. کدام گزینه از نظر حکم شرعی، صحیح نیست؟

(الف) کوتاهی در کار باتوجه به مدرک تحصیلی و تفاوت فاحش حقوق و دستمزد جایز نیست.

(ب) ترک محل کار برای امور ضروری اشکال ندارد.

(ج) اعمال سلبیقه در نیروهای مسلح از نظر دستورات و اقدامات اجرایی، اگر مغایر مقررات و ضوابط باشد، جایز نیست.

(د) دیرآمدن به پادگان و جبران آن به واسطه دیررفتن ذمه انسان را بری می‌سازد.

۱۱. خارج شدن کارمند از محل خدمت — بدون اجازه آن سازمان — برای تشییع جنازه یا مجلس

ختم درحالی که حقوق آن ساعت را دریافت می‌کند چه حکمی دارد؟

(الف) اگر از وظیفه کوتاهی نموده به مقداری که کوتاهی کرده مدیون است.

(ب) اشکال ندارد، به شرطی که به قدر ضرورت اکتفا کند.

(ج) چون یک امر پذیرفته شده و رایج در سازمان‌هاست، اشکال ندارد.

(د) از باب تکریم انسان مؤمن، در حد متعارف اشکال ندارد.

۱۲. کدام یک از گزینه‌های زیر جزو آثار و برکات اخلاق‌مداری در سازمان نیست؟

(الف) قدرت جذب و تأثیرگذاری بالا

(ب) استحکام و تقویت روابط اجتماعی

(ج) مصونیت بخشی در برابر تخلفات و فساد

(د) ارتقای تخصص و مهارت

۱۳. مراد امیر مؤمنان علیه السلام از «التَّوَّانِي» در حدیث «مَنْ أَطَاعَ التَّوَّانِي ضَيَّعَ الْحُقُوقَ» چیست؟

(الف) عجله و شتابزدگی

(ب) سستی و کاهلی

(ج) حرص و طمع

(د) غرور و تکبر

۱۴. براساس بیان امام خامنه علیه السلام، سه آفت ویرانگر جامعه که پایه و اساس مشکلات ماست، کدام اند؟

الف) تبعیض، تنبلی و کاهلی، اعتماد به دشمن

ب) فساد، فقر، تبعیض

ج) وابستگی به غرب، عدم اعتماد به نفس، اهمال کاری

د) قانون گریزی، بی عدالتی، کم کاری

۱۵. رهبر معظم انقلاب علیه السلام در بیانیه گام دوم، در بیان اهمیت و نقش کلیدی امید از چه تعبیری استفاده می کنند؟

الف) اکسیر تحولگر

ب) کلید اساسی همه قفل ها

ج) رمز و عامل اساسی موفقیت

د) رمز ناامیدی دشمن

۱۶. کدام گزینه از راهکارهای رسیدن به تفکر مثبت است؟

الف) همراهی با زیبایی های زندگی

ب) اندیشه در داشته ها

ج) نادیده گرفتن شکست ها

د) گزینه الف و ب

۱۷. براساس بیان امام خامنه ای علیه السلام، با توجه به اقدامات دشمنان، امروز بزرگ ترین جهاد در میدان تبلیغات چیست؟

الف) ایجاد امید

ب) ترویج روحیه جهادی

ج) مقابله با فساد و تبعیض

د) تلاش برای حضور مردم در صحنه

۱۸. کدام گزینه جزو نشانه‌ها و شاخص‌های طلاق عاطفی نیست؟

(الف) مشاجرات مکرر و طولانی

(ب) انتقاد و بی‌احترامی

(ج) دوگانگی رفتار در جمع

(د) تمرکز بر نقاط منفی

۱۹. پیامدهای طلاق عاطفی عمدتاً گریبان‌گیر کدام طیف می‌شود؟

(الف) کودکان

(ب) زنان

(ج) مردان

(د) گزینه الف و ب

۲۰. کدام گزینه نادرست است؟

(الف) آنچه موجب پایداری و استحکام نهاد خانواده می‌شود، ارضای غریزه جنسی است نه روابط زناشویی.

(ب) رابطه زناشویی موفق، با شناسایی اختلالات جنسی و درمان آن‌ها حاصل می‌شود.

(ج) گاهی برای حل بحران گسست عاطفی بین زوجین باید به بازسازی رابطه زناشویی اقدام کرد.

(د) بسیاری زن و شوهری که به عمل زناشویی اقدام می‌کنند، ولی به هیچ‌وجه غریزه جنسی آن‌ها ارضا و اشباع نمی‌شود.

به نشانی: <http://www.serajnet.org> ارسال کنید.

به پنج نفر از کسانی که به پرسش‌ها پاسخ صحیح دهند به قید قرعه هدایایی اهدا می‌شود.

| ردیف | الف | ب | ج | د |
|------|-----|---|---|---|
| ۱    |     |   |   |   |
| ۲    |     |   |   |   |
| ۳    |     |   |   |   |
| ۴    |     |   |   |   |
| ۵    |     |   |   |   |
| ۶    |     |   |   |   |
| ۷    |     |   |   |   |
| ۸    |     |   |   |   |
| ۹    |     |   |   |   |
| ۱۰   |     |   |   |   |
| ۱۱   |     |   |   |   |
| ۱۲   |     |   |   |   |
| ۱۳   |     |   |   |   |
| ۱۴   |     |   |   |   |
| ۱۵   |     |   |   |   |
| ۱۶   |     |   |   |   |
| ۱۷   |     |   |   |   |
| ۱۸   |     |   |   |   |
| ۱۹   |     |   |   |   |
| ۲۰   |     |   |   |   |

## کتابنامه

- قرآن کریم.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسة تحقیقاتی امیرالمؤمنین<sup>علیه السلام</sup>، ۱۳۸۴.
- علی بن الحسین<sup>علیه السلام</sup> [امام چهارم]، صحیفه سجادیه، قم، الهادی، ۱۳۷۸.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله. شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ ق.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد. النهاية فی غریب الحديث، ریاض، دار ابن الجوزی، ۱۴۲۱ ق.
- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی. الأمالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.
- ابن تیمیه، أحمد بن عبد الحلیم. منهاج السنة النبویة، ریاض، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، ۱۴۰۶ ق.
- ابن حنبل، أحمد. المسند، تحقیق شعیب الأرناؤوط و عادل مرشد، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ ق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی. إقبال الأعمال، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۷.
- اصغری، فریده. «بدعت و سنت از دیدگاه فِرَق اسلامی و جریان های تکفیری»، کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، قم، دارالاعلام لمدرسة اهل البيت<sup>علیهم السلام</sup>، ۱۳۹۳.
- آقامیری، سید محمود رضا. «انرژی هسته ای؛ نیاز قطعی امروز و فردای ایران»، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=49695>، ۱۳ اسفند ۱۴۰۰.
- باستانی، سوسن و دیگران. «پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی های مواجهه با آن»، فصلنامه خانواده پژوهی دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۷، ش ۲، مهر ۱۳۹۰، ص ۲۴۱-۲۵۷.
- باقری بیدهندی، نادر. رشوه از نظر اسلام، قم، مؤسسه خدمات فرهنگی علوم اسلام، ۱۳۷۳.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. صحیح البخاری، مکه مکرمه، مکتبة النهضة الحديثة، ۱۳۷۶ ق.
- بختیاری، افسانه و دیگران. «نقش معنویت بر نظام سلامت خانواده از دیدگاه اسلام»، نشریه اسلام و سلامت، دوره ۴، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۲۸-۳۸.
- بروجردی، سید حسین. جامع أحادیث الشیعه، قم، المهر، ۱۳۸۰.
- برهانپوری، نظام. فتاوی الهندیة فی مذهب الإمام أبی حنیفة، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۹۳ ق.
- بسیج و کانون فرهنگی هنری مسجد انصارالحسین<sup>علیه السلام</sup>. «شهیدی از روحانیت»، نشریه قافله نور، س ۷، ش ۹۹، شهریور ۱۳۸۷، ص ۸-۱۰.
- بلاغی، عبدالحجّه. حجة التفاسیر و بلاغ الکسیر، قم، حکمت، ۱۳۸۶.



- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری. دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>.
- پایگاه خبری تحلیلی ۵۹۸. «شش راهکار تربیت فرزندان ولایی»، کد خبر ۲۶۰۶۳۱.
- پایگاه سازمان تبلیغات اسلامی. «پرسه در خاطرات همسر شهید اندرزگو، از خواستگاری تا شهادت»، دسترسی در: <https://nehzat.ir/fa/news/153>، ۸ آبان ۱۴۰۰.
- پاینده، ابوالقاسم. نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، ۱۳۶۳.
- پسندیده، عباس. رضایت از زندگی، قم، دارالحديث، ۱۳۹۲.
- جزیری، عبدالرحمن بن محمد. الفقه علی المذاهب الأربعة، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
- جعفری، جواد و دیگران. «نقش خانواده در تربیت: با رویکرد اسلامی»، بیست‌وسومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مدیریت، اقتصاد و توسعه، ۱۴۰۳.
- جوادی آملی، عبدالله. قرآن در قرآن، قم، إسرأ، ۱۳۹۴.
- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد. دیوان غزلیات، قم، ریاحین، ۱۳۹۰.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
- حز عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعة، قم، مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۹ق.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی. أجوبة الاستفتاءات، تهران، الهدی، ۱۳۸۱.
- حکیمی، محمدرضا. الحیاة، ترجمة احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
- حلبی شافعی، برهان‌الدین. السیرة الحلبیة، بیروت، المكتبة الإسلامية.
- خبرگزاری تابناک. «چیزی که تا سال‌ها نام اصلی‌اش را به همسرش نگفت!»، دسترسی در: <https://www.tabnak.ir/fa/news/1032935>، ۱۹ بهمن ۱۳۹۹.
- خبرگزاری تسنیم. «چرا مذاکره با آمریکا عاقلانه و شرافتمندانه نیست؟» دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/3254136>، ۲۱ بهمن ۱۴۰۳.
- خبرگزاری دفاع مقدس. «خاطره سید آزادگان از عنایت امام زمان به شهید اندرزگو»، دسترسی در: <https://defapress.ir/fa/news/27559>، ۱۸ شهریور ۱۳۹۳.
- خبرگزاری صداوسیما. «اصلاً انرژی هسته‌ای به چه درد می‌خورد؟»، دسترسی در: <https://www.iribnews.ir/fa/news/3070887>، ۲۱ فروردین ۱۴۰۰.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد. شرح غرر الحکم و درر الکلم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد. سیر أعلام النبلاء، تحقیق شعيب الأرناؤوط و محمد نعیم العرقسوسی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۸.
- رنجبر، عشرت. «روش‌های جذب جوانان»، مجله افق تبلیغ، ش ۱، زمستان ۱۳۹۸، ص ۹۱.
- روزنامه قدس. «وقف و نذر برای تشویق نوجوانان به نماز»، ش ۵۱۷، ۱۴۰۲.
- زمانی، ساره و دیگران. «رابطه طلاق عاطفی با تصویر بدنی و کمال‌گرایی»، فصلنامه مطالعات روان‌شناختی، دوره ۱۰، ش ۴، بهمن ۱۳۹۳، ص ۱۳۶-۱۱۹.

- سایت میدل ایست نیوز. «نگاهی به تاریخچه مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم ایران و آمریکا از سال ۱۹۷۹م»، دسترسی در: <https://mdeast.news/>، ۱۱ آوریل ۲۰۲۵م.
- سیحانی نیا، محمد. بررسی مسائل جوانان، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۱.
- سجستانی، سلیمان بن اشعث. سنن أبي داود، تحقیق سید إبراهیم، مصر، دارالحديث، ۱۴۲۰ق.
- سروش، عبدالکریم. روشنفکری و دین داری، تهران، پویه، ۱۳۶۷.
- صاحب سر هندی حنفی، محمد حسن جان. الأصول الأربعة فی تردید الوهابية، الیکزک پریس، روزبازار، ۱۴۱۸ق.
- صدر، سیدمحمدباقر. إقتصادنا، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۹۹.
- طباطبایی یزدی، سیدکاظم. العروة الوثقی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، فضل بن حسن. تفسیر مجمع البیان، ترجمه حسین نوری همدانی، تهران، فراهانی.
- طبری، محمد بن جریر. جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- غریب آبادی، کاظم. برنامه هسته‌ای ایران (واقعیت‌های اساسی)، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. محجة البیضاء، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- قسطلانی، احمد بن محمد. إرشاد الساری لشرح صحیح البخاری، مصر، المطبعة الكبرى الأميرية، ۱۳۲۳ق.
- قمی، عباس. مفاتیح الجنان، تهران، پیام آزادی، ۱۳۸۸.
- کارشناس، علی و محمد محمدپور. احکام اداری - نظامی بر اساس فتاوی امام خامنه‌ای «علیه السلام»، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- گلنن، جان پی. مذاکرات ایران و آمریکا، ترجمه محمد آقاجری، تهران، پارسه، ۱۳۷۹.
- مجلسی، محمدباقر. بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- مرادی نیا، محمدجواد. امام خمینی و هیئت‌های دینی مبارز، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷.
- المراغی، عبدالله مصطفی. «مقارنة بین العدالة التشريعية فی القوانين الوضعية و الرأی فی التشريع الاسلامی»، مجلة الأهر، ج ۲۶، ش ۱۵ و ۱۶، رمضان ۱۳۷۴ق، ص ۸۴۶-۸۴۸.
- مصطفوی، حسن. التحقيق فی کلمات القرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- مطهری، مرتضی. مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، حکمت، ۱۴۰۹ق.

- \_\_\_\_\_ . مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۸۰.
- مقریزی، احمد بن علی. امتاع الأسماء، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۲۰ق.
- موسوی خمینی، سیدروح الله. استفتائات از محضر امام خمینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
- \_\_\_\_\_ . صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸.
- نجفی، محمدحسن. جواهر الکلام، تصحیح محمد قوچانی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۲.
- نوری، حسین بن محمدتقی. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، آل البيت، ۱۴۰۸ق.
- واعظی، حسن. ایران و امریکا (بررسی سیاست‌های امریکا در ایران)، تهران، سروش، ۱۳۷۹.
- وزام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی. مجموعه وزام، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.